

تحلیل ساختار رقابت در تجارت خارجی ایران

چکیده

مفهوم رقابت زوایا، ابعاد و جنبه‌های مختلفی دارد که مفهوم خاص آن در تمایز ساختار بازارها در طیف رقابت تا انحصار است. البته رقابت یک مفهوم تطبیقی نیز دارد که توانایی یا عملکرد یک شرکت، بنگاه اقتصادی، یک بخش اقتصادی یا یک کشور را در زمینه عرضه کالا یا خدمات به یک بازار مشخص نشان می‌دهد. امروزه رقابت مفهوم و حوزه چند سطحی / لایه، گسترده‌تر و عمومی دارد و در تبیین آن دهها عامل دخالت دارند. رقابت مجموعه‌ای از نهادها، سیاست‌ها و عواملی است که سطح بهره‌وری کشوری را تعیین و تعیین می‌کند. سطح بهره‌وری نیز به نوبه خود سطح رفاه مردم را در کشورها مشخص می‌کند. به دیگر بیان اقتصادهایی که سطح رقابتی بالاتری هستند، سطح بالاتری از رفاه را برای شهروندان به ارمغان می‌آورند.

گزارش پژوهشی حاضر به سفارش اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران (اختصاراً اتاق ایران) و با هدف بررسی و تحلیل ساختار رقابت در تجارت خارجی ایران، آسیب‌شناسی، تحلیل الگو و ارائه توصیه‌های سیاستی به منظور رفع چالش‌های شناسایی شده در این زمینه، نگارش و تدوین شده است.

بر این اساس، این نوشتار در نه فصل سازماندهی شده است. در ادامه مقدمه، در فصل دوم به تحلیل رقابت در تجارت ایران در جهان از منظر شاخص‌های ملی و بین‌المللی اختصاص دارد. فصل سوم تحلیل رقابت در الگوی تجارت صنعتی ایران در جهان از منظر شاخص‌های ملی و بین‌المللی می‌پردازد. فصل چهارم به مطالعه جایگاه ایران در ساختار رقابت جهانی بلندمدت صنایع کارخانه‌ای تبیین و تحلیل شده است. در فصل پنجم، وضعیت توسعه تجارت ایران از منظر سیاست‌گذاری با محوریت تحلیل سیاست تجاری ایران با تاکید بر کارکرد مجوزها می‌پردازد. فصل ششم به بررسی مختصات و ویژگی‌های اصلی فعلی تجارت خارجی ایران اختصاص یافته است. در فصل هفتم به طور تفصیلی ابعاد و جنبه‌های الگو و ساختار تجارت خارجی ایران و نقش و مداخلات دولت تحلیل و بررسی شده است. فصل هشتم به آثار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر ساختار تجارت خارجی ایران (در قیاس با کشورهای منطقه: کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس) از رویکرد رقابتی اختصاص دارد. نهایتاً در فصل نهم، ساختار رقابت در تجارت ایران و ارتباط سیاست تجاری و سیاست‌های مرتبط با سرمایه‌گذاری خارجی کشور پرداخته است.

در ادامه مهم‌ترین نتایج و یافته‌ها با محوریت موضوع گزارش پژوهشی در جدول درج است. این جدول اهم ضعف، تنگناها، چالش‌ها و تهدیدها؛ و نیز قوت‌ها، مزایا و فرصت‌های پیش‌رو، با اهم راهکارها و توصیه‌های سیاستی با تاکید بر محوریت رقابت (به مفهوم عمومی) باختصار و موجز در ۲۴ ردیف ارائه می‌شود.

جمع‌بندی ساختار رقابت تجارت ایران از منظر "چالشها، تهدیدها و فرصتها" و اهم راهکارها و توصیه‌ها			
ردیف	چالش‌ها و تهدیدها	فرصت‌ها	راهکارها و توصیه‌های سیاستی
۱	رقابت‌پذیری پائین اقتصاد و تجارت خارجی در شرایط جهانی شدن	...	بسته سیاستی جامع جهت ارتقای توان رقابت اقتصاد و تجارت با محوریت اصلاح مقررات تجاری، بانکی، سرمایه‌گذاری، ارزی، مالیاتی، مدیریت علمی و آینده‌نگرو تعامل توسعه‌مند
۲	ناهماهنگی سیاست‌های اقتصادی مناسب و همسو نبودن آن‌ها	هماهنگی سیاست‌های اقتصادی با سیاست تجاری مناسب	اعمال سیاست‌های اقتصادی مناسب و هماهنگی میان آن سیاست‌ها از جمله سیاست تجاری مناسب و منطقی (حذف موانع تجاری غیر تعرفه‌ای)، ثبات نرخ ارز و کاهش نرخ تورم
۳	اقتصاد تک‌محصولی، تکانه‌های نفتی، بیماری هلندی: بی‌ثباتی و رکود صادرات غیرنفتی	جهش صادراتی	بسته سیاستی جامع جهت جهش صادراتی در سه حوزه: ظرفیت‌سازی، مقررات و نهادسازی، و سیاست‌های مناسب و هماهنگ
۴	عدم عضویت ایران در سازمان جهانی تجارت	تمهیدات لازم الحاق به سازمان جهانی تجارت	بسته سیاستی بهره‌مندی از فرصت‌ها و کاهش تبعات منفی چالش‌ها در بخش‌ها با محوریت ظرفیت‌سازی، تسهیل تجارت، اصلاح قوانین، تعامل توسعه‌مند با جهان، و رفع موانع سیاسی
۵	تشدید و تعمیق کسری تراز تجاری بدون نفت و سهم ناچیز صادرات صنعتی بالاخص با فن‌آوری بالا	تجربه نیم قرن صنعتی شدن	جهش صادراتی با محوریت ظرفیت‌سازی، اصلاح مقررات و سیاست‌های مناسب و هماهنگ، ایجاد فضای کسب و کار رقابتی، بسترسازی برای جذب FDI، ارتقای دانش و مهارت، توجه به R&D
۶	نوسان شدید توام با تنزل (بی‌ثباتی و وخامت) رابطه مبادله تجاری ایران	وجود توان بالقوه بنیان‌های صنعتی	کاهش تنش‌ها، اتخاذ سیاست‌های اقتصادی مناسب، هماهنگ و با ثبات، متنوع‌سازی و تمرکز زدایی و ارتقای صادرات صنعتی
۷	تمرکز بالا بر شرکای تجاری خاص در مبادلات تجاری	متنوع‌سازی شرکای تجاری	کاهش بی‌ثباتی عملکرد اقتصادی، سیاست‌های تنوع تولید و ارتقای بهره‌وری کل عوامل (TFP) از طریق سرمایه انسانی و تغییرات بهره‌وری، فن‌آوری و نوآوری
۸	سنتی بودن شیوه و روش‌های تجاری	به کارگیری شیوه و روش‌های نوین تجاری	استفاده از تیم مدیریتی قوی و حمایت همه‌جانبه از آن، هماهنگی دیگر سیاست‌ها با سیاست تسهیل تجاری، به کارگیری سیستم‌های پشتیبانی‌کننده تجارت
۹	ضعف در نهادهای پشتیبانی‌کننده تجارت: تشکل‌های صادراتی و کوچک بودن واحدهای صادراتی	تجربه دیرینه نهاد سنتی آن	اتخاذ راهبرد بلندمدت تجاری، ابزارهای تشویقی و توسعه‌ای دولت از این تشکل‌ها، ایجاد اطلاعات تجاری جامع و به‌هنگام

جمع‌بندی ساختار رقابت تجارت ایران از منظر "چالشها، تهدیدها و فرصتها" و اهم راهکارها و توصیه‌ها			
ردیف	چالش‌ها و تهدیدها	فرصت‌ها	راهکارها و توصیه‌های سیاستی
۱۰	کیفیت پائین نیروی انسانی	نیروی انسانی متخصص و استفاده بهینه از آن	اتخاذ راهبرد بلندمدت صادرات، توجه کافی به R&D و ارتقای بهره‌وری نیروی انسانی
۱۱	ضعف در جذب سرمایه خارجی	وجود زمینه‌های مناسب جذب FDI	اتخاذ سیاست اقتصاد کلان رقابتی و شفاف، الزامات مناسب زیرساختی و قانونی
۱۲	عدم عضویت موثر در ترتیبات اقتصادی منطقه‌ای	عضویت فعال در RTA، FTA، PTA	برقراری RTA، FTA، PTA و دوجانبه و منطقه‌ای با جمع‌بندی برابند آثار و ملاحظات همه‌جانبه
۱۳	مناطق آزاد تجاری	زیرساختها و موقعیت مناسب مناطق	کارآمدی سیستم مدیریت مناطق و هماهنگی دیگر ارگانها با آن، ثبات قوانین مرتبط و شفاف آن
۱۴	عدم تحقق جایگاه ممتاز ترانزیتی ایران در منابع هیدروکربن منطقه	جایگاه ممتاز ترانزیتی ایران در انتقال منابع هیدروکربن	رفع موانع سیاسی و تعامل توسعه‌مند با جهان
۱۵	عدم تحقق جایگاه ممتاز خدمات از جمله خدمات مالی، جهانگردی / توسعه توریسم (گردشگری)	وجود ظرفیت‌ها و امکانات خدمات مالی و گردشگری فراوان و منحصربفرد	بسته سیاستی جامع جهت ارتقای جایگاه گردشگری با محوریت زیرساختی، آموزشی، بازاریابی، اطلاع‌رسانی، نهادی و فرهنگی
۱۶	پدیده قاچاق	...	وضع سیاست تجاری مناسب و منطقی و برچیدن موانع تجاری غیرتعرفه‌ای، هدفمندی یارانه‌ها، مدنظر قراردادن قیمت‌های نسبی در قیمت‌گذاری، تسهیل تجارت
۱۷	وجود قیمت‌شکنی (دامپینگ) در کالاهای وارداتی ایران	...	تدوین مقررات و ابزارهای نوین ضدقیمت‌شکنی، حضور جدی تشکلهای و اصناف در طرح دعاوی، تهیه اطلاعات تجاری جامع و به‌هنگام
۱۸	تنگناهای موجود در دیپلماسی تجاری	دیپلماسی فعال و توسعه‌مند تجاری	توجه خاص و اهمیت بالا به ملاحظات اقتصادی در تصمیم‌گیری / سازی‌های سیاسی
۱۹	تحریم اقتصادی- تجاری	...	داشتن برنامه اضطراری، متنوع‌سازی شرکا، امکان‌سنجی جایگزینی واردات از داخل و سایر شرکاء
۲۰	سیاسی شدن بیش از حد روابط و عدم بهره‌گیری از فرصت‌های تجاری	...	ایجاد وحدت رویه در موضع‌گیری مقامات در امور بین‌الملل و توجه خاص و اهمیت بالا به ملاحظات اقتصادی در تصمیم‌گیری / سازی‌های سیاسی

جمع‌بندی ساختار رقابت تجارت ایران از منظر "چالشها، تهدیدها و فرصتها" و اهم راهکارها و توصیه‌ها			
ردیف	چالش‌ها و تهدیدها	فرصت‌ها	راهکارها و توصیه‌های سیاستی
۲۱	بهره‌وری پائین بخش بازرگانی / تجارت خارجی	...	بهینه‌سازی سیستم توزیع و ایجاد فضای رقابتی در مکانیسم بازار از طریق سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، توجه به قیمت‌های نسبی و اتخاذ سیاست‌های اقتصادی مناسب: نرخ پائین تورم و ثبات نرخ ارز
۲۲	انحصارات در بازار داخلی و تنظیم بازار داخلی کالاهای ضروری اساسی	...	اصلاح قوانین مرتبط، حذف انحصارات، هماهنگی سیاستهای تنظیم بازار (برقراری قیمت‌های نسبی توأم با نرخ پائین تورم)، تسهیلات برای سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و استفاده از شیوه‌های نوین مبادله
۲۳	زیرساخت‌های نرم و سخت (بنادر، پایانه‌ها، راهها، حمل و نقل و انبارداری)	...	افزایش تسهیلات/ سرمایه‌گذاری‌های لازم در زیر ساخت‌ها، حذف انحصارات و ارتقا و نوسازی سیستم پشتیبانی‌کننده توزیع
۲۴	حجم هنگفت یارانه‌ها در اقتصاد ایران و هدفمند نبودن آن	هدفمند کردن یارانه‌ها و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر	هدفمند نمودن یارانه‌ها، تصمیم‌سازی واحد، منطقی کردن مصرف کالاهای یارانه‌ای و برقراری نظام جامع تامین اجتماعی

(۱) مقدمه

مفهوم رقابت زوایا، ابعاد و جنبه‌های مختلفی دارد که مفهوم خاص آن در تمایز ساختار بازارها در طیف رقابت تا انحصار است. البته رقابت یک مفهوم تطبیقی نیز دارد که توانایی یا عملکرد یک شرکت، بنگاه اقتصادی، یک بخش اقتصادی یا یک کشور را در زمینه عرضه کالا یا خدمات به یک بازار مشخص نشان می‌دهد. امروزه رقابت مفهوم و حوزه چند سطحی / لایه، گسترده‌تر و عمومی‌تری دارد و در تبیین آن دهها عامل دخالت دارند. رقابت مجموعه‌ای از نهادها، سیاست‌ها و عواملی است که سطح بهره‌وری یک کشور را تعیین می‌کنند. سطح بهره‌وری نیز به نوبه خود سطح رفاه مردم را در کشورها مشخص می‌کند. به دیگر بیان می‌توان گفت اقتصادهایی که از سطح رقابتی بالاتری قرار دارند، سطح بالاتری از توسعه اقتصاد، تجارت، صنعت و رفاه را برای شهروندان به‌ارمغان می‌آورند.

گزارش پژوهشی حاضر به سفارش اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران (اختصاراً اتاق ایران) و با هدف بررسی و تحلیل ساختار رقابت در تجارت خارجی ایران، آسیب‌شناسی، تحلیل الگو و ارائه توصیه‌های سیاستی به منظور رفع چالش‌های شناسایی شده در این زمینه تدوین شده است. این گزارش در راستای پاسخگویی به برخی از اهم پرسش‌ها / سئوالات زیر تدوین یافته است:

- ✓ وضعیت موجود و مطلوب رقابت‌پذیری اقتصادی ایران در جهان چگونه است؟ و راهکارهای گذار از وضع موجود به وضع مطلوب رقابت‌پذیری ایران در جهان کدام هستند؟ چه مولفه‌ها، نهادها، سیاستها و عوامل در توسعه و بهبود رقابت‌پذیری جهانی اقتصاد ایران موثر هستند؟
- ✓ ابعاد شاخص عملکرد رقابت صنعتی ایران در بلندمدت به چه نحو بوده است؟ تجارب و عملکرد رقابت صنعتی ایران در قیاس با بهترین جهان و منطقه در بلندمدت چه سیر و تحولاتی را شاهد بوده است؟ مطالعه تطبیقی عملکرد رقابت صنعتی در کشورهای مختلف جهان و روند شاخص‌ها و عملکرد رقابت صنعتی ایران در ادوار مختلف (در قالب سال‌های برنامه‌های توسعه) چه سمت و سویی داشته است؟ راهکارهای بهبود از وضع موجود به وضع مطلوب رقابت صنعتی ایران در جهان کدام هستند؟ چه سیاستها و عوامل در توسعه و بهبود رقابت صنعتی ایران موثر هستند؟
- ✓ ساختار رقابت جهانی فعالیت‌های صنایع کارخانه‌ای چه تغییر و تحولاتی را در چند دهه اخیر شاهد بوده است؟ صنایع ایران در کجای تولید فعالیت‌های صنعتی جهان قرار دارد؟ اقتصادهای صنعتی نوظهور و تازه‌صنعتی شده به‌طور خاص ایران چه سهمی از تولید فعالیت‌های صنعتی جهان را نصیب خود نموده‌اند؟ و سمت و سوی جابه‌جایی و جغرافیای صنایع کارخانه‌ای چگونه است؟
- ✓ سیاست تجاری ایران و سیر تحولات و فراز و فرودهای آن در چند دهه گذشته متأثر از تکانه‌های غیرکنترلی برون‌زا با محوریت تحریم‌ها چه سمت و سویی را تجربه کرده است؟ از ابزارهای سیاست تجاری به خصوص کارکرد ثبت سفارش و مجوزها چگونه بوده است؟

- ✓ مختصات و ویژگی‌های اصلی فعلی ساختار تجارت ایران کدام هستند؟ ابعاد، زوایا و جنبه‌های مختلف و متنوع الگو و ساختار تجارت خارجی ایران و نقش و مداخلات دولت چیست؟
- ✓ آثار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر ساختار تجارت ایران در قیاس با کشورهای موفق منطقه چگونه بوده است؟ ساختار رقابت در تجارت ایران و ارتباط سیاست تجاری و سیاست‌های مرتبط با سرمایه‌گذاری خارجی کشور در قیاس با کشورهای موفق منطقه چگونه ارزیابی می‌شود؟

بر این اساس، این نوشتار در نه فصل سازماندهی شده است. در ادامه مقدمه، در فصل دوم به تحلیل رقابت در تجارت ایران در جهان از منظر شاخص‌های ملی و بین‌المللی اختصاص دارد. فصل سوم تحلیل رقابت در الگوی تجارت صنعتی ایران در جهان از منظر شاخص‌های ملی و بین‌المللی می‌پردازد. فصل چهارم به مطالعه جایگاه ایران در ساختار رقابت جهانی بلندمدت صنایع کارخانه‌ای تبیین و تحلیل شده است. در فصل پنجم، وضعیت توسعه تجارت ایران از منظر سیاست‌گذاری با محوریت تحلیل سیاست تجاری ایران با تاکید بر کارکرد مجوزها می‌پردازد. فصل ششم به بررسی مختصات و ویژگی‌های اصلی فعلی تجارت خارجی ایران اختصاص دارد. در فصل هفتم به طور تفصیلی ابعاد و جنبه‌های الگو و ساختار تجارت خارجی ایران و نقش و مداخلات دولت تحلیل و بررسی شده است. فصل هشتم به آثار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر ساختار تجارت خارجی ایران (در قیاس با کشورهای منطقه: کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس) از رویکرد رقابتی اختصاص دارد. نهایتاً در فصل نهم، ساختار رقابت در تجارت ایران و ارتباط سیاست تجاری و سیاست‌های مرتبط با سرمایه‌گذاری خارجی کشور به مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش به طور خلاصه می‌پردازد.

در این گزارش پژوهشی علاوه بر مطالعات داخلی، از مطالعات تطبیقی و تحلیل و یافته‌های مطالعات نهاد‌های بین‌المللی از جمله صندوق بین‌المللی پول (IMF)، بانک جهانی (WB) و مجمع جهانی اقتصاد (WEF)، و وابسته به سازمان ملل متحد نظیر سازمان توسعه صنعتی (یونیدو: UNIDO) با تاکید بر جایگاه ایران در جهان برای مقاطع سالانه بلندمدت به‌ویژه دهه اخیر استفاده می‌شود.

۲) تحلیل رقابت اقتصاد بین الملل ایران^۱

رقابت یک مفهوم تطبیقی است که توانایی یا عملکرد یک شرکت، بنگاه اقتصادی، یک بخش اقتصادی یا یک کشور را در زمینه عرضه کالا یا خدمات به یک بازار مشخص نشان می‌دهد. امروزه رقابت مفهوم و حوزه‌ی گسترده‌تری دارد و در تبیین آن دهها عامل دخالت دارند. رقابت مجموعه‌ای از نهادها، سیاست‌ها و عواملی است که سطح بهره‌وری یک کشور را تعیین می‌کنند. سطح بهره‌وری نیز به نوبه خود سطح رفاه اقتصادی مردم را در اقتصاد کشورها مشخص می‌کند. به دیگر بیان می‌توان گفت اقتصادهایی که رقابت‌پذیرتر هستند، سطح بالاتری از رفاه را برای شهروندان به ارمغان می‌آورند.

هدف این بخش از گزارش پاسخ به این پرسش‌ها است که: چه مولفه‌ها، نهادها، سیاست‌ها و عوامل در بهبود توسعه و رقابت جهانی اقتصاد ایران موثر است؟ وضعیت موجود و مطلوب رقابت اقتصادی ایران چگونه است؟ و راهکارهای گذار از وضع موجود به وضع مطلوب رقابت ایران در جهان کدام هستند؟ در واقع، این مطالعه به دنبال تبیین رقابت و راههای بهبود آن در اقتصاد بین الملل و تجارت خارجی ایران است. در این راستا، ابتدا چارچوب نظری موضوع از ابعاد و زوایای مختلف ارائه می‌شود. سپس ضمن ارائه و تحلیل وضع موجود، تصویری از وضع مطلوب تبیین شده و راههای بهبود رقابت در اقتصاد ایران ارائه می‌شود.

موقعی رقابت اقتصادی مناسب تحقق می‌یابد که دستکم وضعیت ۱۲ مولفه توأمان نزدیک به وضع مطلوب باشند؛ در واقع در آن جامعه یا کشور، نهادهای کارآمد، زیرساخت‌های گسترده و مناسب، ثبات محیط اقتصادی، بهداشت و آموزش با کیفیت، مهارت‌ها و دانش تخصصی بالا و با کیفیت، کارآمدی بازار کالا، کارایی و انعطاف‌پذیری بازار کار، بازار مالی توسعه‌یافته، سطح بالای آمادگی جذب فن‌آوری، بزرگی اندازه بازارها و تخصصی‌شدن تجارت، کسب و کارهای پیچیده و توسعه‌یافته و نهایتاً خلاقیت و نوآفرینی در جامعه نهادینه و درون‌زا شده باشد. در این چارچوب، این مطالعه با هدف تبیین رقابت اقتصادی مناسب و راهکارهای بهبود اقتصاد ایران در مقاطع ۲۰۱۰ و ۲۰۲۰ مطالعه و تدوین یافته است. این مطالعه شامل مقدمه، چارچوب نظری موضوع از ابعاد و زوایای مختلف، روش پژوهش، تحلیل وضع موجود رقابت جهانی ایران و مولفه‌های ۱۲ گانه و تصویر وضع مطلوب، جمع‌بندی با تاکید بر راههای بهبود مولفه‌های ۱۲ گانه و متغیرها و سیاست‌های مناسب است. خلاصه نتایج حاکی است: شاخص رقابت اقتصاد ایران با رتبه ۶۹ (۲۰۱۰)، ۸۹ (۲۰۱۸) و ۹۹ (۲۰۱۹) در جهان، با ۲۰ و ۳۰ پله سقوط نسبت به ابتدای دهه ۲۰۱۰، رقابت جهانی ایران در دهه ۲۰۱۰ به شدت روبه تنزل گذاشته و همچنان در مرحله گذار از مرحله مبتنی بر عوامل

^۱ در دهه آخر قرن بیستم، تحولاتی در نظام اقتصادی بین الملل به وقوع پیوست که ضمن بی‌نظیر بودن، موجب انتقال اقتصادی بین الملل به نظامی شد که غالب اندیشمندان علوم اجتماعی آن را جهانی شدن می‌دانند. موج جدید جهانی شدن که در آینده نیز به سرعت آن اضافه می‌شود، مبتنی بر پیشرفت فناوری در حمل و نقل و ارتباطات و اطلاعات است. مضافاً، تحت تاثیر شدید آزادسازی تجاری و همبستگی بین کشورها و کوچک‌تر شدن دنیا به علت پیشرفت فناوری قرار دارد.

تولید به مرحله بهبود کارایی است. وضعیت ایران در ۱۲ مولفه رقابت بنحوی است که ایران در چند سال اخیر در ۵ مولفه از ۱۲ مولفه شامل کارایی بازار کار، بازار کالا، پویایی کسب و کار، نهادها و ثبات محیط اقتصاد کلان ضعیف‌ترین وضعیت، و تنها در مولفه اندازه بازار وضعیت مناسبی را احراز کرده است. بنابراین این ۵ مولفه وضعیت رقابت ایران در جهان را بشدت کاهش داده است. از مقایسه ۱۲ مولفه رقابت ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ با ۲۰۱۰ نتیجه می‌شود که مولفه‌های با نقاط قوت روبه تحلیل رفته است و بیم آن می‌رود که چشم‌انداز آتی تنها نقطه قوت - اندازه بازار - با تشدید تحریم‌ها روبه وخامت گذارد. از کل متغیرهای تبیین‌کننده ۱۲ مولفه رقابت ایران، ۵۴ متغیر؛ ۵۲ در صد از ۱۰۴ متغیر مورد نظر در سال ۲۰۱۹، رتبه ایران ۹۹ و بالاتر بوده است. در این بین، وضعیت ۲۰ متغیر با رتبه بالاتر از ۱۲۰ به مراتب ضعیف‌تر ارزیابی می‌شود که بی‌شک در کاهش رقابت جهانی اقتصاد ایران تاثیر می‌گذارد و بنابراین به منظور بهبود و ارتقای رقابت اقتصاد ایران، در مورد تمام متغیرها از جمله ۵۴ متغیر و بالاخص با اولویت ۲۰ متغیر نقطه ضعف، اقدام‌های اصلاحی مناسبی انجام پذیرد.

جدول (۱): جایگاه جهانی رقابت ایران در مقایسه با بهترین کشور در دهه ۲۰۱۰								
رتبه نخست جهان	رتبه (تغییر)			نمره و امتیاز ارزش عددی (تغییر)			شرح	
	۲۰۱۹	۲۰۱۸	۲۰۱۰	۲۰۱۹	۲۰۱۸	۲۰۱۰	مولفه‌های ۱۲ گانه	حوزه کلی
ایالات متحده	(-۱۰) ۹۹	(-۲۰) ۸۹	۶۹	(-۱۹) ۵۳,۰	(+) ۵۴/۹		شاخص کلی رقابت‌پذیری جهانی	
فنلاند	(+) ۱۲۰	(-۳۹) ۱۲۱	۸۲	(-۱,۸) ۴۲,۵	(+) ۴۴/۳	۳۷/۴	(۱) نهادها	(I) الزامات و نیازهای اساسی (محیط کمکی)
سنگاپور	(-۴) ۸۰	(-۲) ۷۶	۷۴	(-۰,۶) ۶۴,۸	(-) ۶۵/۴	۳۷/۵	(۲) زیرساخت‌ها	
کره جنوبی	(-۴) ۸۴	(+) ۸۰	۸۷	(+۳,۲) ۵۰,۸	(+) ۴۷/۶	۳۸/۰	(۳) فناوری اطلاعات و ارتباطات	
۳۳ کشور	(-۱۷) ۱۳۴	(-۷۳) ۱۱۷	۴۵	۵۲,۲ (-۱۴,۷)	(+) ۶۶/۹	۴۹/۶	(۴) ثبات اقتصاد کلان	(II) سرمایه انسانی
۴ کشور	(+۱۲) ۷۲	(-۳۰) ۸۴	۵۴	(+۳,۹) ۸۰,۴	(+) ۷۷/۵	۵۸/۹	(۵) بهداشت و آموزش	
سوئیس	(-۱) ۹۲	(+) ۹۱	۹۸	(+۰,۹) ۵۷,۹	(-) ۵۷/۰	۳۸/۰	(۶) مهارت‌ها و آموزش عالی	(III) بازارها
هنگ کنگ	(+) ۱۳۳	(-۳۶) ۱۳۴	۹۸	(-۰,۴) ۴۱,۶	(-) ۴۲/۰	۳۸/۵	(۷) بازار محصول	
سنگاپور	(-۴) ۱۴۰	(-) ۱۳۶	۱۳۵	(-۱,۸) ۴۱,۳	(-) ۴۳/۱	۳۳/۷	(۸) بازار نیروی کار	
هنگ کنگ	(-۲۵) ۱۳۳	(+۲۲) ۹۸	۱۲۰	(-۵,۰) ۴۷,۵	(-) ۵۲/۵	۳۳/۹	(۹) نظام / بازار مالی	
چین	(-۲) ۲۱	(+) ۱۹	۲۰	(-۰,۴) ۷۴,۱	(+) ۷۴/۵	۵۰/۹	(۱۰) اندازه بازار	
ایالات متحده	(-۱۳) ۱۳۲	(-۳۷) ۱۱۹	۸۲	(-۵,۷) ۴۴,۳	(-) ۵۰/۰	۳۳/۴	(۱۱) پویایی کسب و کار	(IV) اکوسیستم نوآوری
آلمان	(-۶) ۷۱	(+۲۶) ۶۵	۹۱	(-۰,۴) ۳۸,۰	(+) ۳۷/۶	۳۵/۶	(۱۲) توانایی نوآوری	

ماخذ: نتایج تحقیق به نقل از گزارش رقابت‌پذیری جهانی مجمع جهانی اقتصاد سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۲۰.

رقابت پائین اقتصاد ملی، از چالش‌های اساسی فراروی بخش خارجی اقتصاد ایران و بازرگانی داخلی و خارجی کشور است. مفهوم توان رقابت در سطح اقتصاد ملی بر دو عنصر اصلی تکیه دارد: نخست روند مستمر رشد بهره‌وری در اقتصاد و دیگر رشد سهم اقتصاد ملی در تجارت جهانی که البته هر دو این، باید بهبود شاخص‌های رفاه عمومی را در پی داشته باشد. سطح توان رقابت یا رقابتی بودن یک اقتصاد با استفاده از شاخص ترکیبی معیارهای اصلی مربوط، ارزیابی می‌شود. شاخص توان رقابت اقتصاد ملی می‌تواند به‌عنوان یکی از بهترین نماگرهای توان اقتصاد در عرصه رقابت جهانی شناسایی و محور قرار گیرد. مطالعات نشان می‌دهد که هم‌اکنون اقتصاد ایران با مشکلات و چالش‌های متعددی از جمله کسری بودجه، تورم، ضعف کیفیت و کمیت ارائه خدمات دولتی و بی‌ثباتی در بهره‌مندی مردم از امکانات اولیه، وابستگی به درآمدهای حاصل از صادرات نفت خام، فساد اداری و مالی، بیکاری، عقب‌افتادگی فن‌آوری، رقابت‌ناپذیری محصولات داخلی در مقایسه با محصولات مشابه خارجی، فقر گروه‌های آسیب‌پذیر، مصرف بی‌رویه و تضييع شديد محصولات استراتژیک مانند انرژی، گسترش آسیب‌های اجتماعی و نابسامانی‌های اخلاقی در نتیجه فشارهای اقتصادی، روبه‌رو است. در مقابل، ایران از امکانات و منابع تولیدی قابل توجهی برخوردار است. ذخایر عظیم نفت و گاز و موقعیت ویژه و استثنایی جغرافیایی، در صد قابل توجه تحصیل کرده (سرمایه انسانی داخلی و بین‌المللی عظیم)، برخورداری از بیش از نیم قرن تجربه تولید صنعتی، تنوع آب و هوای اقلیمی و نظایر آن، آنگاه که با کشورهایمانند کره جنوبی و دیگر کشورها که فاقد بسیاری از امکانات طبیعی خدادادی اند، مقایسه شود، ظرفیت بالا را برای رشد و بهبود چشمگیر سطح رفاه جامعه یادآور می‌شود.

تحلیل نتایج شاخص رقابت اقتصاد ایران نشان می‌دهد مجموع ابعاد توان رقابت جهانی در اقتصاد کشور در سطحی پایین بوده است.^۱ از سوی دیگر در ارزیابی معیارهای به‌دست آمده برای اقتصاد ایران، زیرساخت‌های عمومی و زمینه‌های فن‌آوری ارتباطات، قابلیت خوبی برای تقویت توان رقابت داشته و از سوی دیگر حرکت بطئی شرکتها بسوی فن‌آوریهای نوین و خلاقیت، یک نقطه ضعف است. مضافاً، نهادهای بخش عمومی و تشخیص و اجرای قانون به‌عنوان یک مانع مهم برای توان رقابت و بنگاه‌ها مطرح است. در مورد این معیار که مزیت شرکت‌های ایرانی در بازار جهانی ناشی از تولیدات با کیفیت و پیشرفته است، و وضعیت اقتصاد ایران در حد کشورهای با درآمد پایین است که بیشتر بر منابع طبیعی و قیمت پایین تولیدات (ناشی از ارزانی نیروی کار و نرخ حمایتی و یارانه‌ای) متکی هستند.

از دیگر مظاهر ضعف توان رقابت اقتصاد ایران می‌توان به دو معیار اشاره کرد: سهم صادرات و واردات کشور از مجموع حجم جهانی آنها، طی دوره ۲۰۲۰-۱۹۹۲ (با لحاظ فرازو فرودهایی) روندی کاهشی داشته، و مرور روندهای ده سال و بیشتر در اقتصاد ایران، بیانگر روند نزولی در مورد نرخ بهره‌وری سرمایه و روند بسیار کند افزایشی در مورد نرخ بهره‌وری نیروی کار است. راهبردهای پیشنهادی برای تقویت توان رقابت عبارت است از:

۱. راهبرد آموزشی - فرهنگی نسبت به ابعاد تحول جهانی شدن و شیوه صریح و دقیق مواجهه با جهانی‌شدن؛
۲. راهبرد کار، پویا و سالم‌سازی نهادهای بخش عمومی؛
۳. راهبرد فرهنگ‌سازی برای خلاقیت، نوآوری و ایجاد زمینه‌های کارآفرینی؛

^۱ محاسبه شاخص توان رقابت اقتصاد ایران به‌دلایلی چند با دشواری روبه‌رو بود که می‌توان به طیف وسیع متغیرها، پیچیدگی وزن‌دهی و ترکیب معیارها و مهم‌تر از همه سطح بالای تحقیق میدانی (از مدیران عالی‌رتبه بخش دولتی و خصوصی) اشاره کرد.

۴. راهبرد توانمند سازی بخش خصوصی کارآمد و تسهیل تعامل جهانی آن (تضمین بازار رقابتی ضابطه‌مند و تمهید زیرساخت‌های ارتباطات تجاری و اقتصادی).

۵. راهبرد محوریت و تکیه بر زمینه‌سازی رشد بهره‌وری نیروی کار، سرمایه و منابع طبیعی.

۶. راهبرد پویاشدن و انعطاف بازارهای سرمایه و پول برای کارآفرینان.

۷. راهبرد تدوین و عملیاتی کردن نظام ملی نوآوری (خوشه‌ها، تامین مالی خطرپذیر، پارک‌های فن‌آوری و نظایر).

۸. اصلاح قانونی و برخورد قضائی با فرایندها و گلوگاه‌های رانتی و انحصاری برای بازکردن محیط رقابت.

۹. فعال‌سازی سیاست تجاری بر اساس مزیت‌های رقابتی و هدفمند تسهیلات و یارانه‌های تجاری _ صنعتی.

۱۰. فعال‌شدن دیپلماسی خارجی بر محور توان رقابت اقتصاد و توسعه تجارت خارجی.

در کنار این موارد تاسیس مرکزی ملی با موضوع «ارتقاء توان رقابت اقتصاد ایران» تاکید می‌شود. این مرکز ارزیابی رقابت جهانی اقتصاد ایران و رصد جامع شاخص‌ها، مولفه‌ها و بنیان‌های رقابت ایران و ضمانت اجرای اقدامات، سیاست‌ها و برنامه‌ها در این خصوص برعهده دارد. در راهبردهای سطح کسب‌وکار به عنوان اشاره می‌شود: (۱) راهبرد تسهیل ارتباط بخش خصوصی و بنگاه‌های داخلی با بنگاه‌های پیشرو خارجی؛ (۲) راهبرد ارتقاء سطح تخصص و روزآمدی مدیران در بنگاه‌ها و سطح دانش مدیریت؛ (۳) راهبرد کمک به انعطاف و خلاقیت بنگاه‌ها از طریق مقررات، تسهیلات و جوایز؛ و (۴) راهبرد زمینه‌سازی افزایش قدرت جذب فن‌آوری‌های نوین در بنگاه‌ها.

در جدول (۲)، تصویری از جایگاه ایران در رقابت جهانی ۱۲ مولفه و ۱۰۴ شاخص آن و مقایسه آن با بهترین کشور در سال ۲۰۲۰ ارائه شده است. از متغیرهای تبیین‌کننده ۱۲ مولفه اصلی رقابت ایران در جهان، در ۵۴ متغیر یعنی ۵۲ درصد از ۱۰۴ متغیر مورد بحث در سال ۲۰۲۰، موقعیت و رتبه ایران ۹۹ و بالاتر از ۹۹ بوده است. در این بین، وضعیت ۲۵ متغیر شامل موانع تعرفه‌های تجاری، نسبت سرمایه بانک‌ها، روبه تنزل، تسهیل دراستخدام نیروی کار خارجی، روبه کاهش، حمایت از ریسک کارآفرینی، روبه تنزل، نسبت واردات کالا و خدمات از GDP، حکمرانی منافع سهام‌داران، بدن تغییر، حمایت از حقوق مالکیت فکری، روبه تنزل، آزادی انتشار، روبه کاهش، مهارت فارغ التحصیلان، سلامت بانک‌ها، روبه تنزل، زمان شروع یک کسب‌وکار، روبه تنزل، تورم، روبه تنزل، اتکا به مدیریت حرفه‌ای، روبه تنزل، تمایل به تفویض اختیار، آموزش ضمن خدمت کارکنان، روبه تنزل، ثبات سیاست اعتمادساز دولت، بی‌تغییر، ظرفیت‌های چند-میزبانی، روبه تنزل، فشار مقررات دولتی، روبه تنزل، کارایی خدمات حمل و نقل هوایی، روبه تنزل و همکاری در روابط کارگر-کارفرما، رتبه ایران بیش از ۱۳۰ در سال ۲۰۲۰ بوده است، حال آن که در سال ۲۰۱۰، ۲۰ متغیر شامل میزان مالکیت خارجی، سهولت دسترسی به وام، میزان موانع تجاری، موانع تعرفه‌ای (متوسط نرخ تعرفه موزون تجاری)، دسترسی به خدمات مالی، دسترسی به سرمایه مخاطره‌آمیز، میزان آموزش کارکنان، حمل و نقل هوایی، تاثیر اقتصادی مقررات مربوط به FDI، استطاعت و کفایت خدمات مالی، انعطاف‌پذیری در تعیین دستمزدها، حمایت قوی از سرمایه‌گذار، مشارکت زنان در نیروی کار، کیفیت عرضه‌کنندگان محلی، شفافیت سیاست‌گذاری دولتی، محدودیت جریان سرمایه، دسترسی به جدیدترین فناوری‌ها، تمایل به تفویض اختیار، تورم و اتکا به مدیریت حرفه‌ای با رتبه بالاتر از ۱۲۰ بمراتب ضعیف‌تر ارزیابی می‌شود. در دهه ۲۰۱۰ نه‌تنها جهت متغیرها بهبود نیافته، بلکه حتی در موقعیت رقابت اقتصاد ایران بدتر نیز شده است. بنابراین به منظور بهبود ارتقای رقابت جهانی اقتصاد ایران، در مورد تمامی متغیرها از جمله ۵۴ متغیر در جدول و بالاخص ۲۵ متغیر اول بایستی اصلاحات و اقدامات مناسب‌تری انجام پذیرد.

جدول (۲): جایگاه رقابت جهانی ۱۲ مولفه و ۱۰۴ شاخص آن برای ایران در مقایسه با بهترین کشور: ۲۰۲۰

رتبه نخست	تغییر شاخص	رتبه (تغییر)	نمره (تغییر)	ارزش	ارکان و حوزه کلی / مولفه‌های ۱۲ گانه / اجزای ۱۰۴ گانه آن
ایالات متحده	تنزل	۹۹ (-۱۰)	۵۳,۰ (-۱,۹)	-	شاخص کلی رقابت پذیری جهانی
فنلاند	تنزل	۱۲۰ (+۱)	۴۲,۵ (-۱۸)	-	(۱) نهادها
فنلاند	تنزل	۸۲	۷۲,۶	-	امنیت + تا ۱۰۰
فنلاند	تنزل	۱۰۷	۴۹,۱	۳,۹	۱-۰۱. جرایم سازمان یافته، ۱ تا ۷
۱۴ کشور	تنزل	۷۵	۹۳,۲	۲,۵	۱-۰۲. نرخ بی خانمانی در هر ۱۰۰۰۰
۲۵ کشور	بی تغییر	۱۰۷	۹۷,۶	۹۷,۶	۱-۰۳. رخداد تروریستی ۰ تا ۱۰۰
فنلاند	تنزل	۸۴	۵۱,۳	۴,۱	۱-۰۴. خدمات پلیس قابل اتکا ۱ تا ۷
زلانندو	بهبود	۵۶	۵۲,۸	-	سرمایه اجتماعی + تا ۱۰۰
زلانندو	بهبود	۵۱	۵۲,۸	۵۲,۸	۱-۰۵. سرمایه اجتماعی ۰ تا ۱۰۰
فنلاند	تنزل	۱۳۸	۲۴,۷	-	کنترل‌ها و موازنه‌ها
۲ کشور	۵,۸	...	۱-۰۶. شفافیت بودجه ۰ تا ۱۰۰
فنلاند	تنزل	۹۷	۳۴,۷	۳,۱	۱-۰۷. استقلال قضایی ۱ تا ۷
فنلاند	تنزل	۱۳۰	۲۲,۸	۲,۴	۱-۰۸. کارایی نظام حقوقی در به چالش کشیدن مقررات، ۱ تا ۷
نروژ	تنزل	۱۳۶	۳۵,۶	۶۴,۴	۱-۰۹. آزادی انتشار، ۰ تا ۱۰۰
سنگاپور	تنزل	۱۲۴	۳۴,۸	-	عملکرد بخش عمومی، + تا ۱۰۰
سنگاپور	تنزل	۱۳۳	۲۴,۰	۲,۴	۱-۱۰. فشار مقررات دولتی، ۱ تا ۷
سنگاپور	تنزل	۱۲۲	۲۷,۸	۲,۷	۱-۱۱. کارایی نظام حقوقی برای حل و فصل اختلافات، ۱ تا ۷
۳ کشور	بی تغییر	۱۰۲	۵۲,۸	۰,۵۳	۱-۱۲. مشارکت الکترونیکی، ۰ تا ۱
دانمارک	تنزل	۱۱۶	۲۸,۰	-	شفافیت
دانمارک	تنزل	۱۱۶	۲۸,۰	۲۸,۰	۱-۱۳. رخداد فساد، ۰ تا ۱۰۰
فنلاند	تنزل	۱۲۳	۴۲,۲	-	حقوق مالکیت، + تا ۱۰۰
فنلاند	تنزل	۱۲۳	۴۲,۲	۳,۵	۱-۱۴. حقوق مالکیت، ۱ تا ۷
فنلاند	تنزل	۱۳۶	۲۸,۹	۲,۷	۱-۱۵. حمایت از حقوق مالکیت فکری، ۱ تا ۷
۵ کشور	بی تغییر	۷۴	۵۰,۰	۱۵,۰	۱-۱۶. کیفیت اداری اراضی
زلانندو	بهبود	۱۳۷	۳۷,۰	-	حکمرانی مشارکتی
فنلاند	بهبود	۱۲۵	۴۳,۹	۳,۶	۱-۱۷. قدرت استانداردهای حساسی و گزارش دهی، ۱ تا ۷
کنیا	بی تغییر	۱۲۱	۴۰,۰	۴,۰	۱-۱۸. مقررات تعارض منافع، ۰ تا ۱۰
قزاقستان	بی تغییر	۱۳۷	۲۷,۰	۲,۷	۱-۱۹. حکمرانی منافع سهام داران، ۰ تا ۱۰
لوکزامبورگ	بی تغییر	۸۷	۴۹,۷	-	نگاه روبه آینده دولت، + تا ۱۰۰
سوئیس	بی تغییر	۱۳۴	۲۳,۶	۲,۴	۱-۲۰. ثبات سیاست اعتمادساز دولت
سنگاپور	بی تغییر	۱۱۵	۳۱,۹	۲,۹	۱-۲۱. تغییر مسئولانه دولت
ایالات متحده	بی تغییر	۹۵	۳۷,۹	۳,۳	۱-۲۲. نظام حقوقی سازگار با الگوی کسب و کار دیجیتال، ۱ تا ۷
سنگاپور	بی تغییر	۱۲۶	۲۷,۸	۲,۷	۱-۲۳. نگاه بلندمدت دولت، ۱ تا ۷

(I) الزامات و نیازهای اساسی (محیط کمکی)

جدول (۲): جایگاه رقابت جهانی ۱۲ مولفه و ۱۰۴ شاخص آن برای ایران در مقایسه با بهترین کشور: ۲۰۲۰

رتبه نخست	تغییر شاخص	رتبه (تغییر)	نمره (تغییر)	ارزش	ارکان و حوزه کلی / مولفه‌های ۱۲ گانه / اجزای ۱۰۴ گانه آن
ایتالیا	بی‌تغییر	۱۶	۷۵,۷	۷۵,۷	۱-۲۴. مقررات کارایی انرژی، ۰ تا ۱۰۰
آلمان	بی‌تغییر	۴۷	۵۹,۰	۵۹,۰	۱-۲۵. مقررات قابل تجدید انرژی، ۰ تا ۱۰۰
۶ کشور	بی‌تغییر	۷۹	۷۲,۴	۲۱	۱-۲۶. عوامل تهدید مرتبط با محیط زیست،
سنگاپور	تنزل	۸۰ (-۴)	۶۴,۸ (-۰,۶)	-	(۲) زیرساخت‌ها
سنگاپور	بهبود	۸۲	۴۶,۸	-	زیرساخت حمل و نقل
۳ کشور	بهبود	۴۲	۸۵,۴	۸۵,۴	۲-۰۱. مواصلات جاده‌ای، ۰ تا ۱۰۰
سنگاپور	تنزل	۷۹	۴۸,۱	۳,۹	۲-۰۲. کیفیت زیرساخت جاده، ۱ تا ۷
۲۴ کشور	بهبود	۶۷	۱۳,۸	۵,۵	۲-۰۳. چگالی راه‌آهن، کیلومتر در ۱۰۰۰ کیلومتر
ژاپن	تنزل	۵۲	۴۴,۶	۳,۷	۲-۰۴. کارایی خدمات قطار، ۱ تا ۷
۸ کشور	بی‌تغییر	۴۹	۵۹,۰	۸۰۵,۳۳	۲-۰۵. مواصلات فرودگاهی
سنگاپور	تنزل	۱۳۲	۳۵,۲	۳,۱	۲-۰۶. کارایی خدمات فرودگاهی، ۱ تا ۷
۵ کشور	بهبود	۴۱	۴۲,۶	۴۲,۵	۲-۰۷. مواصلات خطوط کشتی، ۰ تا ۱۰۰
سنگاپور	تنزل	۸۷	۴۵,۶	۳,۷	۲-۰۸. کارایی خدمات بنادر دریایی، ۱ تا ۷
ایسلند	تنزل	۷۶	۸۲,۷	-	زیرساخت رضایت‌مند، ۰ تا ۱۰۰
۶۷ کشور	تنزل	۷۸	۹۹,۱	۹۹,۱	۲-۰۹. دسترسی برق، درصد از جمعیت
۱۰ کشور	بهبود	۷۵	۹۲,۰	۱۱,۷	۲-۱۰. کیفیت عرضه برق، درصد از تولید
۲۸ کشور	تنزل	۶۸	۸۷,۴	۱۴,۳	۲-۱۱. آب آشامیدنی ناامن، درصد از جمعیت
ایسلند	تنزل	۱۰۰	۵۲,۴	۴,۱	۲-۱۲. عرضه آب قابل اتکا
کره جنوبی	بهبود	۸۴ (-۴)	۵۰,۸ (+۳,۲)	-	(۳) فناوری اطلاعات و ارتباطات سازگار، ۰ تا ۱۰۰
۶۳ کشور	بهبود	۸۵	۹۰,۴	۱۰۸,۵	۳-۰۱. تلفن همراه، بازای هر ۱۰۰ نفر
امارات متحده	...	۸۰	۶۸,۲	۶۸,۲	۳-۰۲. پهنای باند همراه، بازای ۱۰۰ نفر
سوئیس	تنزل	۶۹	۲۴,۰	۱۲,۰	۳-۰۳. اینترنت پهنای باند ثابت، بازای ۱۰۰ نفر
کره جنوبی	...	۱۲۵	۰,۰	۰,۰	۳-۰۴. اینترنت فیبر نوری، بازای ۱۰۰ نفر
قطر	بهبود	۶۸	۷۰,۰	۷۰,۰	۳-۰۶. کاربران اینترنت، درصد از جمعیت بزرگسال
۳۳ کشور	تنزل	۱۳۴ (-۱۷)	۵۲,۲ (-۱۴,۷)	-	(۴) ثبات اقتصاد کلان
۸۸ کشور	تنزل	۱۳۵	۵۴,۴	۲۰,۴	۴-۰۱. تورم
۳۴ کشور	بهبود	۶۴	۵۰,۰	۵۰,۰	۴-۰۲. پویایی‌های بدهی، ۰ تا ۱۰۰
۴ کشور	بهبود	۷۲ (+۱۲)	۸۰,۴ (+۲,۹)	-	(۵) بهداشت و سلامت، ۰ تا ۱۰۰
۴ کشور	بهبود	۷۱	۸۰,۴	۶۵,۷	۵-۰۱. امید به زندگی با سلامت، سال‌ها
سوئیس	بهبود	۹۲ (-۱)	۵۷,۹ (+۰,۹)	-	(۶) مهارت‌ها و آموزش عالی
سوئیس	بهبود	۸۰	۵۴,۳	-	نیروی کار فعلی، ۰ تا ۱۰۰
آلمان	بهبود	۶۱	۶۶,۷	۱۰,۰	۶-۰۱. میانگین سالهای آموزش
سوئیس	تنزل	۱۱۸	۴۱,۸	-	مهارت‌های نیروی کار فعلی، ۰ تا ۱۰۰
سوئیس	تنزل	۱۳۴	۳۴,۳	۳,۱	۶-۰۲. میزان آموزش کارکنان، ۱ تا ۷
سوئیس	تنزل	۱۱۵	۴۱,۵	۳,۵	۶-۰۳. کیفیت آموزش محلی، ۱ تا ۷

(II) سرمایه انسانی

جدول (۲): جایگاه رقابت جهانی ۱۲ مولفه و ۱۰۴ شاخص آن برای ایران در مقایسه با بهترین کشور: ۲۰۲۰

رتبه نخست	تغییر شاخص	رتبه (تغییر)	نمره (تغییر)	ارزش	ارکان و حوزه کلی / مولفه های ۱۲ گانه / اجزای ۱۰۴ گانه آن
سوئیس	تنزل	۱۳۶	۳۳,۲	۳,۰	۶-۰۴. مهارت فارغ التحصیلان، ۱ تا ۷
فنلاند	تنزل	۷۶	۵۱,۸	۴,۱	۶-۰۵. مهارت های دیجیتالی جمعیت فعال، ۱ تا ۷
ایالات متحده	تنزل	۱۰۳	۴۸,۱	۳,۹	۶-۰۶. تسهیل شاغلین با مهارت، ۱ تا ۷
دانمارک	تنزل	۹۳	۶۱,۵	-	آینده نیروی کار، ۰ تا ۱۰۰
۱۱ کشور	بهبود	۵۷	۸۲,۷	۱۴,۹	۶-۰۷. زندگی آموزشی مورد انتظار، سال ها
دانمارک	تنزل	۱۱۵	۴۰,۲	-	مهارت های آینده نیروی کار، ۰ تا ۱۰۰
فنلاند	تنزل	۱۲۸	۲۶,۷	۲,۶	۶-۰۸. اندیشه اصلی یادگیری، ۱ تا ۷
۵ کشور	تنزل	۱۰۴	۵۳,۷	۲۸,۵	۶-۰۹. نسبت معلم در آموزش ابتدایی
هنگ کنگ	تنزل	۱۳۳ (+۱)	۴۱,۶ (-۰,۴)	-	(۷) بازار محصول، ۰ تا ۱۰۰
هنگ کنگ	تنزل	۱۱۹	۴۳,۴	-	رقابت داخلی، ۰ تا ۱۰۰
سنگاپور	تنزل	۱۳۰	۳۰,۶	۲,۸	۷-۰۱. آثار انحرافی مالیاتها و یارانه ها بر رقابت، ۱ تا ۷
سوئیس	بهبود	۶۱	۴۷,۴	۳,۸	۷-۰۲. میزان دامنه بازار، ۱ تا ۷
هنگ کنگ	تنزل	۱۳۰	۵۲,۲	۴,۱	۷-۰۳. رقابت در خدمات، ۱ تا ۷
سنگاپور	بهبود	۱۳۹	۳۹,۸	-	بازبودن تجارت، ۰ تا ۱۰۰
سنگاپور	بهبود	۱۱۹	۴۹,۴	۴,۰	۷-۰۴. موانع تجاری غیر تعرفه ای، ۱ تا ۷
هنگ کنگ	...	۱۴۱	۰,۰	۲۶,۹۵	۷-۰۵. تعرفه های تجاری
هنگ کنگ	بی تغییر	۸۱	۶۹,۴	۵,۲	۷-۰۶. پیچیدگی تعرفه ها، ۱ تا ۷
آلمان	بی تغییر	۷۱	۴۰,۶	۲,۶	۷-۰۷. کارایی شفافیت مرزی، ۱ تا ۵
سنگاپور	تنزل	۱۴۰ (-۴)	۴۱,۳ (-۱,۸)	-	(۸) بازار نیروی کار
سنگاپور	تنزل	۱۳۵	۴۵,۲	-	انعطاف پذیری، ۰ تا ۱۰۰
۸ کشور	بهبود	۱۰۵	۶۰,۲	۲۳,۱	۸-۰۱. هزینه های، هفته های حقوق
هنگ کنگ	تنزل	۱۱۲	۳۸,۸	۳,۳	۸-۰۲. رویه های استخدام و اخراج، ۱ تا ۷
سنگاپور	تنزل	۱۳۲	۴۲,۵	۳,۶	۸-۰۳. همکاری در روابط کارگر و کارفرما، ۱ تا ۷
استونی	تنزل	۱۲۷	۵۳,۱	۴,۲	۸-۰۴. انعطاف در تعیین دستمزدها، ۱ تا ۷
سوئیس	تنزل	۱۱۱	۲۴,۷	۲,۵	۸-۰۵. سیاست های بازار کار فعال، ۱ تا ۷
۲ کشور	بهبود	۹۳	۶۴,۰	۶۴,۰	۸-۰۶. حقوق کارگران، ۰ تا ۱۰۰
آلبانی	تنزل	۱۳۹	۳۰,۴	۲,۸	۸-۰۷. تسهیل در استخدام نیروی کار خارجی، ۱ تا ۷
ایالات متحده	تنزل	۱۱۶	۴۷,۸	۳,۹	۸-۰۸. تحرک نیروی کار داخلی، ۱ تا ۷
دانمارک	تنزل	۱۳۹	۳۷,۵	-	شایستگی و انگیزش، ۰ تا ۱۰۰
فنلاند	تنزل	۱۳۵	۳۵,۲	۳,۱	۸-۰۹. اتکا به مدیریت حرفه ای، ۱ تا ۷
هنگ کنگ	تنزل	۱۲۶	۳۷,۴	۳,۲	۸-۱۰. پرداخت و بهره وری، ۱ تا ۷
۴ کشور	بهبود	۱۳۴	۲,۲	۰,۲۲	۸-۱۱. نسبت دستمزد و حقوق زنان به مردان، درصد
۲۴ کشور	بی تغییر	۱۱۲	۷۵,۱	۲۵,۹	۸-۱۲. نرخ مالیات نیروی کار، درصد
هنگ کنگ	تنزل	۱۲۳ (-۲۵)	۴۷,۵ (-۵,۰)	-	(۹) نظام / بازار تامین مالی، ۰ تا ۱۰۰
ایالات متحده	تنزل	۸۸	۳۲,۸	-	تعمیق، ۰ تا ۱۰۰

(III) بازارها

جدول (۲): جایگاه رقابت جهانی ۱۲ مولفه و ۱۰۴ شاخص آن برای ایران در مقایسه با بهترین کشور: ۲۰۲۰

رتبه نخست	تغییر شاخص	رتبه (تغییر)	نمره (تغییر)	ارزش	ارکان و حوزه کلی / مولفه های ۱۲ گانه / اجزای ۱۰۴ گانه آن
۳۰ کشور	تنزل	۵۳	۶۶,۲	۶۲,۹	۹-۰۱. اعتبار داخلی به بخش خصوصی، درصد از GDP
فنلاند	تنزل	۱۲۶	۳۰,۸	۲,۹	۹-۰۲. تامین مالی SMEs، ۱ تا ۷
ایالات متحده	تنزل	۱۲۱	۲۰,۷	۲,۲	۹-۰۳. دسترسی به سرمایه مشترک، ۱ تا ۷
۱۵ کشور	تنزل	۶۹	۲۴,۶	۲۴,۶	۹-۰۴. سرمایه ای شدن بازار، درصد از GDP
۱۷ کشور	تنزل	۸۴	۲۱,۵	۱,۳	۹-۰۵. پرمیوم تامین، از GDP
فنلاند	تنزل	۱۳۷	۶۶,۰	-	ثبات، ۰ تا ۱۰۰+
فنلاند	تنزل	۱۳۶	۲۹,۹	۲,۸	۹-۰۶. بانک های بی صدا، ۱ تا ۷
۳ کشور	تنزل	۱۱۴	۷۸,۰	۱۱,۴	۹-۰۷. دیون غیر عملکردی
۹۸ کشور	بی تغییر	۱۲۲	۹۳,۷	۴,۴	۹-۰۸. شکاف اعتباری، درصد
۷۴ کشور	تنزل	۱۴۱	۶۲,۳	۵,۱	۹-۰۹. نسبت سرمایه تنظیم بانکها، درصد از کل داراییها
چین	تنزل	۲۱ (-۲)	۷۴,۱ (-۰,۴)	-	(۱۰) اندازه بازار
چین	...	۱۸	۱۴۳۲	۱۴۳۲	۱۰-۰۱. تولید ناخالص داخلی، به PPP\$
هنگ کنگ	...	۱۳۸	۱۵,۹	۱۵,۹	۱۰-۰۲. واردات کالا و خدمات، درصد از GDP
ایالات متحده		۱۳۲ (-۱۳)	۴۴,۳ (-۵,۷)	-	(۱۱) پویایی کسب و کار
ایالات متحده	تنزل	۱۲۷	۴۹,۶	-	الزامات اداری، ۰ تا ۱۰۰+
۲ کشور	بهبود	۳۲	۹۹,۴	۱,۲	۱۱-۰۱. هزینه شروع یک کسب و کار، درصد از سرانه GNI
زلاندنو	تنزل	۱۳۶	۲۷,۶	۷۲,۵	۱۱-۰۲. زمان شروع یک کسب و کار، روزها
ژاپن	بهبود	۷۱	۳۹,۹	۳۷,۱	۱۱-۰۳. نرخ پوشش حل اختلاف، به دلار
۶ کشور	بی تغییر	۱۲۰	۳۱,۳	۵,۰	۱۱-۰۴. نظام مقررات حل اختلاف، ۰ تا ۱۶
اسرائیل	تنزل	۱۳۱	۳۹,۱	-	فرهنگ کارآفرینی، ۰ تا ۱۰۰+
اسرائیل	تنزل	۱۳۸	۳۳,۶	۳,۰	۱۱-۰۵. اقتدار بسوی ریسک کارآفرینی، ۱ تا ۷
دانمارک	تنزل	۱۳۴	۳۷,۹	۳,۳	۱۱-۰۶. تمایل به تفویض اختیار، ۱ تا ۷
اسرائیل	تنزل	۹۰	۴۷,۱	۳,۸	۱۱-۰۷. رشد کمپانی های نوآور
اسرائیل	تنزل	۱۱۳	۳۷,۹	۳,۳	۱۱-۰۸. جذابیت حکم شدگی کمپانیها، ۱ تا ۷
آلمان	بهبود	۷۱ (-۶)	۳۸,۰ (-۰,۴)	-	(۱۲) توانایی نوآوری
سنگاپور	تنزل	۱۲۶	۳۰,۴	-	تعامل و تنوع، ۰ تا ۱۰۰+
سنگاپور	تنزل	۱۲۷	۴۵,۴	۳,۷	۱۲-۰۱. تنوع نیروی کار، ۱ تا ۷
ایتالیا	تنزل	۹۲	۴۲,۱	۳,۵	۱۲-۰۲. وضعیت توسعه خوشهها، ۱ تا ۷
۵ کشور	بهبود	۹۰	۲,۲	۰,۰۷	۱۲-۰۳. همکاری مشترک بین المللی
اسرائیل	تنزل	۱۳۴	۳۲,۰	۲,۹	۱۲-۰۴. کالیبراسیون چندملیتی، ۱ تا ۷
ژاپن	بهبود	۴۷	۳۵,۹	-	تحقیق و توسعه، ۰ تا ۱۰۰+
۹ کشور	بهبود	۴۲	۸۲,۵	۲۶۱,۰	۱۲-۰۵. انتشارات علمی، امتیاز
۸ کشور	بهبود	۹۹	۱,۹	۰,۱۱	۱۲-۰۶. کاربردهای اختراع، بازای هر ۱ میلیون نفر
۷ کشور	تنزل	۸۶	۸,۴	۰,۳	۱۲-۰۷. هزینه های تحقیق و توسعه، درصد از GDP

(IV) اکوسیستم نوآوری

جدول (۲): جایگاه رقابت جهانی ۱۲ مولفه و ۱۰۴ شاخص آن برای ایران در مقایسه با بهترین کشور: ۲۰۲۰					
رتبه نخست	تغییر شاخص	رتبه (تغییر)	نمره (تغییر)	ارزش	ارکان و حوزه کلی/مولفه‌های ۱۲ گانه/اجزای ۱۰۴ گانه آن
۷ کشور	بهبود	۱۵	۵۰٫۹	۰٫۲۰	۱۲-۰۸. عملکرد نهادهای تحقیقاتی، ۰ تا ۱۰۰
لوکزامبورگ	بهبود	۶۲	۵۷٫۳	-	تجاری سازی، ۰ تا ۱۰۰
کره جنوبی	تنزل	۸۳	۴۰٫۸	۳٫۴	۱۲-۰۹. پیچیدگی خریداران، ۱ تا ۷
۷ کشور	بهبود	۵۳	۷۳٫۸	۹۴۸٫۸۵	۱۲-۱۰. کاربردهای علائم تجاری، بازای هر ۱ میلیون نفر

ماخذ: نتایج تحقیق به نقل از گزارش رقابت‌پذیری جهانی مجمع جهانی اقتصاد سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۲۰.

۳) تحلیل رقابت الگوی تجارت صنعتی ایران

صنعت در دنیای معاصر یکی از مهم‌ترین عوامل توسعه است. از همین رو شاخص‌های صنعتی در دهه‌های اخیر بیشتر تمرکز را بر سنجش و اندازه‌گیری عوامل موثر بر این بخش مهم از اقتصاد نهاده‌اند. نیروی کار، بهره‌وری، رقابت و البته نوآوری که ذیل هزینه تحقیق و توسعه مطرح می‌شود، از مهم‌ترین ملاک‌های اثرگذاری بر میزان صنعتی‌شدن هستند. در مقیاس کلان نیز همین مولفه‌ها اثرگذارند اما علاوه بر آن مساله تجارت و الگوی تجاری بویژه در حوزه صادرات نیز مطرح می‌شود. از آنجا که صنعت ارزش افزوده بالایی در مقایسه با سایر بخش‌ها دارد، اتخاذ سیاست‌های مناسب در این زمینه را از سوی کشورها ضروری ساخته است. فراتر از کشورهای توسعه‌یافته فعلی، غول‌های نوظهور اقتصادی جهان همواره در تلاشند تا مناسبات تجاری را به گونه‌ای ترتیب دهند که بتوانند در این فضای رقابتی همواره دوام بیاورند.

آنچه حائز اهمیت است این که شاخص‌های صنعتی و روندهای مربوط به تحولات صنعتی در جهان مبین رشد کشورهای نوظهور به خصوص آسیایی‌ها هستند. مهم‌ترین مولفه‌هایی که چنین رشدهایی را تسهیل کرده‌اند عبارتست از بهبود بهره‌وری که خود حاصل مهارت‌ورزی و البته تاحدی مقرون به صرفه بودن نیروی کار است، قیمت رقابتی در بازار جهانی و البته سیاست گسترده صادرات‌محور در عرصه اقتصاد. از سوی دیگر در صنایع پیشتاز مانند فن‌آوری و خودروسازی، سرمایه‌گذاری و تحقیق و توسعه اهمیت بالایی دارد به طوری که روندهای استخدامی از افراد متخصص و نیز میزان سرمایه ورودی به هر کدام از این صنایع، مویذ این نکته است. در نهایت، شاخص‌های صنعتی در قرن ۲۱ از برخی چالش‌ها نیز حکایت می‌کنند. کاهش رشد اقتصادی و جنگ تعرفه‌ای به‌ویژه در مورد کشورهای نوظهور می‌تواند عاملی محدودکننده مطرح باشد چرا که سطح اشتغال و میزان سرمایه‌گذاری در این بخش‌ها را متاثر می‌سازد. همچنین روی دیگر کاهش رشد می‌تواند کاهش قدرت خرید مردم در نتیجه افزایش تورم خصوصاً در کشورهای در حال توسعه باشد. همین امر می‌تواند سبب کاهش اقبال مردم به برخی محصولات در بازارها شود و تقاضای آنها را با چالشی هر چند مقطعی مواجه کند. در مجموع در پایان دهه دوم هزاره سوم چشم‌انداز قابل قبولی پیش‌روی صنعت دیده می‌شود که با استمرار سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی و فیزیکی می‌تواند همچنان همین مسیر را به لطف نوآوری و ابتکار در پیش گیرد.

«شاخص عملکرد رقابت صنعتی»^۱ از جمله شاخص‌هایی است که سازمان توسعه صنعتی ملل متحد (یونیدو) برای ارزیابی توان رقابت و عملکرد صنعتی اقتصادهای مختلف از دو بعد تولید و تجارت مورد استفاده قرار می‌دهد. در این شاخص با بهره‌گیری از مجموعه‌ای از زیرشاخص‌های مرتبط، توان تولید و صادرات صنایع کارخانه‌ای یک اقتصاد مورد ارزیابی و مقایسه قرار گرفته، ظرفیت کشورها برای حضور در بازار داخلی و بین‌المللی و فعالیت‌های با ارزش افزوده بالا و فناوری‌های برتر آنها منعکس می‌شود. این شاخص انعکاس تفاوت چشمگیر توانمند کشورها در تولید، ارزش افزوده، صادرات و تاثیر بر تجارت جهانی از محل صنایع کارخانه‌ای دارند و در بازه عددی بین صفر تا یک قدرت کشورها را در زمینه رقابت صنعتی اندازه‌گیری می‌کند که هرچه این رقم به یک نزدیک‌تر باشد، نشانگر قدرت بیشتر آن کشور در عملکرد رقابت صنعتی است.

پراساس تعریف «یونیدو»، منظور از رقابت صنعتی، توانایی کشورها برای ماندگاری و افزایش حضور هم‌زمان در بازارها است که از طریق توسعه فعالیت‌های صنعتی با ارزش افزوده بالاتر و ارتقای محتوای فناورانه محصولات

^۱Competitive Industrial Performance Index (CIPI)

تحقق می‌یابد. کشورها می‌توانند با یادگیری از بازارهای جهانی، قدرت رقابت‌پذیری را افزایش دهند. تحقق امر «یادگیری از بازارهای جهانی» منوط به سه پیش‌شرط مهم است: ۱- بهبود قابلیت‌های فناورانه؛ ۲- توسعه ظرفیت‌های تولیدی و ۳- سرمایه‌گذاری کافی در زیرساخت‌ها. افزایش در قدرت رقابت صنعتی، مستلزم اتخاذ سیاست مناسب از سوی دولت‌ها است تا مبتنی بر جذابیت‌های منظومه مزیت‌های نسبی، نسبت به توسعه امکان‌پذیری‌ها در خلق مزیت‌های رقابتی جدید اقدام کنند.

آغاز سال ۲۰۲۰ با همه‌گیری کووید-۱۹ مصادف شد. با این پاندمی، زندگی فردی و اجتماعی افراد به شدت متاثر شد. بسیاری مجبور به «دورکاری»^۱ شدند، درحالی که «کارگران اصلی»^۲ مجبور به ادامه کار با وجود خطر ابتلا به آن بودند و بسیاری دیگر، شغلشان را از دست دادند. در این شرایط، دولت‌ها دو وظیفه اساسی بر دوش داشتند که اولاً مانع از گسترش ویروس شوند و ثانیاً اقتصاد را سرپا نگهدارند. در این بین، بسیاری از کسب‌وکارها متحمل زیان و دچار ورشکستگی شدند. لذا در این برهه، این پرسش پیش آمد که چگونه باید رقابت صنعتی را به رغم همه‌گیری کووید ۱۹ تحلیل کرد؟

افزایش رقابت صنعتی کلید توسعه صنعتی است و از این رو امروز به عنوان اولویت اصلی در دستور کار برخی کشورهای در حال توسعه قرار می‌گیرد. «یونیدو» رقابت صنعتی را ظرفیت کشورها برای افزایش حضور در بازارها در عین حال توسعه بخش‌ها و فعالیت‌های صنعتی با ارزش افزوده و «محتوای فناورانه»^۳ تعریف می‌کند. بهبود رقابت صنعتی مستلزم توجه به دو عنصر «گسترش تولید» برای افزایش حضور در بازارها در سطوح محلی و جهانی توأم با «ارتقای کیفیت تولید» یا بالا رفتن از «نردبان فناوری»^۴ است.

این فصل از گزارش در شش قسمت تنظیم شده است. در ادامه مقدمه، چارچوب نظری و روش پژوهش بیان شده است. در این قسمت، ابعاد شاخص عملکرد رقابت صنعتی یونیدو تبیین می‌شود. سپس تجارب و عملکرد رقابت صنعتی کشورها ارایه و آنگاه نتایج مطالعه، با مطالعه تطبیقی عملکرد رقابت صنعتی در کشورهای مختلف جهان و روند شاخص‌ها و عملکرد رقابت صنعتی ایران در ادوار زمانی مختلف (در قالب سال‌های برنامه‌های توسعه) بررسی و ارزیابی می‌شود. نهایتاً مقاله با یک جمع‌بندی و ارائه توصیه‌های سیاستی برای توسعه صنایع کارخانه‌ای اقتصاد ایران خاتمه یافته است.

ارزیابی از عملکرد رقابت صنعتی ایران (CPII)، ابعاد سه‌گانه و ۸ زیر شاخص آن در مقیاس جهانی و حتی منطقه‌ای، گویای فاصله و شکاف بالا از آنچه که هست و آنچه که باید باشد، را نشان می‌دهد. شکاف کارنامه / شاخص و نمره / امتیاز عددی شاخص عملکرد رقابت صنعتی ایران با شاخص مطلوب جهانی (آلمان) و حتی شاخص مطلوب منطقه (ترکیه)، دو همسایه در مجاورت یکدیگر بسیار فاصله دارد. برای مثال، نمره عددی CPII ترکیه تا ۲/۶ برابر ایران، و نیز ترکیه با رتبه ۲۹ در مقایسه با ایران با رتبه ۵۸، ۲۹ رتبه در جایگاه برتر قرار دارد. این شکاف در شاخص CPII دو کشور ریشه در سه مولفه ظرفیت تولید و صادرات کالاهای صنعتی، روزآمدی و تعمیق فناورانه صنعتی و نفوذ جهانی در تولیدات صنعتی ترکیه در مقایسه با ایران دارد. بعلاوه در دو دهه گذشته شاخص عملکرد رقابت صنعتی ایران بسیار پرنوسان و بی‌ثبات بوده است و چشم‌انداز عملکرد رقابت صنعتی ایران مناسب ارزیابی نمی‌شود. چرا که بیم آن می‌رود با انواع محدودیت‌های فراروی اقتصاد صنعتی ایران به ویژه با

^۱Work Remotely

^۲Essential Workers

Technological Content

^۴Technological Ladder

تشدید تحریم‌ها، چشم‌انداز عملکرد رقابت صنعتی ایران نامساعدتر شود. دستکم ۱۲ مولفه شامل استعداد، سیاست‌ها و زیرساخت‌های نوآوری، مزیت هزینه‌ای، سیاست‌های انرژی، زیرساخت‌های فیزیکی، چارچوب قانونی، بهره‌وری نیروی کار، شبکه تامین‌کنندگان، زیرساخت‌های آموزشی، نظام اقتصادی - تجاری - مالی و مالیاتی، جذابیت بازارهای محلی و نظام بهداشت، عملکردهای رقابت صنعتی، جابجایی و ارتقای رتبه CIPI کشورها تاثیرگذار بوده است. مجموعه عواملی که در جذب فناوری و نوآوری بالا، و افزایش عملکرد صادرات و رقابت تعیین‌کننده بوده، شامل **عوامل تولید قابل دسترس، سیاست‌های دولت، کیفیت آموزش و نظام آموزشی و زیرساخت‌ها** است. بنابراین به‌منظور ارتقای شاخص CIPI ایران بایستی تمهیدات، تدابیر و سیاست‌های مناسب لازم در هر ۴ مجموعه عوامل فوق‌توأم صورت پذیرفته و پیوسته اثربخشی آنها در ارتقای رقابت صنعتی کشور مورد رصد قرار گیرد.

جدول (۱) ابعاد ۳ گانه و شاخص‌های ۸ گانه CIPI ایران و مقایسه آن با جایگاه نخست در جهان و منطقه مطابق جدیدترین آمار قابل دسترس را نشان می‌دهد. مطابق جدول نتیجه می‌شود که:

- ۱. برترین رتبه‌ها در عملکرد رقابت‌پذیری صنعتی:** نتایج شاخص CIPI ۲۰۱۸ برای ۱۵۰ کشور دنیا در گروه‌های ۴ گانه بالا، متوسط به بالا، متوسط به پایین و پایین با سطوح توسعه متفاوت رتبه‌بندی شده است. بین سطوح متفاوت توسعه و رقابت‌پذیری صنعتی رابطه است. چراکه سطوح بالای شاخص CIPI تقریباً به اقتصادهای صنعتی شده تعلق دارد، حال آنکه اکثریت کشورهای با کمترین درجه توسعه‌یافتگی در سطوح پایین شاخص CIPI تمرکز دارند. با این وجود، برخی استثنائات نیز وجود دارد. رتبه نخست CIPI جهان با ۰/۵۲۳۴ امتیاز به آلمان تعلق دارد. ژاپن با تفاوت معنی‌دار نسبت به آلمان، با امتیاز ۰/۳۹۹۸ در رتبه ۲ قرار دارد. این کشور در ابعاد سه‌گانه شاخص پیش‌رو است. چین، آمریکا، کره جنوبی و سوئیس در رتبه ۳ تا ۶ قرار دارند.
- ۲. رتبه کشورهای آلمان توانسته از ابتدا از ۲۰۰۰ همه ساله جایگاه خود را به‌عنوان رقابت‌پذیرترین کشور جهان در حوزه صنایع حفظ نماید.** در ادامه این رتبه‌بندی ژاپن، چین، آمریکا، کره جنوبی و سوئیس به‌عنوان بهترین، آماده‌ترین و کارآمدترین کشورها در CIPI در رده‌های ۲ تا ۶ قرار دارند. بدین ترتیب، سه کشور شاخص جهان آلمان، ژاپن و چین، ۷ کشور شاخص از رهبران منطقه‌ای آمریکا، کره، سوئیس، مکزیک، تایلند، اسرائیل و آفریقای جنوبی؛ و گروه درحال توسعه از جمله ترکیه، را برشمرد.
- ۳. تغییر رتبه‌ها و بهترین آن‌ها:** در این رتبه‌بندی چین توانسته با افزایش ۲/۶ درصدی نمره جایگاه آمریکا را در رده سوم تصاحب کند. البته این جابجایی را می‌توان تا حدی ناشی از افت عملکرد آمریکا دانست؛ تنها کشوری که در میان ۱۰ رتبه برتر، نمره آن کاهش یافته است. سایر ۱۰ کشور حتی تا رتبه ۳۰ کشور برتر این رتبه‌بندی با بهبود نمره، ولی بدون تغییر رتبه، جایگاه پیشین را حفظ کرده‌اند. در این گزارش برخی کشورها نسبت به سایرین عملکرد چشمگیرتری داشته‌اند. بر این اساس در میان ۳۵ رتبه نخست، بهترین بهبود با جهش ۳ پله‌ای، متعلق به پرتغال و اسلوانی است. بین رتبه‌های ۳۶ تا ۷۰، دو کشور بلغارستان و ویتنام توانسته با ۳ و ۲ پله ترقی رتبه ارتقا دهند، در مقابل دو کشور ونزوئلا و ایران به ترتیب با ۷ و ۵ پله تنزل، در رده‌های ۶۸ و ۵۸ قرار گیرند. در

میان مناطق جهان، اروپا و اوراسیا عملکرد خود را به عنوان رقابت‌پذیرترین منطقه در حوزه عملکرد صنعتی حفظ کرده‌اند. ۱۷ کشور از ۳۰ رتبه برتر در این منطقه واقع اند. این منطقه یکی از غنی‌ترین منابع سه‌گانه بهبود CIPI را دارد و از زیرساخت‌های بهره‌وری، فناوری و نوآوری پیشگام بهره می‌برد.

۴. **خاورمیانه و شمال آفریقا:** اسرائیل، ترکیه و عربستان به ترتیب با احراز جایگاه ۱ تا ۳ در شاخص CIPI در منطقه مناسبت بیشتری دارند. بیشترین تحول چشمگیر در CIPI کشورهای صادرکننده نفت، از جمله عربستان، امارات و عمان در دهه گذشته رخ داده است. در همان زمان، بحران سیاسی و اجتماعی در تعدادی از کشورهای منطقه مناسبت CIPI را با کاهش مواجه کرده است برای نمونه در سوریه و یمن.

۵. **تغییر رتبه ایران:** ایران از لحاظ CIPI، در جایگاه ۵۸ جهان و ۸ منطقه مناسبت قرار دارد. شاخص CIPI ایران در جهان طی دوره ۲۰۱۶-۱۹۹۰، با ۲۷ رتبه بهبود، به جایگاه ۵۸ ارتقا یافته است. در این بین، شاخص عملکرد رقابت‌پذیری صنعتی سه کشور امارات، عمان و ایران به ترتیب با ۴۳، ۳۴ و ۲۷ رتبه بهبود، به جایگاه ۴۱، ۶۶ و ۵۸ جهان ارتقا یافته است و در مقابل شاخص CIPI عراق، سوریه و الجزایر به ترتیب با ۲۴، ۱۵ و ۱۳ رتبه تنزل، به جایگاه ۱۴۶، ۱۱۲ و ۹۴ جهان سقوط کرده است.

۶. **رتبه منطقه‌ای ایران:** سه کشور اسرائیل، ترکیه و عربستان سعودی به ترتیب بهترین و در مقابل سه کشور عراق، یمن و سوریه ضعیف‌ترین جایگاه را در شاخص CIPI و ابعاد سه‌گانه آن در ۱۹ کشور منطقه مناسبت دست آورده‌اند. در این بین، ایران در میانه ۱۹ کشور منطقه مناسبت در جایگاه ۸ در شاخص CIPI و ابعاد سه‌گانه آن قرار دارد. از سه مولفه کلیدی شاخص CIPI، ایران در مولفه نفوذ جهانی (رتبه ۴۲)، ظرفیت تولید و تجارت (رتبه ۷۸) و پیچیدگی و تعمیق فن‌آوری (رتبه ۸۲) را احراز کرده است.

۷. **رتبه تعدیل یافته عملکرد رقابت صنعتی ایران:** با ارزیابی مجدد شاخص CIPI با ملاحظات زیست‌محیطی امتیاز عددی و رتبه کشورها نیز دستخوش تغییراتی شده است. در این بین رتبه تعدادی از کشورها، بهبود و رتبه برخی کشورها رو به افول گذاشته است. در این بین با تعدیل شاخص، امتیاز عددی شاخص عملکرد رقابت‌پذیری صنعتی ایران (۰/۰۴۵۷) به شاخص CIP تعدیل یافته (۰/۰۱۰۹) با ۷۶/۲۸ درصد کاهش مواجه شد و بنابراین شاخص CIP تعدیل یافته ایران با ۱۹ رتبه تنزل، جایگاه ایران از ۵۸ به ۷۸ تنزل می‌یابد.

۸. **عوامل بهبود توسعه پایدار:** شاخص CIPI ۱۵۰ اقتصادجهان - که در مجموع بیش از ۹۸ درصد از تولید ناخالص داخلی و بخش صنعت جهان را پوشش می‌دهند - بر مبنای عوامل و سیاست‌هایی که منجر به توسعه

۱ ارزش افزوده صنعتی و انتشار CO₂: بر مبنای مطالعه روند ۱۵ ساله از ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ رابطه بین دو متغیر ارزش افزوده صنعتی و انتشار CO₂ صنعتی در گروه کشورهای جهان نتیجه می‌شود که در سه گروه کشورهای پایین، متوسط به پایین و متوسط، ارزش افزوده صنعتی به تناسب انتشار CO₂ پایین‌تری به دست می‌آید. حال آن‌که در گروه کشورهای متوسط به بالا، بین ارزش افزوده صنعتی و انتشار CO₂ رابطه تنگاتنگ مثبت وجود دارد. حال آن‌که در کشورهای توسعه‌یافته با رتبه برتر در جهان، رابطه ارزش افزوده صنعتی با انتشار CO₂ طی این دوره با رابطه‌ای منفی مواجه بوده است. در واقع در این گروه کشورها، تولیدات صنعتی کاملاً با ملاحظات زیست‌محیطی عجین بوده است. نهایتاً در این بین، چین یک استثنا است، به طوری که از ابتدای دوره تا ۲۰۱۰ ارزش افزوده صنعتی و انتشار CO₂ به موازات هم روبه افزایش بوده است، منتهی در دهه ۲۰۱۰ ارزش افزوده با ملاحظات زیست‌محیطی کاملاً آشکار است.

پایدار این بخش می‌شوند، در ۳ حوزه اصلی ۸ زیرشاخص مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. بر این اساس ابزار مقایسه‌ای استراتژیک برای کسب و کارها و دولت‌ها محسوب می‌شود تا بخش صنایع را به طور پایدار و سازگار توسعه دهند. این مهم با امکان مقایسه و الگوبرداری از پیشرفت‌هایی که سایر کشورها در حوزه رقابت صنایع دارند و اطلاع از سیاست‌ها و سرمایه‌گذاری‌های آنها تحقق می‌یابد. ابعاد سه‌گانه شاخص CIPI تحلیل می‌شود:

۹. **مولفه (۱): ظرفیت تولید و صادرات کالاهای صنعتی:** ایران با احراز رتبه ۷۸ در ظرفیت تولید و صادرات کالاهای صنعتی عملکرد ضعیفی دارد. دو نماگر تبیین‌کننده این مولفه نیز ضعیف ارزیابی می‌شود. (۱) نخست ارزش افزوده سرانه صنایع (دلار، به قیمت ثابت ۲۰۱۰) از ۷۴۶ دلار در سال ۲۰۱۰ به ۷۰۸ دلار در سال ۲۰۱۵ رو به کاهش گذاشته است. حال آن که در سال ۲۰۱۵ سوئیس با ۱۴۴۰۴ دلار و ترکیه با ۱۸۱۴ دلار جایگاه نخست در جهان و منطقه کسب کرده‌اند. عملکرد ایران در مقایسه با این دو کشور در این شاخص از واحد ۱۰۰ به ترتیب ۴/۹ و ۳۹ بوده است و در واقع شکاف عظیمی بین آنچه هست و آنچه باید باشد، وجود دارد. (۲) دوم صادرات سرانه صنایع کارخانه‌ای (دلار، جاری) از ۳۷۹ دلار در سال ۲۰۱۰ به ۳۴۲ دلار در سال ۲۰۱۵ رو به کاهش گذاشته است. حال آن که در سال ۲۰۱۵ سنگاپور با ۲۷۴۷۶ دلار و ترکیه با ۱۵۴۹ دلار جایگاه نخست در جهان و منطقه کسب کرده است. عملکرد ایران در مقایسه با این دو کشور در این شاخص از واحد ۱۰۰ به ترتیب ۱/۲ و ۲۲/۱ بوده است و در واقع شکاف بزرگی بین آنچه هست و آنچه باید باشد، وجود دارد. بی‌تردید با دستیابی ایران در هر دو شاخص به جایگاه نخست منطقه، ارزش افزوده و صادرات سرانه صنایع ایران به ترتیب از ۲/۵ تا ۵ برابر قابل افزایش است. این میزان افزایش، مستلزم به‌کارگیری عوامل بنیادین بهره‌وری، فن‌آوران و نوآوران با حذف انواع موانع پیش‌رو به فعلیت یافتن ظرفیت تولید و صادرات صنایع ایران است.

۱۰. **مولفه (۲): روزآمدی و تعمیق فن‌آوران صنعتی:** ایران با احراز رتبه ۸۲ در روزآمدی و تعمیق فن‌آوران صنعتی، ضعیف‌ترین رکن شاخص CIPI را کسب کرده است. ۴ نماگر تبیین‌کننده آن ضعیف ارزیابی می‌شود. **(الف)** نخست سهم ارزش افزوده صنایع با فناوری بالا و متوسط از کل صنعت (%، دلاری جاری) از ۴۵/۷ درصد در سال ۲۰۱۰ به ۳۹/۸ درصد در سال ۲۰۱۵ رو به کاهش گذاشته است. حال آن که در سال ۲۰۱۵ سوئیس با ۸۴/۸ درصد و ترکیه با ۲۹/۹ درصد جایگاه نخست در جهان و منطقه را کسب کرده است. عملکرد ایران در مقایسه با سوئیس و ترکیه در این شاخص از واحد ۱۰۰ به ترتیب ۴۹/۵ و ۱۳۳/۳ بوده است. در واقع در این شاخص ایران از ترکیه پیشی گرفته است که ریشه در شکاف در اندازه صنایع دو کشور و ساختار صنایع و نوع تعریف صنایع با فناوری بالا و متوسط است. **(ب)** دوم شاخص ارزش افزوده صنایع از تولید ناخالص داخلی (GDP) (%، دلاری به قیمت ثابت ۲۰۱۰) ایران از ۱۱/۸ درصد در سال ۲۰۱۰ به ۱۲ درصد در سال ۲۰۱۵، بدون تغییر بوده است. حال آن که در سال ۲۰۱۵ چین با ۳۲/۲ درصد و ترکیه با ۱۵/۸ درصد جایگاه نخست را در جهان و منطقه کسب کرده است. عملکرد ایران در مقایسه با چین و ترکیه در این شاخص از واحد ۱۰۰ به ترتیب ۳۷/۲۳ و ۷۶/۱، پایین بوده است. **(ج)** سوم سهم صادرات صنایع با فناوری بالا و متوسط از کل صادرات صنعت (%، دلاری جاری) از ۲۳/۹ درصد در سال ۲۰۱۰ به ۳۱/۷ درصد در سال ۲۰۱۵، ۵/۸ درصد رشد را شاهد بوده است. همان طور که قبلاً

یادآوری شد ریشه این افزایش در اندازه صادرات صنایع و ساختار صنایع و نوع تعریف صنایع با فناوری بالا و متوسط برمی گردد. حال آن که رقم این شاخص در سال ۲۰۱۵ برای کره ۷۶/۲ درصد و ترکیه ۴۱/۸ درصد بوده، که جایگاه نخست در جهان و منطقه را کسب کرده‌اند. عملکرد ایران در مقایسه با آن دو در این شاخص از واحد ۱۰۰ به ترتیب ۴۱/۶ و ۷۵/۹ بوده است. (د) چهارم سهم صادرات صنعتی از صادرات (٪، دلار جاری) از ۳۳/۶٪ در سال ۲۰۱۰ به ۱۹/۷٪ در سال ۲۰۱۵، ۱۰/۱- درصد رشد (منفی) را شاهد است. حال رقم این شاخص در سال ۲۰۱۵ برای کره ۹۷/۳ درصد و ترکیه ۸۴/۷ درصد، جایگاه نخست در جهان و منطقه را کسب کرده‌اند و عملکرد ایران نسبت به آن دو از ۱۰۰ به ترتیب ۲۰/۲۵ و ۲۳/۲۶ بوده است.

۱۱. مولفه (۳): نفوذ جهانی: ایران با احراز رتبه ۴۲ در نفوذ جهانی عملکرد به نسبت مناسبی را در مقایسه با دو مولفه دیگر CIPI کسب کرده است، هرچند این مولفه و دوناگر تبیین کننده در مقایسه با عملکرد مطلوب جهانی و منطقه‌ای مناسب ارزیابی نمی‌شود. نخست نفوذ کشور در ارزش افزوده صنایع جهان (٪، دلار ثابت ۲۰۱۰) از ۵۳/۰ درصد در سال ۲۰۱۰ به ۴۷/۰ درصد در سال ۲۰۱۵، با ۰/۰۶ درصد واحد با رشد ۲/۴- روبه کاهش گذاشته است. حال آن که در سال ۲۰۱۵ چین با ۲۳/۵ درصد و ترکیه با ۱/۲ درصد در جایگاه نخست جهان و منطقه کسب کرده‌اند. عملکرد ایران در مقایسه با چین و ترکیه در این شاخص از واحد ۱۰۰ به ترتیب ۳۹/۵ و ۲/۰ بوده است. دوم نفوذ کشور در صادرات صنایع جهان (٪، دلار جاری) از ۲۶/۰ درصد در سال ۲۰۱۰ به ۲۰/۰ درصد در سال ۲۰۱۵، ۰/۰۶ درصد واحد روبه کاهش گذاشته است. حال آن که در سال ۲۰۱۵ چین با ۱۸/۳۵ و ترکیه با ۱/۰۱ درصد جایگاه نخست در جهان و منطقه را داراست. عملکرد ایران در مقایسه با چین و ترکیه در این شاخص از واحد ۱۰۰ به ترتیب ۱/۱ و ۱۹/۸ بوده است. بی‌تردید با دستیابی ایران در هر دو شاخص به جایگاه نخست منطقه، نفوذ کشور در ارزش افزوده و صادرات صنایع جهان از ۲/۵ تا ۵ برابر قابل افزایش است.

جدول (۳): ابعاد اصلی سه‌گانه و زیرشاخص‌های شاخص ترکیبی عملکرد رقابت صنعتی ایران و مقایسه تطبیقی آن									
شاخص عملکرد ایران		نخست منطقه (ترکیه)		رتبه نخست جهان		تحولات ساختار صنعتی ایران			شرح
		۲۰۱۵	۲۰۱۰	۲۰۱۵	۲۰۱۰	شاخص (رشد)	۲۰۱۵	۲۰۱۰	
		۵۰	-	ایرلند	...	-	۷۸	...	مولفه (۱): ظرفیت تولید و صادرات کالاهای صنعتی
۳۹/۰۳	۴/۹۲	۱۸۱۴	۱۵۷۷	سوئیس (۱۴۴۰۴)	سوئیس (۱۳۶۶۴)	(-۱/۰۴) ۹۴/۹	۷۰۸	۷۴۶	شاخص (۱): ارزش افزوده سرانه صنایع کارخانه‌ای (دلار، قیمت ثابت ۲۰۱۰)
۲۲/۰۸	۱/۲۴	۱۵۴۹	۱۳۸۱	سنگاپور (۲۷۴۷۶)	سنگاپور (۳۲۲۲۲)	(-۲/۰۳) ۹۰/۲	۳۴۲	۳۷۹	شاخص (۲): صادرات سرانه صنایع کارخانه‌ای (دلار، جاری)
		۴۱	-	کره جنوبی	...	-	۸۲	...	مولفه (۲): روزآمدی و تعمیق فن‌آورانه صنعتی
۱۳۳/۲۹	۴۹/۵۰	۲۹/۸۶	۳۲/۳۲	سنگاپور (۸۰/۴)	سنگاپور (۸۴/۸)	(-۲/۷۳) ۸۷/۱	۳۹/۸	۴۵/۷	شاخص (۳): سهم ارزش افزوده صنایع با فناوری بالا و متوسط از کل صنعت (٪، دلار جاری)
۷۶/۱۴	۳۷/۳۳	۱۵/۷۶	۱۵/۶۰	چین (۳۲/۱۵)	چین (۳۱/۹۵)	(+۰/۳۴) ۱۰۱/۷	۱۲/۰	۱۱/۸	شاخص (۴): سهم ارزش افزوده صنایع کارخانه‌ای از GDP (٪، دلار ثابت ۲۰۱۰)
۷۵/۸۶	۴۱/۶۲	۴۱/۷۹	۴۲/۵۰	کره جنوبی (۷۶/۱۷)	کره جنوبی (۷۵/۸۵)	(+۵/۸۱) ۱۳۲/۶	۳۱/۷	۲۳/۹	شاخص (۵): سهم صادرات صنایع با فناوری بالا و متوسط از کل صادرات صنعت (٪، دلار جاری)

جدول (۳): ابعاد اصلی سه‌گانه و زیرشاخص‌های شاخص ترکیبی عملکرد رقابت صنعتی ایران و مقایسه تطبیقی آن									
شرح	تحولات ساختار صنعتی ایران		رتبه نخست جهان		نخست منطقه (ترکیه)		شاخص عملکرد ایران		منطقه
	۲۰۱۰	۲۰۱۵	شاخص و (رشد)	۲۰۱۰	۲۰۱۵	۲۰۱۰	۲۰۱۵	جهان	
شاخص (۶): سهم صادرات صنعتی از کل صادرات (%، دلار جاری)	۳۳/۶	۱۹/۷	۵۸/۶ (-۱۰/۱۳)	کره جنوبی (۹۶/۸۵)	کره جنوبی (۹۷/۲۶)	۸۷/۷۱	۸۴/۷۱	۲۰/۲۵	۲۳/۲۶
مولفه (۳): نفوذ جهانی	...	۴۲	-	...	چین	-	۲۲		
شاخص (۷): نفوذ کشور در ارزش افزوده صنایع کارخانه‌ای جهان (%، دلار ثابت ۲۰۱۰)	۰/۵۳	۰/۴۷	۸۸/۷ (-۲/۳۷)	چین (۱۸/۵۱)	چین (۲۳/۴۶)	۱/۱۰	۱/۱۹	۲/۰	۳۹/۵۰
شاخص (۸): نفوذ کشور در صادرات صنایع کارخانه‌ای جهان (%، دلار جاری)	۰/۲۶	۰/۲۰	۷۶/۹ (-۵/۱۱)	چین (۱۳/۹۸)	چین (۱۸/۳۵)	۰/۹۲	۱/۰۱	۱/۰۹	۱۹/۸۰
شاخص عملکرد رقابت‌پذیری صنعتی	۵۳	۵۸ (۰/۰۴۸۲)	-۵	-	آلمان (۰/۵۲۳۴)	-	۲۹ (۰/۱۲۴۲)	۹/۲۱	۳۸/۸۱

ماخذ: گزارش یونیدو، ۲۰۱۹.

خلاصه و جمع‌بندی

ارزیابی از CIPI ایران، ابعاد سه‌گانه و ۸ زیرشاخص آن در مقیاس جهانی و حتی منطقه‌ای، گویای فاصله و شکاف بالا از آنچه که هست و آنچه که باید باشد، را نشان می‌دهد. در جمع‌بندی کلی نهایتاً باید گفت شکاف کارنامه / شاخص و نمره / امتیاز عددی CIPI ایران و ترکیه، دو همسایه در مجاورت یکدیگر بسیار فاصله دارد. برای مثال، نمره عددی CIPI ترکیه تا ۲/۶ برابر ایران، و همچنین ترکیه با رتبه ۲۹ در مقایسه با ایران با رتبه ۵۸، ۲۹ رتبه در جایگاه برتر قرار دارد. این شکاف و فاصله در شاخص CIPI دو کشور ریشه در سه مولفه ظرفیت تولید و صادرات کالاهای صنعتی، روزآمدی و تعمیق فناوریانه صنعتی و نفوذ جهانی در صنایع ترکیه در مقایسه با ایران دارد. با وجود آن که در دو دهه گذشته شاخص CIPI ایران پرنوسان و بی‌ثبات بوده و چشم‌انداز آن مناسب ارزیابی نمی‌شود. چراکه بیم آن می‌رود با انواع محدودیت‌های فراروی اقتصاد صنعتی ایران بویژه با تشدید تحریم‌ها، چشم‌انداز CIPI ایران نامساعدتر شود. مجموعه عواملی که در جذب فناوری و نوآوری بالا، و افزایش عملکرد صادرات و رقابت‌پذیری تعیین‌کننده بوده، عبارتست از: **عوامل تولید قابل‌دسترس، سیاست‌های دولت، کیفیت آموزش و نظام آموزشی و زیرساخت‌ها.** به‌منظور ارتقای شاخص CIPI ایران تمهیدات لازم در هر ۴ مجموعه عوامل پیش‌گفته صورت پذیرد. برای بهبود وضعیت موجود، لازم است که سیاست‌ها و اقدامات موجود در کشور مورد بازبینی، و موضوعات ذیل اصلاح شود:

الف) **بازبینی نقش و کارکرد سازمان مالکیت معنوی در جهت توسعه دانش‌بنیان:** لازم است تمهیداتی اندیشیده شود که قوه مجریه و به‌ویژه بخش‌های متولی صنعت و فناوری، بتوانند برای تحقق اهداف و وظایف از این سازمان به‌عنوان مجرای اعمال حاکمیت در زمینه توسعه دانش‌بنیان استفاده کنند.

ب) **اهرم‌سازی FDI برای توسعه فناوری:** جذب FDI و جهت‌دهی آن به سمت توسعه زنجیره ارزش در صنایع راهبردی، دانش‌بنیان و صادراتی از راهکارهایی است که می‌تواند به توسعه فناوری کشور منجر شود. جهت دستیابی به این هدف، تدوین و پیاده‌سازی برنامه‌هایی برای افزایش جذب FDI با کاهش ریسک و هزینه‌های سرمایه‌گذاری خارجی از طریق تسهیل رویه‌های کسب و کار، پیاده‌سازی مشوق‌های هدفمند جهت جذب FDI با رویکرد پیوستن صنایع ایرانی

به زنجیره ارزش جهانی و هدفمندسازی مشوق‌های جذب FDI در جهت توسعه کانال‌های سرریز فناوری به بنگاه‌های داخلی می‌تواند مدنظر قرار گیرد.

ج) **تقاضامحور کردن برنامه‌های دانشگاهی:** برای نیل به این مهم، تدوین و پیاده‌سازی برنامه‌هایی مانند «ایجاد بانک ملی اطلاعات عرضه و تقاضای علم و فناوری به منظور برقراری ارتباط بین نیازهای دستگاه‌های اجرایی با توانمندی‌های مراکز پژوهشی»، «حمایت از تقاضا محور کردن آموزش و پژوهش دانشگاهی به‌ویژه در مقاطع تحصیلات تکمیلی از طریق هدایت رساله‌ها، دوره‌های مشترک پسادکتر، فرصت‌های مطالعاتی، تحقیقات مشترک، کارورزی و نظایر آن»، «توسعه شبکه آزمایشگاهی بین دانشگاه‌ها با هدف تسهیل و رقابتی کردن ارائه خدمات آنها به بخش صنعت»، «تقویت فرآیند تجاری‌سازی در دانشگاه‌ها و رفع گلوگاه‌های آن» و «تعمیق بودجه‌ریزی عملیاتی در دانشگاه‌ها و تامین بخشی از بودجه آنها از طریق ارتباط با صنعت»؛ می‌تواند راهگشای ارتباط مناسب‌تر صنعت و دانشگاه در جهت توسعه فناوری در صنایع باشد.

د) **پیاده‌سازی دقیق نظام‌نامه پیوست فناوری:** انتقال فناوری‌های نوین به بنگاه‌های صنعتی از طریق پیاده‌سازی پیوست فناوری در قراردادهای بزرگ داخلی و بین‌المللی، از دغدغه‌های سیاست‌گذاران صنعتی است. البته دستیابی به این هدف، نیازمند افزایش سطح دانش و «ظرفیت جذب» شرکت‌های ایرانی از طریق تشویق انجام تحقیق و توسعه داخلی است. پیش‌بینی‌پذیر کردن تقاضای محصولات فناوری محور ارگان‌های دولتی و تضمین بخشی از فروش محصولات شرکت‌های دانش‌بنیان پیشرو در زمینه انتقال فناوری‌های نوین از دیگر راهکارهاست. برای شناسایی شرکت‌های واجد صلاحیت دریافت تضمین خرید دولتی، «سامانه پایش و ارزیابی تولیدکنندگان داخلی» راه‌اندازی شود.

ه) **تقویت تنظیمات بخش مستقل:** دستیابی به این هدف، مستلزم اصلاح ماده ۵۹ قانون اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی در جهت تعیین تکلیف نحوه تاسیس نهادهای تنظیم‌گر مستقل یا رگولاتورهای تخصصی بخشی است. «طراحی و راه‌اندازی نظام ارزیابی و رتبه‌بندی آنلاین» از دیگر مواردی است که به پیاده‌سازی قوانین ضدانحصار کمک کند. (و) نهایتاً ارتقای شاخص عملکرد رقابت صنعتی CIPI و ابعاد سه‌گانه آن برای ایران تا ۳۰ رتبه بهبود، مستلزم به‌کارگیری عوامل بنیادین بهره‌وری، فن‌آورانه و نوآورانه با حذف انواع موانع پیش‌رو فعلیت یافتن ظرفیت تولید و صادرات صنایع کارخانه‌ای و دستیابی به مزیت رقابتی کشور در تولید و صادرات آن محقق می‌شود.

۴) تحلیل جایگاه ایران در ساختار رقابت جهانی بلندمدت صنایع کارخانه‌ای

یکی از الزامات توسعه صنعتی و به تبع آن توسعه صادرات صنعتی هر کشوری، شناخت امکانات، پتانسیل‌ها، ظرفیت‌ها و ساختار تولید فعالیت‌های صنعتی و نحوه تغییر آن در مناطق مختلف جهان و جایگاه کشور در آن تحولات است. از آنجا که تفاوت بهره‌وری (از جمله در موقعیت جغرافیایی، موجودی منابع طبیعی و عوامل اقتصادی، ساختار نیروی کار، توزیع سرمایه‌ها) و اخیراً تفاوت در مزیت‌های رقابتی (از جمله مباحث جدید صرفه‌های مقیاس، نوع ساختار بازار، محصولات متمایز، تحقیق و توسعه) در مناطق مختلف جهان باعث تفاوت در الگو و ساختار و پتانسیل‌های صنعتی کشورها در مناطق مختلف جهان می‌شود، بنابراین در راستای بهره‌مندی از برنامه‌ریزی و توسعه صنعتی در جهت برنامه‌ریزی و توسعه جامع اقتصاد کشور، آگاهی از الگو و ساختار و پتانسیل‌های جهانی فعالیت‌های صنعتی و تغییر و تحولات اخیر آن و جایگاه کشور در آن تحولات، تخصیص بهینه منابع و امکانات تسهیل نموده و کمک موثری به ارتقای توانمندی‌های صنعتی و خلق مزیت‌های نسبی و رقابتی و تخصص‌گرایی عمودی و افقی فعالیت‌های صنعتی کشور و در مجموع کل اقتصاد خواهد گردید. در چند دهه اخیر تحولات فراگیری در توسعه صنعتی در جغرافیای فعالیت‌های صنعتی مناطق و اقتصادهای جهان با ظهور اقتصادهای صنعتی نوظهور و تازه‌صنعتی شده به وقوع پیوسته است. در این بین، گروه ۲۰، ۶۵ درصد جمعیت جهان، نیمی از اقتصاد جهان، دو سوم تجارت جهان و بیش از ۹۰ درصد از تولید موادخام جهان را در دست دارد. اعضای این گروه، ۲۰ اقتصاد بزرگ جهان شامل ۱۹ کشور به علاوه اتحادیه اروپا به عنوان بیستمین عضو این گروه است. این گروه شامل ۸ کشور صنعتی^۱ (دارنده ۸ اقتصاد بزرگ جهان) کانادا، فرانسه، آلمان، ایتالیا، ژاپن، روسیه (اخراج شده از گروه ۸)، بریتانیا، آمریکا؛ و ۱۱ کشور با اقتصادهای نوظهور و تازه صنعتی شده شامل آرژانتین، برزیل، هند، مکزیک، کره جنوبی (۵ کشور از ۸ کشور تازه صنعتی نسل اول و نخست)، اندونزی و ترکیه (دو کشور از ۸ کشور تازه صنعتی نسل دوم)، آفریقای جنوبی، عربستان سعودی، چین و استرالیا است.^۲ با نگاهی به فهرست ۶۶ کشور صنعتی کنونی (اعم از ۵۰ کشور صنعتی و ۱۶ کشور نوظهور و تازه صنعتی شده) و توزیع جغرافیایی آن نتیجه می‌شود قریب به اتفاق این کشورها ابتدا در غرب با محوریت ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا (۳۳ کشور از ۶۶ کشور) و سپس در جنوب شرق آسیا با محوریت ژاپن، استرالیا و متعاقباً کره جنوبی (۱۲ کشور از ۶۶ کشور) و با تاخیر برخی کشورهای قاره آمریکا (از جمله برزیل و مکزیک) و در مجاورت منطقه‌ها شامل ترکیه، مراکش و تونس توسعه یافته است. هم‌اکنون

^۱ کشورهای صنعتی جمعاً ۵۰ کشور است که بیش از نیمی از آن، ۳۱ کشور در اروپا (۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا) که ۴ کشور آن شامل آلمان، انگلیس، فرانسه و ایتالیا عضو گروه ۸ کشور صنعتی و گروه ۲۰ است. بعلاوه، ۱۲ کشور از آن جزء کشورهای مشترک‌المنافع (هم‌سود: CIS) هستند. ۲ کشور از آن ۵۰ کشور واقع در آمریکای شمالی شامل ایالات متحده آمریکا و کانادا است. ژاپن و بعلاوه ۴ کشور باقی‌مانده شامل استرالیا، اسرائیل، نیوزیلند و آفریقای جنوبی است. (UNIDO, International Yearbook of Industrial Statistics (IYIS), 2015-22).

^۲ کشورهای تازه صنعتی شده نسل اول شامل ۸ کشور کره جنوبی، مکزیک، آرژانتین، برزیل، هند، هنگ‌کنگ، تایوان و سنگاپور است. از این ۸ کشور، ۵ کشور نخست شامل آرژانتین، برزیل، هند، مکزیک و جمهوری کره در گروه ۲۰ عضویت دارند. کشورهای تازه صنعتی شده نسل دوم شامل ۸ کشور اندونزی، ترکیه، مالزی، فیلیپین، تایلند، کلمبیا، مراکش و تونس است. از این ۸ کشور، تنها دو کشور نخست شامل اندونزی و ترکیه به عضویت گروه ۲۰ درآمده‌اند. از این ۱۶ کشور تازه صنعتی شده نسل اول و دوم (که ۷ کشور آن به عضویت گروه ۲۰ درآمده است)، بیش از نیمی از ۱۶ کشور (۹ کشور) شامل کره جنوبی، اندونزی، هند، هنگ‌کنگ، تایوان، سنگاپور، مالزی، فیلیپین و تایلند در جنوب و شرق آسیا است. ۴ کشور از ۱۶ کشور شامل آرژانتین، مکزیک، برزیل و کلمبیا در قاره آمریکا است. سه کشور باقی‌مانده از ۱۶ کشور نوظهور (تماماً نسل دوم) شامل تونس، مراکش و ترکیه در شمال آفریقا و غرب آسیا (منطقه منا) و بویژه ترکیه در مجاورت ایران است.

پرسش این است ساختار رقابت جهانی فعالیت‌های صنایع کارخانه‌ای چه تغییر و تحولاتی را در دو دهه اخیر شاهد بوده است؟ صنایع ایران در کجای تولید فعالیت‌های صنعتی جهان قرار دارد؟ اقتصادهای صنعتی نوظهور و تازه‌صنعتی شده به‌طور خاص ایران چه سهمی از تولید فعالیت‌های صنعتی جهان را نصیب خود نموده‌اند؟ و سمت و سوی جابه‌جایی و جغرافیای صنایع کارخانه‌ای چگونه است؟ در این راستا، مطالعه حاضر تغییر ساختار جهانی تولید فعالیت‌های صنایع کارخانه‌ای (برحسب ۲۲ صنعت براساس ISIC دو رقمی)، و موقعیت اقتصادهای صنعتی و نوظهور و در حال توسعه و ۱۵ اقتصاد از آن دو گروه و به‌طور خاص روند جایگاه ایران طی سال‌های دو دهه آغازین هزاره سوم از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۹ را در بر می‌گیرد.

در این راستا، گزارش پژوهشی حاضر به مطالعه الگو و ساختار جهانی تولید فعالیت‌های صنعتی و تغییر و تحولات در دو دهه اخیر از آغاز هزاره سوم و جایگاه ایران در آن را مورد مطالعه قرار می‌دهد. این گزارش در ۶ قسمت تنظیم شده است. در ادامه مقدمه، در قسمت دوم تا چهارم، چارچوب نظری ساختار بازار با محوریت بازار غیر رقابتی (رقابت ناقص)، شاخص‌های اندازه‌گیری ساختار بازار و ماهیت صنایع کارخانه‌ای ارائه می‌شود و سپس در قسمت پنجم، یافته‌های پژوهش از جمله تغییر ساختار جهانی فعالیت‌های صنایع کارخانه‌ای، نوع ساختار و تحلیل جایگاه بازیگران کلیدی و ایران در تولید فعالیت‌های صنعتی جهان ارائه شده است و در پایان، نتیجه‌گیری و جمع‌بندی آورده شده است.

اطلاعات آماری از نشریه‌های نهادهای متولی تولید آمار صنایع کارخانه‌ای در گام نخست (اصلی و محوری) از گزارش‌های سالانه از جمله از سالنامه بین‌المللی آمارهای صنعتی سازمان توسعه صنعتی ملل متحد یونیدو (UNIDO)، و همچنین در برخی مواقع از سازمان جهانی تجارت (WTO) و کنفرانس توسعه و تجارت ملل متحد (UNCTAD)، صندوق بین‌المللی پول (IMF)، بانک جهانی (WB)، و نیز از تحقیقات و پژوهش‌های مرتبط استخراج، و ارائه شده است. از مطالعه ساختار رقابت در تولید صنایع کارخانه‌ای جهان و موقعیت کشورهای اقتصادهای صنعتی نوظهور در حال توسعه از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۹ با تاکید بر سهم، رتبه و جایگاه ایران نتیجه می‌شود که:

۱) از مطالعه ساختار رقابت در تولید جهانی صنایع در سال ۲۰۰۰ نتیجه می‌شود که رقابتی‌ترین ساختار تولید جهانی از آن صنعت غذا، محصولات چوبی، مبلمان، لاستیک و پلاستیک، کک و پالایشگاه‌های نفت، محصولات کانی غیرفلزی و وسایل نقلیه موتوری بود، در مقابل، انحصاری‌ترین ساختار جهانی تولید از آن چرم و محصولات چرمی، سایر وسایل حمل و نقل، فلزات اساسی، پوشاک، منسوجات، ماشین‌آلات و تجهیزات، ماشین‌آلات مولدو انتقال برق، کاغذ و محصولات کاغذی و مواد و محصولات شیمیایی بود.

۲) همچنین در سال ۲۰۱۹، رقابتی‌ترین ساختار جهانی تولید از آن صنعت آشامیدنی بود. چهار صنعت بعدی که ساختار جهانی تولید رقابتی‌تری دارند به ترتیب عبارت است از: کک و پالایشگاه‌ها، صنعت غذا، فلزی فابریکی، شیمیایی دارویی. در مقابل، در همین سال ۲۰۱۹ انحصاری‌ترین ساختار جهانی تولید از آن چرم بود. در این سال، پنج صنعت بعدی که ساختار تولید جهانی انحصاری‌تری دارند، به ترتیب عبارت بود از: منسوجات، وسایل

^۱ نظر به این که در سال‌های اخیر داده‌های آماری تولید (ارزش افزوده) جهانی صنایع کارخانه‌ای بر مبنای نسخه ۴ آیسک ۲ رقم ارائه شده است. بنابراین اطلاعات آماری تولید در دهه ۲۰۱۰ بر مبنای نسخه ۴ و دهه نخست ۲۰۰۰ بر مبنای نسخه ۳ آیسک دو رقم آورده شده است. در واقع تفاوت‌هایی برای چند (۴) صنعت کارخانه‌ای مطابق با این دو نسخه ۳ و ۴ آیسک دو رقمی در عمل وجود داشته است.

الکتريکی، پوشاک، فلزات اساسی، محصولات اپتیک، الکترونیک. تشدید انحصار ساختار جهانی تولید این صنایع متأثر از افزایش سهم و سلطه چین طی دوره بوده است.

(۳) از مطالعه تحولات و تغییر ساختار جهانی تولید صنایع کارخانه‌ای مورد مطالعه طی دو مقطع سالانه ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۹، حاکی از آن است که از ۲۲ صنعت کارخانه‌ای مدنظر، ۱۷ صنعت انحصاری تر و تنها ۵ صنعت رقابتی تر شده است. در این بین دستکم ۵ صنعت طی دوره شدیداً انحصارتر شده است.

(۵) بیشترین تغییرات در راستای رقابتی تر شدن ساختار جهانی تولید صنایع از ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۹ به ترتیب از آن سایر صنایع، و سایل نقلیه موتوری، چاپ و نشر، مبلمان و کک و پالایشگاهها بوده است. در مقابل، بیشترین تغییرات در راستای انحصاری تر شدن از آن چرم از ۱۴٫۹ به ۳٫۱، و سایل الکتريکی از ۱۰ به ۳٫۷، منسوجات از ۱۵٫۵ به ۳٫۸، پوشاک از ۱۲٫۷ به ۳٫۸ و فلزات اساسی از ۱۰٫۴ به ۴٫۵ بوده است.

(۵) تغییرات ساختار جهانی تولید ۲۲ صنعت کارخانه‌ای گویای آن است که به طور کلی طی دوره بلندمدت از ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۹ با حضور موثر و روبه فزونی چین در تولید جهانی صنایع کارخانه‌ای، ساختار جهانی بسیاری از صنایع کارخانه‌ای به خصوص چرم، منسوجات، الکتريکی، پوشاک و فلزات اساسی انحصاری تر شده است. در مقابل تنها ۵ صنعت از ۲۲ صنعت مدنظر با افزایش رقابت در ساختار جهانی تولید مواجه بوده است که البته تغییرات رقابتی معنی‌داری را شاهد نبوده است.

(۴) طی دوره چین در بسیاری از صنایع با فناوری پایین، کاربر و منابع محور از آمریکا پیشی گرفته است، اما آمریکا در صنایع با فناوری بالا و دانش بنیان با پیچیدگی بالا، حساس و استراتژیک همچنان جایگاه نخست صنعت کارخانه‌ای جهان را دارد. طی دوره بعد از چین و آمریکا، جایگاه دو کشور آلمان و ژاپن در تولید جهانی بسیاری از صنایع کارخانه‌ای تعیین کننده و کاملاً اثرگذار بوده است.

(۵) از مطالعه سهم، رتبه و جایگاه ایران در ساختار جهانی تولید ۲۲ صنعت کارخانه‌ای، نتیجه می‌شود که ایران در بین ۱۵ اقتصاد نخست جهان در ۲۲ صنعت طی دو سال ۲۰۰۰ و ۲۰۱۹، در صنایع منابع محور شامل کک و پالایشگاهها، محصولات کانی غیرفلزی، محصولات شیمیایی بازیگر اثرگذار بوده و اما در بسیاری از صنایع سهم موثر و تعیین کننده‌ای احراز نکرده است. البته ایران در بین ۱۵ اقتصاد صنعتی نوظهور تازه صنعتی شده و درحال توسعه، توانسته در بیش از نیمی از صنایع؛ ۱۴ صنعت از ۲۲ صنعت تا رتبه ۱۵ این اقتصادها در مقاطع سالانه از ۲۰۰۰ تا سال ۲۰۱۹ قرار گیرد.

(۶) ایران در ساختار تولید صنعتی بین اقتصادهای صنعتی نوظهور و درحال توسعه در سال ۲۰۱۹، به ترتیب در ۹ صنعت شامل مواد و محصولات شیمیایی، دارویی و شیمیایی، فلزات اساسی، وسایل نقلیه موتوری، ماشین آلات و تجهیزات، محصولات کانی غیرفلزی، ماشین آلات مولدو انتقال برق، زغال کک و پالایشگاههای نفت و محصولات فلزی فابریکی تا رتبه ۱۰ در بین تنها اقتصادهای درحال توسعه و صنعتی نوظهور به دست آورده است. در ادامه سهم و رتبه ایران در صنعت لاستیک و پلاستیک، فلزی فابریکی، اپتیک و الکترونیک، وسایل الکتريکی، منسوجات، چوبی و کاغذی واقع است. بنابراین عملکرد صنعتی ایران اساساً منابع محور، و در بسیاری از صنایع از وضع مطلوب، فاصله دارد.

(۷) بمنظور توسعه فراگیر صنعتی در میان مدت، درگذار از توسعه صنایع منابع محور به توسعه صنعتی فراگیر اشتغال‌زا، مطالعه تجربه ترکیه منطقی باشد؛ چراکه این کشور در مجاورت ایران، در ۱۶ صنعت در مقیاس

اقتصادهای نوظهور در زمره بازیگران کلیدی و اثرگذار قلمداد می‌شود. ترکیه از جمله پوشاک، منسوجات، چرم، مبلمان، فلزات اساسی، ماشین آلات مولدو انتقال برق، چوب و محصولات چوبی، وسایل نقلیه موتوری تا رتبه ۱۵ جهان، به توسعه صنعتی فراگیر بویژه با محوریت فناوری پایین و اشتغال‌زا دست یافته است.

۸) در بلندمدت برای گذار به توسعه صنعتی فراگیر دانش‌بنیان و با فناوری بالا، تجربه توسعه صنعتی کره جنوبی الگوی مناسبی است. کره در ۱۶ صنعت جهانی در زمره بازیگران کلیدی و اثرگذار قلمداد می‌شود. چراکه این کشور از جمله رادیو و تلویزیون و وسایل ارتباطی، پوشاک، محصولات لاستیکی و پلاستیکی، ماشین آلات مولدو انتقال برق، ماشین آلات اداری و محاسباتی، سایر وسایل حمل و نقل، ماشین آلات و تجهیزات، وسایل نقلیه موتوری، فلزات اساسی، زغال کک و پالایشگاههای نفت، محصولات کانی غیرفلزی، مواد و محصولات شیمیایی، محصولات فلزی فابریکی، ابزار پزشکی و اپتیکی و دقیق، منسوجات، چاپ و تکثیر و انتشار، کاغذ و محصولات کاغذی در بین ۱۵ اقتصاد نخست جهان، به توسعه صنعتی فراگیر حتی در صنایع کارخانه‌ای فناوری بالا و دانش بنیان دست یافته است.

۹) از مطالعه جایگاه کشورها در دو دسته اقتصادهای صنعتی، و صنعتی نوظهور و درحال توسعه و منطقه‌ای، هم‌اینک که برنامه‌ریزان و توسعه‌پردازان در حوزه برنامه و توسعه صنعتی درصدد تعامل با جهان، اقتصادهای صنعتی و صنعتی نوظهور و درحال توسعه در ابعاد زمینه‌های وسیع و گسترده چند وجهی از جمله در طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک، برآمده‌اند، دو اولویت در سرمایه‌گذاری صنعتی، پیش‌رو است: نخست، اقتصادهای صنعتی جهان در هر صنعت با سرریز دانش‌فنی و انتقال تکنولوژی نسل اول؛ دوم، اقتصادهای صنعتی نوظهور و تازه صنعتی‌شده (در حال توسعه گذار به توسعه صنعتی).

۵) تحلیل سیاست تجاری ایران با تاکید بر کارکرد مجوزها

سیاست تجاری ایران در چند دهه گذشته متأثر از تکانه‌های برون‌زای غیرکنترلی با محوریت تحریم‌ها، بی‌ثبات‌ترین و پرنوسان‌ترین تجربه‌ها را شاهد بوده است. در برنامه‌های توسعه تا ابتدای برنامه چهارم، تمام تمهیدات برای پیوستن ایران به سازمان جهانی تجارت بود. به طوری که در چند دهه گذشته یکی از بهترین برنامه‌های توسعه، برنامه سوم توسعه بود که تمام تمهیدات برای الحاق به سازمان توسعه تجارت مهیا می‌شد. سازمان جهانی تجارت مهم‌ترین نهاد بین‌المللی است که بر فعالیتهای اقتصادی و خصوصاً تجاری کشورها اثرگذار است. از آغاز سال ۱۹۹۵ سازمان جهانی تجارت جایگزین گات شد. هدف این سازمان ایجاد یک نظام قانونمند تجاری بین اعضا برای افزایش اشتغال، درآمد، تقاضای موثر و سطح زندگی در محیطی قابل پیش بینی، مطمئن و شفاف عنوان شده به طوری که توسعه تجارت روندی پایدار داشته و با حفظ محیط زیست مغایر نباشد. ایران از جمله کشورهایی است که هنوز به عضویت این سازمان در نیامده است.^۱ الحاق ایران به این سازمان از چالشهای حوزه تجارت است که از مدت‌ها پیش بسیاری از حوزه‌ها را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

از سه دهه گذشته، ایران گامهای بلندی در جهت نزدیک کردن نظام تجاری خود با مقررات این سازمان که در هم‌اکنون به یکی از بزرگترین و مؤثرترین نهادهای بین‌المللی در زمینه سیاستگذاری تجارت جهانی تبدیل شده، آغاز کرده است. در این راستا و به‌منظور تعامل توسعه‌مند با اقتصاد جهانی و نظام تجاری چندجانبه، ایران طی سال‌های اخیر اقدامات مثبت و تاثیرگذاری را در عرصه تجارت و اقتصاد کشور انجام داده که از آن جمله می‌توان به اقداماتی نظیر حذف موانع غیرتعرفه‌ای و تبدیل آن به معادل‌های تعرفه‌ای، تصویب قانون تجمیع عوارض وارداتی، حذف بیش از ۹۰ درصد مجوزهای ورود، تجدیدنظر در قانون مالیاتهای مستقیم، کاهش نرخ مالیات بر درآمد شرکتها، تصویب قانون سرمایه‌گذاری خارجی، تصویب قانون تجارت الکترونیک، اصلاح مقررات صادرات و واردات، تسهیل تجاری و راه‌اندازی مرکز اطلاع‌رسانی بازرگانی، ایجاد مدیریت و نظام تک‌نرخ‌ارز، مکانیزه کردن امور گمرکی، تدوین رژیم تجاری و پیگیری مذاکرات ترجیحی تجارت آزاد در سطح دوجانبه و منطقه‌ای و تنظیم برنامه‌های توسعه، اشاره کرد. از اهداف برنامه‌های توسعه، تقویت برون‌گرایی در اقتصاد و استفاده از فرصت‌های جهانی شدن اقتصاد بوده که گسترش و توسعه مناسبات تجاری و اقتصادی با کشورها و سازمانهای بین‌المللی عضویت در تشکلهای منطقه‌ای، تنظیم تراز تجاری و نهایی نمودن گزارش رژیم تجاری از اهم اقدامات اساسی توسط وزارت صنعت، معدن و تجارت (و قبل از آن وزارت بازرگانی) جهت تقویت برون‌گرایی بوده که در برنامه‌های توسعه نیز مورد تاکید قرار گرفته است. اگرچه وزارت خانه مذکور اقدامات قانونی خویش در چارچوب الحاق به WTO در برنامه‌های توسعه اجرا نمود، اما متأسفانه به علت وجود موانع سیاسی در طی مراحل الحاق به این سازمان و متعاقباً تشدید تحریم‌های اقتصادی و تجاری چندجانبه شورای امنیت و ثانویه از جانب ایالات متحده آمریکا، هنوز فرآیند الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت نهایی نشده است. در این بین، در نیمه دوم دهه ۱۳۹۰ با خروج آمریکا از برجام و متعاقباً تشدید و گسترش تحریم‌ها و فراگیری آن تحریم‌ها، نظام و رژیم تجاری ایران از ثبات و پیش‌بینی پذیری مناسب فاصله گرفته و اوج تلاطمات و بی‌ثباتی را در سیاست تجاری و تجارت بین‌الملل ایران در این مدت شاهد بودیم.

^۱ این سازمان در حال حاضر ۱۶۴ عضو دائم دارد و چند کشور نیز عضو ناظر هستند، ایران عضو ناظر این سازمان است که در نشست می (۲۰۰۵) شورای عمومی مطرح شده و ایران رسماً بعنوان عضو ناظر این سازمان پذیرفته شد که نخستین گام در جهت پیوستن کشور به این سازمان است.

از چالش‌های اساسی تجارت کشور، ناهماهنگی سیاست‌های اقتصادی و هم‌سوی بودن آن‌ها، بویژه سیاست تجاری نامناسب، بی‌ثباتی ارز و نظام ارزی ناهماهنگ و نرخ بالای تورم است که مطالعات متعددی بر این موضوع صحه گذاشته‌اند. در میان سیاست‌های اقتصادی مرتبط با تجارت، سیاست‌های ارزی، پولی و مالی نقش برجسته‌ای ایفاء می‌نمایند. این سیاستها ضمن تاثیرگذاری بر یکدیگر آثار خود را بر پیشبرد یا متوقف‌سازی اثرات سیاست تجاری بر جای می‌گذارند. از این رو سازگاری بین سیاستها از پیچیده‌ترین اقدامات اقتصادی در عرصه سیاست‌گذاری با توجه به اهداف برنامه‌های توسعه است. در سالهای پس از انقلاب و تاکنون، در بسیاری مقاطع رژیم ارزی کشور بر مبنای نظام چند نرخی استوار بود که همین امر شکاف بین دو نرخ ارز رسمی و بازار آزاد را در طول زمان افزایش می‌داد، به نحوی که اختلاف بین این دو نرخ در برخی ادوار به بالاترین حد رسیده است.^۱ به طوری که در دو دهه گذشته بویژه دوماجره در نیمه نخست و نیمه دوم دهه ۱۳۹۰ رخ افتاد. آنچه در رژیم ارزی فعلی حائز اهمیت است، پایداری نرخ ارز و نحوه تعدیل یا مدیریت آن در شرایط تورمی است. حتی در شرایط تحقق درآمدهای مورد نیاز نفتی برای تثبیت نرخ ارز و در صورت عدم کنترل تورم داخلی، قیمت کالاهای داخلی در مقایسه با واردات افزایش یافته و در نهایت تقاضا برای واردات افزایش می‌یابد؛ و ضرورت کسب درآمدهای بیشتری را بوجود می‌آورد. از دیگر سو، افزایش قیمت‌های داخلی منجر به افزایش هزینه تولید و بالارفتن قیمت صادرات غیرنفتی، مشکلات رقابتی در عرصه بین‌المللی و کاهش صادرات در دهه ۱۳۹۰ منجر گردید.

بدین ترتیب با توجه به شرایط تورمی در جامعه، دو نگرش عمده وجود دارد؛ نگرش اول آن که در چنین شرایطی سیاست افزایش نرخ برابری ارز که آثار آن در بهبود تراز پرداختها (افزایش صادرات و کاهش واردات) ظاهر خواهد گردید، دنبال شود. در مقابل مخالفین این سیاست معتقدند که حتی اگر در کوتاه‌مدت بهبود در تراز پرداخت صورت گیرد، پایدار نخواهد بود و در بلندمدت به وخیم‌تر شدن تراز پرداختها می‌انجامد به‌ویژه آنکه در حدود ۸۵ درصد واردات کشور را کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای تشکیل می‌دهند و افزایش نرخ ارز منجر به افزایش قیمت کالاهای تولیدی و از جمله کالاهای صادراتی رقابت‌پذیر می‌شود.

باتوجه به مجموعه مطالعات داخلی، کنترل تورم در مقایسه با تعدیل نرخ ارز از اولویت بالاتری برخوردار بوده و همین امر ضرورت اتخاذ سیاست پولی و مالی مناسب و سازگار با سیاست تجاری منطقی را به‌وجود می‌آورد. با این مقدمه و طرح کلی مسئله، در ادامه در خصوص تحلیل کارکرد مجوزهای مربوط به بازیگران تجارت؛ کارت بازرگانی، ثبت سفارش و نقش دولت در شکل‌گیری انحصار در حوزه تجارت پرداخته می‌شود. در واقع شرط دسترسی به بازار خارجی، منوط به داشتن کارت بازرگانی است. برخورداری از کارت بازرگانی لازم است یا نه؟

کارت بازرگانی

اینکه آیا می‌بایست برای دسترسی تجار به بازارهای خارجی شرط داخلی گذاشت یا نه، از جمله مباحث مورد اختلاف بخش خصوصی و دولتی است. اگر بر ضرورت شرط‌گذاری بر دسترسی به بازار خارجی، تفاهمی حاصل شد، اینکه کدام بخش می‌بایست امر شرط‌گذاری و یا سنجش شروط را بر عهده بگیرد، دغدغه بعدی در این خصوص است. اما نکته مهم

^۱ سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز در چنددهه اخیر برای چندمین بار وضع شد. برای نمونه در سال ۱۳۸۱ نرخ ارز رسمی به ۸۰۰۰ ریال به ازاء یک دلار آمریکا افزایش یافت و رژیم ارزی رسماً به رژیم ارزی شناور مدیریت شده تبدیل شد. این نرخ برای ۱۳۸۲ با اتکاء به درآمدهای سرشار نفتی تثبیت شد. اما در سال ۱۳۸۳ به بعد به دلایل مختلف سیاسی، اقتصادی، افزایش تقاضای داخلی، و چالشهایی نظیر منازعات هسته‌ای ایران نرخ بازار آزاد با نرخ رسمی اعلام شده فاصله گرفت. با یکسان‌سازی ارز در ابتدای دهه ۱۳۹۰، متعاقباً در طول این دهه پیوسته بر شکاف نرخ رسمی و آزاد افزوده شد.

در شرط‌گذاری، نحوه برخورد افرادی است که شرایط بر آنها تحمیل شده و ایشان ملزم به رعایت آنها می‌باشند. در برخی موارد این قبیل افراد، راه‌های در رو یا میانبری را برای دور زدن شروط و عدم رعایت آنها و یا رعایت آنها به نحوی که مورد دلخواهشان باشد، رخ می‌نماید که در این صورت شرط گذار را با چالش‌هایی برای رفع آنها مواجه می‌نماید. در این قسمت، وضعیت کارت بازرگانی به‌عنوان اصلی‌ترین شرط دسترسی تجار ایرانی به بازار خارجی بررسی و کنکاش قرار می‌گیرد.

۱. علل تجار جهت سوءاستفاده از کارتهای بازرگانی یک بار مصرف

به‌دلیل ناکارآمدی ابزارهای وصول مالیات و بیمه، چاره‌ای جز استفاده از کارت بازرگانی در کشور برای مطالبه حقوق مذکور وجود ندارد. در واقع هم‌اینک وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها برای وصول مطالبات به جای استفاده از ابزارهای قانونی، کارت بازرگانی را به ابزاری برای دریافت مطالبات خود تبدیل کرده‌اند. از سوی دیگر فرآیند رسیدگی به پرونده‌های مالیاتی، تامین اجتماعی، تعهدات ارزی، اختلافات گمرکی و... دریافت گواهی‌های مربوطه سخت و طولانی و بعضاً پرهزینه است و فرآیند صدور یا تمدید کارت بازرگانی را نیز دچار وقفه می‌کند.

مشکلات نظام مالیاتی: هرچند که هدف گروهی از بازرگانان از گرفتن کارت بازرگانی به نام دیگران، فرار مالیاتی است؛ اما اشخاص دیگری هم هستند که قصد پرداخت مالیات را دارند، اما پس از اینکه میزان مالیات (علی‌الحساب) را در ابتدای کار پرداخت می‌کنند، در ادامه کار و در جریان فرایند محاسبات مالیاتی، از سوی برخی مأمورین مالیاتی، مالیات بازرگانان (علی‌الرأس) می‌شود. در نتیجه برای این اشخاص شرایطی به وجود می‌آید که میزان مالیات پرداختی آنها افزایش یافته و در برخی موارد، فعالیت ایشان با سود اندک همراه می‌گردد. این وضعیت، انگیزه بازرگان برای فعالیت اقتصادی شفاف را از بین می‌برد. علت چنین شرایطی نیز ممکن است محاسبه نادرست مالیات و کارشکنی‌هایی باشد که مأمورین مالیاتی انجام می‌دهند. از این رو بازرگانان ترجیح می‌دهند از کارتهای بازرگانی یکسال مصرف (متعلق به دیگران) استفاده نمایند.^۱

مشکلات نظام گمرکی: یکی از مشکلاتی که بازرگانان در فرایند انجام واردات از آن گله مند هستند مربوط به سازوکار گمرک در محاسبه حقوق گمرکی هنگام ترخیص کالاهای وارداتی است.^۲ بدین صورت که در هنگام ترخیص، یک برآورد کلی (نه به‌صورت دقیق) از ارزش کالاها صورت می‌گیرد و مطابق آن و بر اساس تعرفه‌های گمرکی، حقوق گمرکی کالاها محاسبه شده و مبلغی به‌عنوان علی‌الحساب از بازرگان دریافت می‌شود. اما طبق آیین‌نامه‌های گمرکی، گمرک می‌تواند تا چند سال بعد به آن شخص مراجعه نماید^۳ و برآورد دیگری از ارزش کالاهای وارد شده توسط شخص داشته باشد. بدین معنا که ممکن است گمرک محاسبه اولیه را غیردقیق تلقی نموده و بازرگان را مجبور به پرداخت مبالغ بیشتری به‌عنوان حقوق گمرکی نماید. این درحالی است که بازرگانان کالاهای وارداتی را متناسب با قیمت خرید، هزینه حمل و نقل و نیز هزینه گمرکی پرداخت شده و با در نظر گرفتن سود مشخصی برای خود قیمت‌گذاری کرده و کالا را به فروش می‌رسانند. اما باین اقدام گمرک، با شرایطی مواجه

۱. پاسخ اتاق ایران به گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، منتشره در اقتصادآنلاین به تاریخ ۱۳۹۹/۸/۲۹.

۲. ضیاء‌بیگدلی، صادق. گزارش بررسی مطالعات موجود راجع به کارت بازرگانی، ش. ۸، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، مهر ۱۳۹۷.

۳. مرکز پژوهش‌های مجلس، آسیب شناسی وضعیت صدور کارت بازرگانی و ارائه راهکارهای اصلاحی، تیر ۱۳۹۹.

۴. طبق آدرسی که شخص هنگام اخذ کارت بازرگانی ارائه نموده است.

می‌شوند که می‌بایست هزینه‌گمرکی بیشتری را با عنوان مابه‌التفاوت حقوق ورودی پرداخت نمایند. بنابراین بازرگانان ترجیح می‌دهند که با استفاده از خلأ موجود در کارت بازرگانی یکسال مصرف که در آن آدرسها به‌ندرت صحت‌سنجی می‌شود، به هر طریق ممکن خود را از مواجهه با گمرک دور کنند. به اعتقاد بازرگانان با توجه به وجود فساد گسترده در سازمان گمرک، در صورت عدم تبعیت تجار از اضافه پرداخت‌های تحمیلی مامورین گمرک، ایشان اقدام به پرونده‌سازی علیه تجار نموده و آنها را با مشکلات عدیده‌ای مواجه کرده و حتی آنها را ورشکسته می‌نمایند.

مشکلات سازمان تأمین اجتماعی: یکی دیگر از انگیزه‌های استفاده از کارت بازرگانی یکسال مصرف، موضوع تسویه حساب با سازمان تأمین اجتماعی است.^۱ بازرگانی که متقاضی دریافت کارت بازرگانی است باید از سازمان تأمین اجتماعی برگه مفاصا حساب داشته باشد. تسویه حساب بازرگانان با سازمان تأمین اجتماعی عمدتاً در زمینه پرداخت سهمی از حق بیمه کارگران است و به بازرگانانی که در فعالیت اقتصادی کارگرانی را به کار می‌گیرند مرتبط می‌شود. در حال حاضر از حق بیمه ۳۰ درصدی، ۷ درصد آن را کارگر و ۲۳ درصد را کارفرما پرداخت می‌کند. عمده این موارد مربوط به کارخانه‌دارانی است که مواد اولیه مورد نیاز برای تولیدات خود را وارد می‌کنند و برای این منظور نیاز به کارت بازرگانی دارند.^۲ به این معنا که سازمان تأمین اجتماعی مفاصا حساب را بر اساس محاسبات دقیق صادر نمی‌کند و ابتدا مفاصاحساب را به صورت موقت صادر می‌کند تا بازرگان بتواند برای دریافت کارت بازرگانی اقدام نماید، اما پرونده متقاضی تا چند سال مفتوح می‌ماند. در این صورت، تأمین اجتماعی هر زمان که بخواهد می‌تواند با مراجعه به بازرگان، ادعای مبالغ بدهی بیشتری را نموده و از این طریق برای بازرگان مشکلاتی پدید آورد. همین امر انگیزه استفاده از کارت‌های بازرگانی یکسال مصرف را افزایش می‌دهد.

۲) جمع‌بندی و پیشنهادها

از بررسی و مطالعه ابعاد و جنبه‌های موضوع کارت بازرگانی از جمله تاریخچه کارت بازرگانی، کاربردهای کارت بازرگانی، اختلاف نظر در تعیین مرجع رتبه‌بندی، مشکلات مربوط به رویه فعلی صدور کارت بازرگانی، نحوه مواجهه دولت با موضوع واگذاری کارت بازرگانی، مجازات جرم استفاده از کارت بازرگانی اشخاص دیگر، علل تجار جهت سوءاستفاده از کارتهای بازرگانی یک بار مصرف، و در راستای رفع مشکلات مربوط به تقاضای تجار برای استفاده از کارت‌های بازرگانی یک‌سال مصرف (اجاره‌ای و متعلق به دیگران)، پیشنهادات چندی می‌توان ارائه نمود که توجه دولت بدانها ممکن است حداقل بخش مهمی از نقایص فعلی را از بین ببرد.

- حذف صدور کارت‌های بازرگانی و امتیازات متعلقه بدان، می‌تواند از بروز مشکلات به صورت گسترده جلوگیری نماید. هرچند این نظریه، در کشور مخالفان جدی‌ای دارد که شرایط ویژه کشور را بهانه و دستاویز لزوم توسل به الزام صدور کارت بازرگانی می‌نمایند. اما واقع قضیه آن است که این عده صرفاً

۱. ماده ۳۷ قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴/۰۴/۰۳ - وزارتخانه‌ها و مؤسسات و شرکتهای دولتی، همچنین شهرداریها و اتاق‌های اصناف و سایر مراجع ذیربط مکلفند در موقع تقاضای تجدید پروانه کسب یا هر نوع فعالیت دیگر مفاصاحساب پرداخت بیمه را از متقاضی مطالبه نمایند. در هر حال، تجدید پروانه کسب موکول به ارائه مفاصاحساب پرداخت حق بیمه می‌باشد.

۲. در اینجا نیز مشکلاتی شبیه به آنچه که در گمرک و سازمان امور مالیاتی پیش می‌آید، وجود دارد.

به دنبال سیطره دولت بر اقتصاد و بخش بازرگانی خارجی کشور بوده و نمی خواهند حرکت های مربوط به آزادسازی اقتصادی و تجاری موفقیتی کسب نمایند.

- همانطور که از بررسی مشکلات به وجود آورنده در رابطه با صدور و تمدید کارت بازرگانی، قابل درک است، حتی در این مساله خرد ظهور پدیده کارت های بازرگانی اجاره ای و تضييع حقوق دولت از جانب تجار که شامل فرار مالیاتی، قاچاق سازمان یافته، عدم انجام تعهدات ارزی و غیره می شود، این امر خود معلول عواملی دیگر از جمله سیاست های معیوب ارزی و تجاری، محیط کسب و کار نامناسب، محیط مقرراتی پیچیده و مبهم و امکان بهره برداری اشخاص از کارت سایرین در قالب وکالت نامه و صلح نامه، علیرغم نامه های رسمی دولت و اقدام انجام شده در این خصوص، است.
- بنابراین اقدام های ضروری دولت برای ایجاد ثبات و بهبود محیط کسب و کار در سطح کلان از جمله اصلاح محیط کسب و کار، ثبات قوانین و مقررات ناظر بر فعالیت اقتصادی و تجاری، اصلاح سیاست تجاری و ارزی، اصلاح رویه ها و فرآیندهای جاری در امر صادرات و واردات و کاهش زمان و هزینه تجارت فرامرزی و پیشنهادهایی عملیاتی در سطح خرد مانند اهلیت سنجی متقاضیان کارت بازرگانی، از اصلی ترین اقداماتی است که جهت پیشگیری از بروز چنین مشکلاتی لازم الاجرا می باشند.
- اما با فرض ضرورت صدور و تمدید کارتهای بازرگانی و در واقع به عنوان ارایه راه حل بهینه دوم، تکمیل الکترونیکی کردن سامانه های مورد استفاده دستگاه های مختلف (به ویژه سازمان های مالیات، گمرک و تامین اجتماعی) مرتبط با صدور و تمدید کارت بازرگانی، علاوه بر کاهش بروز فساد، گامی موثر در راستای کاهش زمان مورد نیاز جهت صدور و تمدید کارت بازرگانی با فراهم نمودن امکان محاسبات دقیق تر و به روز تر و نیز گرفتن استعلام به صورت بر خط می تواند بخشی از چالش های مرتبط با کارت بازرگانی را مرتفع کند.

۶) مختصات و ویژگی‌های اصلی فعلی تجارت خارجی ایران

تحلیل تجارت هر کشوری، نقش همه‌جانبه و به‌سزایی را در تحقق اهداف اقتصادی و توسعه پایدار و همه‌جانبه دارا است. رابطه بین بخش تجارت و رشد در سطح جهان بعد از بحران مالی جهانی و حرکت اقتصادهای بزرگ به سمت حمایت‌گرایی و استفاده بیشتر از محتوای اقلام داخلی در توسعه صادرات، صحنه تجارت را با واقعیت‌های جدیدی روبرو ساخته است که کاهش سرعت تجارت و میزان رشد آن از نمودهای عینی آن است. در کنار این تغییرات، چند سال تحریم‌های یک و چندجانبه شدید علیه اقتصاد ایران اعم از زیرساخت‌های نظام‌های بانکی، بیمه‌ای و حمل‌ونقل، ساختار واردات و صادرات غیرنفتی را دچار تغییرات جدی کرده است. با چنین شرایطی در فضای بین‌المللی، بررسی و تحلیل ساختار رقابت تجارت خارجی ایران نشان می‌دهد که حجم کل تجارت کالایی غیرنفتی از منظر میزان، ارزش، ارزش واحد به‌خصوص رابطه مبادله روبه در یک دهه گذشته روبه افول است. این کاهش و افول چشمگیر در منافع تجارت خارجی ایران متأثر از ضعف کلی و خاص در ساختار رقابت تجارت خارجی ایران در سطوح، لایه‌ها، ابعاد و جنبه‌های مختلف و متنوعی دارد.

مطابق گزارش سالانه ۲۰۲۰ آنکتاد، در سال ۱۳۹۸ (۲۰۱۹) اندازه اقتصاد ایران با ۸ درصد رشد منفی به ۵۹۲,۵ میلیارد دلار روبه کاهش گذاشت که سهم ایران از اقتصاد جهانی ۸۷,۷ تریلیون دلاری، تنها ۰,۶۷ درصد بوده است. از منظر درآمد سرانه، ایران اوضاع مناسبی ندارد، چراکه در بین کشورهای منتخب منطقه در مجاورت ایران جزء رتبه‌های آخر است. ایران با درآمد سرانه ۷۱۴۶ دلار، نه‌تنها شکاف عظیمی با ۵ کشور عربی دارای نفت‌خام (شامل قطر ۶۶۹۸۵ دلار، عربستان ۲۲۴۲۳ دلار، کویت ۳۴۱۴۸ دلار، بحرین ۲۳۶۳۶ دلار، عمان ۱۸۷۰۷ دلار) و حتی با ترکیه ۹۱۴۱ دلار فاصله دارد، بلکه حتی درآمد سرانه عراق جنگ‌زده با ۵۶۶۵ دلار نیز به درآمد سرانه ایران نزدیک می‌شود. در این بین اوضاع تجارت خارجی ایران بمراتب نامناسب‌تر نیز است، به طوری که نه‌تنها اندازه بخش خارجی اقتصاد و صادرات غیرنفتی کوچک‌تر شده است، بلکه همچنان صادرات غیرنفتی از مجموعه‌ای ضعف‌های بنیادین رنج می‌برد که در ادامه به‌اختصار ارایه می‌شود:

بسته‌تر شدن **تجارت خارجی ایران**: در سال ۲۰۱۹ (۱۳۹۸) ارزش صادرات کالایی ایران با ۶۵,۷ میلیارد دلار، فقط ۰,۳۵ درصد ارزش صادرات کالایی جهان (نصف سهم از اقتصاد جهانی) بوده است. در واقع گویای بسته‌تر شدن بخش خارجی اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۸ دارد. به طوری که اگر تا چندی پیش، تجارت ایران در منطقه جایگاه سه اقتصاد برتر را داشت، در سال ۱۳۹۸ دستکم ۵ کشور منطقه به ترتیب امارات متحده عربی ۳۱۵,۹ میلیارد دلار، عربستان سعودی ۲۶۱,۶ میلیارد دلار، ترکیه ۱۸۰,۸ میلیارد دلار، عراق ۸۲,۳ میلیارد دلار و قطر ۷۲,۹ میلیارد دلار در ارزش صادرات کالایی از ایران پیشی گرفته‌اند و حتی کشور کوچک کویت با ۶۴,۵ میلیارد دلار به مرز صادرات کالایی ایران رسیده است. بنابراین تجارت ایران در مقایسه با حتی کشورهای منطقه، کوچک‌تر شده است و نسبت صادرات کالایی به اندازه اقتصاد ایران با ۱۱ درصد، بسته‌تر شده است.

فقدان مزیت رقابتی: تا چند دهه گذشته الگوی تجارت جهانی و بازیگران کلیدی آن مبتنی بر مزیت نسبی بود و اما هم‌اکنون در تبیین الگوی تجارت جهانی بویژه اقتصادهای توسعه‌یافته مزیت رقابتی مسلط‌تر شده است. این در حالی است که تجارت خارجی بویژه صادرات کالایی ایران، همچنان مبتنی بر مزیت نسبی است و مزیت رقابتی در تبیین الگوی تجارت ایران کم‌رنگ است، بنحوی که تحولات ساختاری، صرفه‌های مقیاس، نیروی انسانی با کیفیت، فناوری بالا، کارآفرینی و نظایر آن در تبیین الگوی تجارت ایران کم‌رنگ است.

فقدان تنوع کالایی: اصولاً شاخص تنوع کالایی در تجارت از اقتصادهای توسعه‌یافته به اقتصادهای با کم‌ترین درجه توسعه‌یافتگی روبه کاهش است. در این بین، شاخص تنوع کالایی در تجارت ایران در زمره اقتصادهای توسعه‌نیافته قرار دارد و تا دستیابی به تنوع کالایی بالاتر برای نمونه ترکیه، شکاف بالایی را شاهد است.

سهم نازل کالاهای صنعتی با فناوری بالاتر: از منظر درجه و به‌کارگیری فناوری، مبادله کالاها در تجارت خارجی به سه سطح پایین (کاربر)، متوسط (منابع بر) و بالا (دانش‌بنیان) طبقه‌بندی می‌شوند. صادرات کالایی ایران نه از فناوری پایین که به نفع طیف بزرگی از نیروی کار نفع برساند، برخوردار است و نه از فناوری بالا که مبتنی بر دانش‌بنیان باشد، برخوردار است. در واقع صادرات کالایی ایران بویژه صادرات غیرنفتی مبتنی بر فناوری متوسط، که اساساً منابع بر و سرمایه‌بر دولتی است، اتکا داشته است و منافع اقتصادی درون‌زاو سرریز حداقلی مواجه است. در واقع در ساختار رقابت تجارت خارجی (و صادرات) ایران، دولت نقش پررنگ‌تری دارد، بویژه آنکه با تشدید تحریم‌ها و کوچک‌تر و بسته‌تر شدن تجارت، نقش مداخلات دولت پررنگ‌تر می‌شود.

فقدان تنوع شرکا: اصولاً شاخص تنوع شرکای تجاری متناسب با اندازه تجارت کشورها مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در واقع کشوری با صادرات کالایی بیش از ۱ تریلیون دلار با تمام کشورهای جهان مبادله کالایی دارد و در مقابل کشوری با ۱ میلیارد دلار صادرات، شرکای تجاری محدودتری دارد. شاخص تنوع شرکای تجاری در تجارت ایران در زمره اقتصادهای توسعه‌نیافته قرار دارد و با وضع مجدد تحریم‌ها، شرکای تجاری در صادرات غیرنفتی ایران محدودتر نیز شده است. بنابراین شکاف بالایی از این جنبه با وضع مطلوب وجود دارد. در واقع هر میزان از ساختار رقابت در تجارت شکاف باشد، تنوع شرکای تجاری نیز محدودتر می‌شود.

تداوم افزایش هزینه مبادله و **افول انواع رابطه مبادله (قیمتی و درآمدی) تجارت ایران:** رابطه مبادله و انواع آن گویای آن است که اقتصاد کشورها در حوزه تجارت چقدر نفع می‌برند (شاخص منافع تجاری هر کشور) و روند آن در دوره زمانی بلندمدت روبه بهبود، و یا روبه نقصان است. از این منظر، تجارت خارجی ایران اوضاع مناسبی ندارد. وضع مجدد تحریم‌ها، منافع تجاری ایران را کاملاً تحت‌الشعاع قرار داده است. به طوری که با صادرات حداکثری به میزان تن، منافع حداقلی درآمد ارزی نصیب کشور شده است. از این منظر، اقتصاد ایران جزء نادر اقتصادهای گوشه‌گیر جهان است که منافع حداقلی از تجارت با جهان نصیب شده است.

در یک دهه منتهی به سال ۱۴۰۰ حوزه تجارت خارجی ایران دستخوش تحولات اساسی چند وجهی و چند لایه مختلف شده است که در ادامه به نکاتی چند پرداخته می‌شود. ارزش دلاری تجارت ایران از ۹۵٫۶ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۰ به ۷۳٫۹ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۹ با شاخص عملکرد ۷۷٫۳ و نرخ رشد سالانه ۲٫۸- درصد طی این دهه روبه کاهش گذاشته است. ارزش تجارت ایران در سال ۱۳۹۹ نسبت به ۱۳۹۸ از ۸۵ میلیارد دلار به ۷۳٫۸ میلیارد دلار با ۱۳- درصد روبه کاهش گذاشته است. با خروج یکجانبه دولت آمریکا از برجام، تضعیف بنیان‌های تولیدی و به خصوص سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی به دلیل استفاده از لنگر نرخ ارز اسمی و سرکوب توان تولید داخلی، خروج سرمایه و جهش ارزی طی دو سال ۱۳۹۰ و ۱۳۹۷ و تداوم آن تا پایان نیمه نخست ۱۳۹۹ و اپیدمی ویروس کووید ۱۹، محیط تجارت ایران را با شرایط کاملاً متفاوتی مواجه کرده است. این مجموعه عوامل قدرت رقابت تولید داخلی را بیشتر کاهش داده و موجب از دست رفتن بازارهای صادراتی شده است؛ این امر در بلندمدت منجر به افول رابطه مبادله و تضعیف تجارت ایران در جهان و حتی منطقه شده است. گفتنی است اپیدمی کووید-۱۹ (کرونا) نیز در سال ۱۳۹۹ در کاهش حجم تجارت ایران تاثیر به‌سزایی داشته است؛ چراکه کرونا سطح تقاضای کل جهانی را کاهش داده است (به طوری که ارزش تجارت جهانی از ۳۷٫۶ تریلیون دلار در سال ۲۰۱۹ به ۳۴٫۶ تریلیون دلار در سال ۲۰۲۰، ۸٫۰- درصد کاهش یافته است و از آنجا که ایران صادرکننده مواد خام اولیه و محصولات واسطه‌ای و نیمه‌ساخته بوده است، بنابراین صادرات و متعاقباً تجارت ایران متاثر از کاهش تقاضای جهانی، کاهش یافته است. از طرفی دیگر ریسک‌های عملیاتی نظیر تعطیلی کسب و کارها و گمرکات، سختی جابه‌جایی و تامین مالی و توقف حوزه خدمات پشتیبانی (لجستیک) و نظایر آن به‌ویژه در نیمه نخست سال ۱۳۹۹ مزید بر علت شده و از کانال افزایش قیمت جهانی اغلب محصولات به دلیل کاهش تولید و تبع آن کاهش تقاضا، باعث کاهش تقاضا و ارزش تجارت ایران شده است. سهم ایران از تجارت جهانی با نوسان روبه کاهش و نرخ رشد تجارت ایران در دهه ۱۳۹۰ منتهی به سال ۱۳۹۹، ۶ سال طی این بازه با رشد منفی توأم با نوسان شدید مواجه شده است. با بررسی سهم جهانی تجارت ایران طی دهه ۱۳۹۰ نتیجه می‌شود سهم ایران از تجارت جهانی با نوسان روبه کاهش بوده و پس از سال ۱۳۹۷ وضعیت تجارت ایران بدتر شده و سهم ایران از تجارت جهانی در سال ۱۳۹۹ به ۰٫۲۱۴ درصد سقوط کرده است. از طرفی علی‌رغم افزایش حجم تجارت جهانی از ۳۲٫۱ تریلیون دلار در سال ۱۳۹۵ به ۳۴٫۶ تریلیون دلار در سال ۱۳۹۹، حجم تجارت ایران از ۸۷٫۷ میلیارد دلار به ۷۳٫۹ میلیارد دلار کاهش یافته است که بیانگر روند ضدادواری تجارت ایران در مقایسه با تجارت جهانی است. چنین روندی می‌تواند مبین ضعف زیرساخت‌های تجارت (لجستیک، ترانزیت، بیمه، بازاریابی، حفظ ماندگاری در بازار و نظایر آن)، فقدان استراتژی توسعه تجارت به‌ویژه راهبرد توسعه صادرات، ضعف دیپلماسی اقتصادی فعال و پویا و توجه ناکافی به اهمیت تجارت در اقتصاد ایران باشد. برای نمونه توقف و تاخیر در پهلوگیری کشتی‌های ایرانی با شرکای تجاری، فقدان کشتی‌های یخچال‌دار استاندارد بی‌توجهی به مشکلات صادرکنندگان و ذی‌نفعان تجارت از سوی دستگاه‌های متولی تجارت از جمله این موارد است.

حجم تجارت جهانی از ۳۷٫۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ به ۳۴٫۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۰ با کاهش ۳ تریلیون دلار، تا ۸٫۰- درصد کاهش مواجه گردید. این امر تاحدی به علت افزایش تنش‌های تجاری و جنگ تعرفه‌ای بین ایالات متحده آمریکا و چین بوده است، اما عوامل ساختاری و چرخه‌ای خاص کشورها از جمله تغییر مواضع سیاست پولی در اقتصادهای توسعه‌یافته، تکانه‌های بزرگ اقتصادی، نوسانات مالی و عدم اطمینان ناشی از برگزیت در اتحادیه اروپا نیز در این کاهش تجارت سهم داشته‌اند. بنابراین تغییرات ساختاری رابطه بین تجارت و رشد در سطح بین‌الملل بعد از بحران مالی جهانی و حرکت اقتصادهای بزرگ به سمت حمایت‌گرایی و استفاده بیشتر از اقلام داخلی در توسعه صادرات، صحنه تجارت را با واقعیت‌های جدیدی روبرو ساخته است که کاهش سرعت تجارت جهانی و میزان رشد آن از نمودهای عینی آن است. در کنار این تغییرات، چند سال تحریم‌های یک و چندجانبه شدید علیه تجارت ایران اعم از نظام‌های بانکی، بیمه‌ای و حمل‌ونقل، ساختار واردات و صادرات غیرنفتی کشور را دچار تغییرات جدی کرده است. بنابراین با توجه به تحولات جهانی و تحریم‌های ایران که عمدتاً آثار آن از کانال تجارت بر کشور وارد می‌شود، بررسی عملکرد تجارت در یک دهه گذشته نشان می‌دهد که تحولات چشمگیر و قابل توجه روبه کاهشی در این بخش رخ داده که این موارد را می‌توان در کل تجارت، صادرات غیرنفتی، واردات و تراز تجاری کشور مشاهده کرد.

علی‌رغم اهتمام دست اندرکاران تجارت، همچنان صادرات ایران به‌ویژه صادرات غیرنفتی اندازه، سهم و رتبه نازلی در صادرات جهانی است و قسمت اعظم صادرات به‌نفت و گاز و مشتقات و فرآورده‌های آن اختصاص دارد؛ حتی قسمت اعظم صادرات غیرنفتی کالاهایی با منشأ منابع طبیعی، نفت و گاز و مشتقات آن، کشاورزی و سنتی است و بنابراین از وضع مطلوب صادرات صنعتی به‌ویژه تولیدات محصولات صنعتی‌های تک فاصله دارد. از طرفی، تراز تجاری کشور نیز عمدتاً از ثبات لازم برخوردار نبوده و این امر به‌نوبه خود اقتصاد ملی را نیز در مواقعی تحت تأثیر قرار می‌دهد. صادرات مواد اولیه با ارزش افزوده نسبتاً پایین و متأثر از قیمت‌های جهانی، عدم تنوع سبد کالاهای صادراتی، محدودیت در بازاریابی و وجود تمرکز در جغرافیای صادراتی سبب شده تا تراز تجاری انعطاف لازم را در جبران و یا کاهش تکانه ناشی از نوسان قیمت در تجارت را داشته باشد.

۷) تحلیل الگو و ساختار تجارت خارجی ایران و نقش و مداخلات دولت

الگو و ساختار تجارت خارجی ایران و نقش و مداخلات دولت در این قسمت گزارش تحلیل می‌شود. جدول (۴) نشان می‌دهد ارزش دلاری تجارت ایران از ۹۵٫۶ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۰ به ۷۳٫۹ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۹ با شاخص عملکرد ۷۷٫۳ و نرخ رشد سالانه ۲٫۸- درصد طی این دهه روبه کاهش گذاشته است. ارزش تجارت ایران در سال ۱۳۹۹ نسبت به ۱۳۹۸ از ۸۵ میلیارد دلار به ۷۳٫۸ میلیارد دلار با ۱۳- درصد روبه کاهش گذاشته است. با خروج یکجانبه دولت آمریکا از برجام (توافق برنامه جامع اقدام مشترک) و اجرایی شدن تحریم‌های مالی و اقتصادی در چند مرحله بعد از خروج، محیط تجارت خارجی کشور با شرایط کاملاً متفاوتی مواجه شد. البته از دلایل اصلی افت تجارت ایران طی این سالها علاوه بر مسائل تحریم، تضعیف بنیان‌های تولیدی و به خصوص سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی به دلیل استفاده از لنگر نرخ ارز اسمی و سرکوب توان تولید داخلی، خروج سرمایه و جهش ارزی طی دو سال ۱۳۹۰ و ۱۳۹۷ و تداوم آن تا پایان نیمه نخست ۱۳۹۹ بوده است. جهش‌های نرخ ارز از طرفی موجب افزایش هزینه مبادله و افزایش هزینه تامین مواد اولیه، واسطه‌ای و سرمایه‌ای تولید شده است و هر میزان تولید داخلی به این نوع واردات وابستگی بالایی داشته باشد، قدرت رقابت تولید داخلی را بیشتر کاهش می‌دهد و موجب از دست رفتن بازارهای صادراتی می‌شود؛ از طرف دیگر جهش‌های ارزی با ایجاد ناطمینانی در وضعیت بازارها موجب بی‌ثباتی در واردات نیز می‌شود (عدم تحقق شرط مارشال لرنر در تجارت ایران). این امر در بلندمدت منجر به بدتر شدن رابطه مبادله و تضعیف تجارت ایران در سطح بین‌الملل و حتی منطقه‌ای شده است. گفتنی است اپیدمی کووید-۱۹ (کرونا) در این سالها در کاهش تجارت ایران تاثیر داشته است؛ چراکه کرونا سطح تقاضای جهانی را کاهش داده است (به طوری که ارزش تجارت جهانی از ۳۷٫۶ تریلیون دلار در سال ۲۰۱۹ به ۳۴٫۶ تریلیون دلار در سال ۲۰۲۰، ۸٫۰- درصد کاهش یافته است (نقشه تجارت جهانی، ۲۰۲۱) و از آنجا که ایران صادرکننده مواد خام اولیه و محصولات واسطه‌ای و نیمه‌ساخته است، بنابراین صادرات و متعاقباً تجارت ایران متاثر از کاهش تقاضای جهانی، کاهش یافته است. از طرفی دیگر ریسک‌های عملیاتی نظیر تعطیلی کسب و کارها و گمرکات، سختی جابه‌جایی و تامین مالی و توقف حوزه خدمات پشتیبانی (لجستیک) و نظایر آن مزید بر علت شده و از کانال افزایش قیمت جهانی اغلب محصولات به دلیل کاهش تولید و به تبع آن کاهش تقاضا، باعث کاهش تقاضا و ارزش تجارت ایران شده است. برای نمونه خشکسالی و یا افزایش بیکاری به دلیل کرونا، به کاهش توان تولید و قدرت خرید، و متعاقباً به کاهش تقاضا منجر شده است. سهم ایران از تجارت جهانی با نوسان روبه کاهش و نرخ رشد تجارت ایران طی این بازه با رشد منفی توأم با نوسان شدید مواجه بوده است.

سال	صادرات (میلیارد دلار)	واردات (میلیارد دلار)	تراز تجاری (میلیارد دلار)	تجارت جهان (میلیارد دلار)	تجارت ایران* (میلیارد دلار)	سهم ایران از تجارت جهان	رشد تجارت ایران
۱۳۹۰ (۲۰۱۱)	۴۴٫۰	۶۱٫۸	-۱۷٫۸	۳۶۷۵۵٫۰	۹۵٫۶ (۱۰۵٫۸)	۰٫۲۸۸	...

۱۳۹۱ (۲۰۱۲)	۴۱,۴	۵۳,۵	-۱۲,۰	۳۷۱۲۸,۴	۸۶,۰ (۹۴,۹)	-۰,۲۵۶	-۱۰,۳۰
۱۳۹۲ (۲۰۱۳)	۴۱,۸	۴۹,۷	-۷,۹	۳۷۸۴۸,۱	۸۱,۳ (۹۱,۶)	۰,۲۴۲	-۳,۵
۱۳۹۳ (۲۰۱۴)	۵۰,۶	۵۳,۶	-۳,۰	۳۷۹۹۲,۰	۹۰,۱ (۱۰۴,۱)	-۰,۲۶۶	+۱۳,۶۵
۱۳۹۴ (۲۰۱۵)	۴۲,۴	۴۱,۵	+۰,۹	۳۳۱۵۸,۸	۷۷,۱ (۸۴,۰)	-۰,۲۵۳	-۱۹,۳۱
۱۳۹۵ (۲۰۱۶)	۴۴,۰	۴۳,۷	+۰,۴	۳۲۱۳۶,۰	۸۰,۴ (۸۷,۷)	-۰,۲۷۳	+۴,۴۰
۱۳۹۶ (۲۰۱۷)	۴۷,۰	۵۴,۵	-۷,۵	۲۵۱۰۷,۷	۹۴,۴ (۱۰۱,۴)	۰,۲۸۹	+۱۵,۶۲
۱۳۹۷ (۲۰۱۸)	۴۴,۷	۴۳,۲	+۱,۵	۳۸۷۳۲,۵	۸۲,۷ (۸۷,۸)	-۰,۲۲۷	-۱۳,۴۱
۱۳۹۸ (۲۰۱۹)	۴۱,۰	۴۴,۱	-۳,۱	۳۷۵۸۸,۰	۸۵,۱	-۰,۲۲۶	-۳,۰۸
۱۳۹۹ (۲۰۲۰)	۳۵,۰	۳۸,۹	-۳,۹	۳۴۶۱۱,۴	۷۳,۹	-۰,۲۱۴	-۱۳,۱۶

ماخذ: نگارنده بر مبنای داده‌ها (۱) گمرک ج. ا. ایران؛ (۲) اطلاعات آمار تجاری (https://www.trademap.org/Country_SelProduct_TS.aspx) (*)
 اعداد داخل پرانتز، ارزش تجارت کالایی (بدون احتساب نفت خام) ایران برگرفته از داده‌های گمرک ج. ا. ایران بوده است.

با بررسی سهم تجارت ایران از تجارت جهانی طی دهه ۱۳۹۰ نتیجه می‌شود سهم ایران از تجارت جهانی با نوسان روبه کاهش بوده و پس از سال ۱۳۹۷ وضعیت تجارت ایران بدتر شده و سهم ایران از تجارت جهانی در سال ۱۳۹۹ به ۰,۲۱۴ درصد سقوط کرده است. از طرفی علی‌رغم افزایش حجم تجارت جهانی از ۳۲,۱ تریلیون دلار در سال ۱۳۹۵ به ۳۴,۶ تریلیون دلار در سال ۱۳۹۹، حجم تجارت ایران از ۸۷,۷ میلیارد دلار به ۷۳,۹ میلیارد دلار کاهش یافته است که بیانگر روند ضداواری تجارت ایران در مقایسه با تجارت جهانی است. چنین روندی می‌تواند مبین ضعف ساختار رقابت کلی تجارت ایران از کانال‌هایی از جمله زیرساخت‌های تجارت (لجستیک، ترانزیت، بیمه، بازاریابی، حفظ ماندگاری در بازار و نظایر آن)، فقدان استراتژی توسعه تجارت به‌ویژه راهبرد توسعه صادرات، ضعف دیپلماسی اقتصادی-تجاری فعال و پویا و همچنین توجه ناکافی به اهمیت تجارت در اقتصاد ایران باشد. برای نمونه توقف و تاخیر در پهلویی‌گیری کشتی‌های ایرانی در کشورهای شرکای تجاری، فقدان کشتی‌های یخچال‌دار استاندارد و بی‌توجهی به مشکلات صادرکنندگان و ذی‌نفعان حوزه تجارت از سوی دستگاه‌های متولی تجارت از جمله این موارد است (اتاق تهران، ۱۳۹۹).

۱-۱-۷. تحلیل الگو و ساختار تجارت غیرنفتی ایران

بنا بر گزارش نهادهای تخصصی بین‌المللی از جمله سازمان جهانی تجارت حجم تجارت جهانی از ۳۷,۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ به ۳۴,۶ میلیارد دلار با کاهش ۳ تریلیون دلار، تا ۸,۰- درصد کاهش مواجه گردید. این امر تا حدی به علت افزایش تنش‌های تجاری و جنگ تعرفه‌ای بین ایالات متحده آمریکا و چین بوده است، اما عوامل ساختاری و چرخه‌ای خاص کشورها از جمله تغییر مواضع سیاست پولی در اقتصادهای توسعه‌یافته، تکانه‌های بزرگ اقتصادی، نوسانات مالی و عدم اطمینان ناشی از برگزیت در اتحادیه اروپا نیز در این کاهش تجارت سهم داشته‌اند. بنابراین تغییرات ساختاری رابطه بین تجارت و رشد در سطح بین‌الملل بعد از بحران مالی جهانی و حرکت اقتصادهای بزرگ به سمت حمایت‌گرایی و استفاده بیشتر از اقلام داخلی در توسعه صادرات، صحنه تجارت را با واقعیت‌های جدیدی روبرو ساخته است که کاهش سرعت تجارت جهانی و میزان رشد آن از نمودهای عینی آن است. در کنار این تغییرات، چند سال تحریم‌های یک و چندجانبه شدید علیه تجارت ایران اعم از نظام‌های

بانکی، بیمه‌ای و حمل‌ونقل، ساختار واردات و صادرات غیرنفتی کشور را دچار تغییرات جدی کرده است. در ادامه باختصار ابعاد تجارت تحلیل می‌شود:

الف. حجم کل مبادلات (تجارت) کالایی غیرنفتی ایران از منظر میزان و ارزش به ترتیب با ۱۳,۱- و ۱۳,۱۳- درصد تغییر به ۱۴۷,۴ میلیون تن و ۷۳,۹ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۹ شدیداً کاهش یافت. این تغییر اساساً متأثر از شرایط خاص خروج آمریکا از برجام در سال ۱۳۹۷ و متعاقباً اعمال تحریم‌های یک‌جانبه آن کشور و بعلاوه شیوع فراگیر جهانی ویروس کرونا (کووید-۱۹) به خصوص ماههای ابتدای سال ۱۳۹۹ بوده است.

ب. حجم صادرات کالا با احتساب میعانات گازی در سال ۱۳۹۹ از منظر میزان و ارزش صادرات به ترتیب با تغییرات ۱۵,۱- و ۱۴,۶- درصدی روبرو شد و به ۱۱۳,۷ میلیون تن و ۳۵,۰ میلیارد دلار شدیداً روبه کاهش گذاشت. در این سال رشد ارزش واحد کالاهای صادراتی با احتساب میعانات گازی تغییر محسوسی را شاهد نبوده است. باید توجه داشت که با کاهش ارزش پول ملی در سه سال ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۹ صادرات در ابتدا افزایش یافت. باین‌حال راه‌اندازی بازار ثانویه برای فروش ارز با قیمت‌های کمتر از بازار آزاد اجبار صادرکنندگان به عرضه ارز در این بازار، اثر تضعیف پول بر افزایش صادرات در ادامه این سال محدودتر شد. در واقع سیاست‌های دولت در زمینه پیمان‌سپاری ارزی، برخی ممنوعیت‌های صادراتی و محدودیت‌های ناشی از تحریم‌های آمریکا اجازه نداد که کاهش ارزش پول ملی به تقویت صادرات منجر شود. بعلاوه شیوع فراگیر جهانی ویروس کرونا (کووید-۱۹) میزان و ارزش صادرات غیرنفتی را شدیداً با کاهش مواجه کرد.

ج) حجم واردات ایران در سال ۱۳۹۹ از ابعاد ارزشی، مقداری و ارزش واحد دست‌خوش تغییراتی شد؛ به‌نحوی که، ارزش و میزان واردات به ترتیب با ۵,۸- و ۱۱,۷- درصدی به ۳۳,۷ میلیون تن و ۳۸,۹ میلیارد دلار شدیداً روبه کاهش گذاشت. در این سال ارزش واحد کالاهای وارداتی با کاهش ۶,۲- درصدی روبرو شد. این کاهش در ارزش واحد، در تغییر ساختار شرکاء و ماهیت کالاهای وارداتی ایران (کالاهای ضروری) ریشه دارد.

جدول (۵). ارزش و میزان صادرات، واردات، تراز و رابطه مبادله تجارت غیرنفتی ایران طی دوره ۹۹-۱۳۹۵

شاخص	واحد	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	درصد تغییرات			
		۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹
صادرات کالا (با میعانات گازی)	میزان (میلیون تن)	۱۲۹,۹	۱۳۲,۹	۱۱۷,۲	۱۳۳,۸	۱۱۳,۷	۱,۸	-۱۲	+۱۴	-۱۵,۱
	ارزش (میلیون دلار)	۴۴۰۴۲	۴۶۹۸۲	۴۴۳۱۰	۴۰۹۹۶	۳۴۹۹۸	۶۶	-۵,۷	-۷	-۱۴,۶
	ارزش واحد (دلار به ازای تن)	۳۳۹,۱	۳۵۳,۶	۳۷۸	۳۰۶,۴	۳۰۷,۸	۴,۲۸	۶,۹	-۱۸,۳	+۰,۵
واردات	میزان (میلیون تن)	۳۳,۴	۳۸,۹	۳۲,۱	۳۵,۸	۳۳,۷	۱۶,۳۵	-۱۷,۵	+۹	-۵,۸
	ارزش (میلیون دلار)	۴۳۶۸۴	۵۴۴۵۹	۴۲۶۱۲	۴۴۰۵۸	۳۸۸۹۳	۲۴	-۲۲	+۱	-۱۱,۷
	ارزش واحد (دلار به ازای تن)	۱۳۰۷,۹	۱۴۰۱,۴	۱۳۲۹,۵	۱۲۳۰,۷	۱۱۵۴,۱	۷,۱۵	-۵,۱	-۶,۹۷	-۶,۲
کل مبادلات تجارت غیرنفتی	میزان (میلیون تن)	۱۶۳,۳	۱۷۱,۷	۱۴۹,۳	۱۶۹,۶	۱۴۷,۴	۵,۱۷	-۱۳	+۱۲	-۱۳,۱
	ارزش (میلیون دلار)	۸۷۷۲۶	۱۰۱۴۴۱	۸۶۹۲۲	۸۵۰۵۴	۷۳۸۹۱	۱۵,۴	-۱۴	-۳	-۱۳,۱
	ارزش واحد (دلار به ازای تن)	۵۳۷,۲	۵۹۰,۷	۵۸۲,۳	۵۰۱,۵	۵۰۱,۳	۹,۹۴	-۱,۴	-۱۳,۷	-۰,۰۰۴

-۱۸,۶۳	+۱۵	-۱۰,۴	-۱,۵۱	+۸۰,۰	۹۸,۳۳	۸۵,۲	۹۵	۹۶,۵	میزان (میلیون تن)	تراز تجاری (با)
-۶۱,۸۲	-۲۶۰	۱۲۳	-۲۱۵۹	-۳۸۹۵	-۲۴۰۷	۱۶۹۸	-۷۴۷۷	۳۵۸	ارزش (میلیون دلار)	میعانات گازی)
+۱۵,۸۱	-۱۲,۱۱	۱۲,۸	-۲,۷۰	۲۶,۶۷	۲۳,۰۳	۲۸,۴۳	۲۵,۲۳	۲۵,۹۳	ارزش واحده صادرات به واحده واردات	رابطه مبادله

مأخذ: نتایج پژوهش بر مبنای داده‌های آماری سازمان توسعه تجارت ایران، ۱۳۹۵-۱۴۰۰.

د) تراز تجاری کشور در سال ۱۳۹۹ حساب جاری کالایی (تراز تجاری) کشور رقمی معادل ۳,۹- میلیارد دلار کسری را نشان می‌دهد. این کسری در تجارت ایران در شرایطی که ارزش خارجی پول ملی در این سه سال شدیداً تضعیف شده، ریشه در عمق بحران در تجارت ایران دارد. چراکه علی‌رغم انقباض شدید میزان و ارزش تجارت کالاهای غیرنفتی ایران (کاهش چشمگیر میزان و ارزش صادرات غیرنفتی توأم با تغییر ساختار شرکا و ماهیت کالاهای وارداتی و کاهش میزان و ارزش آن کالاها)، همچنان تراز تجاری با کسری مواجه است.

ه) شاخص باز بودن تجاری: درجه باز بودن یک اقتصاد مبین میزان مبادلات کالا و خدمات در اقتصاد یک کشور با دنیای خارج است. نسبت تجارت خارجی به تولید ناخالص داخلی و نرخ تعرفه گمرکی وضع شده برای واردات به عنوان شاخص‌هایی است که درجه باز بودن یک اقتصاد را نشان می‌دهند. در واقع چنانچه نسبت تجارت خارجی به اندازه اقتصاد داخلی بالا و روبه افزایش باشد و نیز نرخ متوسط تعرفه‌های گمرکی واردات پایین و روبه کاهش باشد، اقتصاد به شرایط رقابت و آزادی اقتصادی نزدیک‌تر و درجه باز بودن اقتصاد افزایش می‌یابد. شاخص باز بودن تجاری نقش آفرینی پایین تجارت در رشد اقتصاد ملی و عدم رشد بالاتر تجارت در مقایسه با اندازه اقتصاد نشان از پایین بودن شاخص باز بودن تجارت کشور دارد. هم‌زمان با دور جدید تحریم‌ها از سال ۱۳۹۷ تاکنون این شاخص روندی نزولی داشته است، حتی سطح شاخص باز بودن اقتصاد بدون احتساب نفت (با احتساب قاچاق) در مقایسه با تجارت با نفت در سطح نازلی است.

و) زنجیره‌های ارزش جهانی: بررسی روند تجارت و زنجیره‌های ارزش جهانی حکایت از بروز تغییرات ساختاری ژرف در وضعیت تجارت جهانی دارد و ضرورت دارد این تغییرات در تحولات ساختاری تجارت کشور مورد توجه قرار گیرد. اخیراً زنجیره‌های ارزش پیچیده‌ای شکل گرفته و فرآیند جهانی‌شدن به نقطه عطف خود رسیده است. عوامل مهمی که در وقوع این تغییرات اثرگذار هستند شامل رشد سهم مصرف در بازارهای نوظهور، کاهش وابستگی اقتصادهای نوظهور به واردات کالاها و نهادهای واسطه‌ای به دلیل ایجاد زنجیره‌های تأمین داخلی فراگیر و تأثیر فناوری نوین بر تغییر شکل زنجیره جهانی ارزش است. توسعه صادرات غیرنفتی نیازمند ظرفیت‌سازی در زنجیره‌های ارزش محصولات رقابت‌پذیر و بهبود فضای کسب‌وکار است. ظرفیت‌سازی در زنجیره‌ها مستلزم حمایت از شرکت‌ها و پروژه‌های بزرگ صادراتی است. ایجاد و توسعه چنین پروژه‌هایی برای کسب تکنولوژی و دانش فنی، به جذب و هدایت سرمایه‌های داخلی و خارجی در این زنجیره‌ها نیاز است. بدیهی است مشارکت در زنجیره‌های ارزش و جذب سرمایه‌های خارجی، انتقال تکنولوژی و دانش فنی نیازمند توجه به دیپلماسی تجاری و تنش‌زدایی در روابط سیاسی و اقتصادی با جهان است.

بر این اساس باید متذکر شد که اگرچه تجارت جهانی در کل به سمت ادغام و درهم‌تنیدگی بیشتری پیش رفته است، منتهی تجارت خارجی ایران در این سال‌ها به خصوص در سال ۱۳۹۹ در معرض عوامل محیطی بسیاری قرار گرفت و تمامی این تحولات با افزایش عدم قطعیت‌ها، نااطمینانی‌ها و ریسک تجاری، توسعه همکاری‌های اقتصادی و گسترش روابط تجاری ایران را با سایر کشورها کاملاً تحت الشعاع قرار داده است. برقراری روابط تجاری میان ایران و جهان، افزایش فرایندهای تجاری به علت افزایش زمان تجارت و هزینه مبادله و همچنین سخت‌تر شدن فرایندهای مالی و بانکی چالش‌های مهم تجارت ایران در این سال به واسطه تحریم‌ها بوده است. علاوه بر این در دو سال ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ دولت سیاست‌هایی را به منظور مدیریت منابع ارزی و واردات کشور در پیش گرفت که این سیاست‌ها نیز آثاری را بر حوزه تجارت داشت. اهم این موارد شامل تخصیص دلار ۴۲۰۰۰ ریالی به واردکنندگان قانونی و جلوگیری از عرضه ارز توسط صرافی‌ها با هدف کاهش تقاضای ارز از طریق ممانعت از تبدیل دارایی به ارز، محدودیت استفاده از ارز متقاضی و ارز موردنیاز واردات غیررسمی، ممنوعیت ثبت سفارش، اولویت‌بندی کالایی در چهار گروه مختلف، پیمان‌سپاری ارزی و راه‌اندازی بازار ثانویه ارز، قیمت‌گذاری و نظارت بر توزیع کالا و نظایر آن بوده است.

۱-۷-۲) روند رابطه مبادله تجارت کالاهای غیرنفتی ایران

برای رابطه مبادله تعاریف و روابط مختلفی ارائه شده است که می‌توان آنها را در سه دسته طبقه‌بندی کرد: نخست از تعاریف نمایانگر رابطه مبادله در مبادلات کالایی میان کشورها است که در این گروه می‌توان به رابطه تهاوتی خالص، ناخالص و درآمدی اشاره کرد. گروه دوم از تعاریف رابطه مبادله، معطوف به رابطه مبادله میان منابع تولیدی است که از آن جمله می‌توان به رابطه مبادله مضاعف عوامل تولیدی اشاره کرد و بالاخره گروه سوم از تعاریف رابطه مبادله، منافع به دست آمده از تجارت را بر اساس تحلیل مطلوبیت مورد بررسی قرار می‌دهند. از این میان به رابطه مبادله هزینه واقعی و رابطه مبادله مطلوبیت اشاره کرد. نظر به طبقه‌بندی فوق، به اجمال تعاریف و مفاهیم رابطه مبادله مورد استفاده، کاربرد آن در تجارت ایران ارائه می‌شود:

در سال ۱۳۹۹، صادرات قطعی کالاهای غیرنفتی ایران (به استثنای نفت خام، نفت کوره، نفت سفید و همچنین بدون صادرات از محل تجارت چمدانی)، بالغ بر ۱۱۳,۷ میلیون تن به ارزش ۳۵,۰ میلیارد دلار بوده است که در مقایسه با مدت مشابه سال قبل، وزنی ۱۵,۱- درصد و ارزش دلاری ۱۴,۶- درصد روبه کاهش گذاشته است. همچنین، واردات قطعی کالاهای ایران، بالغ بر ۳۳,۷ میلیون تن به ارزش ۳۸,۹ میلیارد دلار بوده است که در مقایسه با مدت مشابه سال قبل، وزنی ۵,۸- درصد و ارزش دلاری ۱۱,۷- درصد روبه کاهش گذاشته است. بنابراین ارزش واحد صادرات و واردات کالایی ایران به ترتیب ۳۰۷,۹ دلار به ازای یک تن و ۱۱۵۲,۹ دلار به ازای یک تن بوده است. برای سال ۱۳۹۹، ارزش واحد واردات ایران ۳,۷۴ برابر ارزش واحد صادرات بوده است. بدین ترتیب رابطه مبادله در تجارت کالایی ایران برای سال ۱۳۹۹، ۲۶,۷۴ واحد بوده است و در واقع بازای هر

^۱ انواع تعاریف، روابط و اصطلاحات به ترتیب عبارت است از: TOTg (Gross Barter Terms of Trade) ، TOTnb (Net Barter Terms of Trade) ، TOTs (Single Factoral Terms of Trade) ، TOTi (Income Terms of Trade) ، TOTtr (Real Terms of Trade) و TOTu (Utility Terms of Trade).

۳,۷۴ واحد صادرات، تنها یک واحد واردات به دست آمده است. این عدد برای رابطه مبادله، پایین بودن رابطه مبادله برای این سال نشان می دهد. مضافاً، رابطه مبادله تجارت غیرنفتی در سال ۱۳۹۸ از ۰,۲۸ واحد در سال ۱۳۹۷ به ۰,۲۵ واحد در سال ۱۳۹۸، با ۱۲- درصد بشدت روبه کاهش گذاشت. بدین ترتیب با وجود ارقام بسیار نازل این شاخص برای ایران، همچنان روبه وخامت گذارد. این امر بر ضرورت توجه بیشتر در سیاست گذاری، تحولات بنیادین در ساختار تجارت ایران بویژه صادرات غیرنفتی و افزایش ارزش کالاهای صادراتی کشور تأکید دارد. در غیر این صورت، تجارت کشور در بلندمدت به زیان منافع تجاری تغییر کرده و خواهد کرد و کمترین عواید متوجه کشور خواهد شد. جدول فوق به شکلی واضح مبین ساختار نامطلوب تجارت خارجی ایران است. چراکه:

نخست، در ابتدای دوره هر یک کیلوگرم محصول صادراتی ایران ۰,۵۷ دلار ارزش داشت، حال آن که هر یک کیلوگرم محصول وارداتی ۱,۶۱ دلار ارزش داشت؛ در واقع ارزش یک کیلوگرم محصول وارداتی نسبت به ارزش یک کیلوگرم محصول صادراتی ایران، ۲,۸۲ برابر بوده است. این شکاف و تفاوت ریشه در بافت، ساخت، ترکیب و ماهیت کالاهای وارداتی در مقایسه با کالاهای صادراتی ایران ریشه دارد. در واقع کالاهای صادراتی ایران غالباً منابع بر با ارزش افزوده پایین و در ابتدای زنجیره ارزش صنایع ساخته شده بوده است، حال کالاهای وارداتی ایران سرمایه بر با ارزش افزوده بالاتر و در انتهای زنجیره ارزش این صنایع می باشد. دوم، طی بازه زمانی، قیمت هر کیلو کالای صادراتی کم شده و قیمت هر کیلو کالای وارداتی روندی نامنظمی داشته است که در مجموع اثر آن منجر به وخامت رابطه مبادله خالص شده است. در واقع کاهش ارزش هر کیلو کالای صادراتی و افزایش ارزش هر کیلو کالای وارداتی کشور طی دوره، نشان می دهد که صادرات ایران بر کالاهایی متمرکز شده است که ارزش افزوده کمتری داشته است و بنابراین فناوری کمتری در آن نهفته و به تبع آن تجارت کشور، ارزآوری کمتر و ارزیابی بیشتری برای اقتصاد کشور در پی داشته است. سوم این که، تداوم رابطه مبادله کمتر از یک و کاهش آن نسبت به میانگین دوره، به معنای صادرات کالاهای خام و دارای ارزش افزوده پایین تر در مقابل واردات کالاهای با ارزش افزوده بیشتری است. بنابراین بسیار اهمیت دارد در سیاست های اقتصادی به صادرات کالا با ارزش افزوده بالاتر توجه ویژه ای صورت پذیرد. چهارم، این واقعیت به خوبی بیانگر عدم تحقق شرط مارشال- لرنر در تجارت خارجی ایران و متضرر شدن آن در نتیجه جهش های ارزی است که در ادبیات تجارت بین الملل از آن به «رشد قهقرا» نام برده شده است.

۲-۷. تحلیل الگو و ساختار صادرات غیرنفتی ایران

۱-۲-۷- ساختار صادرات به تفکیک بخش های عمده طی سال های ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۹

در جدول (۶)، ساختار صادرات غیرنفتی ایران به تفکیک بخش های عمده طی سال های ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۹ ارایه شده است. ساختار صادرات کالایی ایران همچنان متکی بر مواد خام اولیه و مبتنی بر محصولات صنایع منابع بر و انرژی بر بوده است، به طوری که ارزش واحد صادراتی نازل بوده و پیوسته نازل تر نیز شده است. با دقت در آن نتیجه می شود در گام نخست، ارزش صادرات فصول مربوط به مشتقات نفتی و انرژی برها با وجود افزایش وزنی، ارزش واحد صادراتی روبه کاهش گذاشته است. در گام دوم، محصولات غذایی با منشاء کشاورزی قرار دارند و در

مرحله بعد مواد اولیه خام از جمله نمک، خاک و سنگ قرار دارند. با دقت در ساخت، بافت و ترکیب صادرات کالاهاى غیرنفتى ایران نتیجه مى شود همچنان جای محصولات صنایع کارخانه‌ای با ارزش افزوده بالا به خصوص دانش بنیان، مبتنی بر تحقیق و توسعه با فناوری بالا کاملاً خالی بوده و همچنان جایگاهی نداشته است. بی‌تردید این ترکیب صادرات و تغییرات آنها که اساساً مبتنی بر منابع طبیعی و سوختی خدادادی است و نظر به فقدان پیچیدگی‌های محصولی، نمی‌توانند برای کشور به رشد درونزا منجر شود؛ در واقع تجارت رشد اقتصادی را حمایت نمی‌کند. مضافاً اشتغال‌زایی پایینی داشته و به بهبود اشتغال در بازار کار نیز منجر نمی‌شود. در دو سال ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹، ساختار صادرات غیرنفتی بر حسب گروه کالایی کاملاً به‌رهم‌ریخته و ناشفاف و مبتنی بر تحلیل کارشناسی نبوده است؛ چراکه درحالی که در سال ۱۳۹۸ نزدیک نیمی از میزان ارزش صادرات در ذیل گروه "سایر" آورده شده است، در سال ۱۳۹۹ نزدیک همان نسبت برای پتروشیمی و میعانات گازی لحاظ شده است.

جدول (۶). ساختار صادرات غیرنفتی کشور به تفکیک بخش‌های عمده طی دوره ۹۹-۱۳۹۷ (میلیون دلار، هزارتن، درصد)

بخش		۱۳۹۹		سه‌م						تغییرات نسبت به سال قبل	
		وزن	ارزش	۱۳۹۷		۱۳۹۸		۱۳۹۹		۱۳۹۸	
		هزارتن	میلیون دلار	وزن	ارزش	وزن	ارزش	وزن	ارزش	وزن	ارزش
صنعت (کلیه صنایع تولیدی به جز صنایع زیر)		۲۵۴۹	۳۵۴۶	۳۹	۴۳	۳۲۰۱	۳۷۴۹	۱۰۱۳	۳۱۲	۴۰۱۸	۱۱۸
(پتروشیمی و میعانات گازی)		۵۷۹۲۴	۱۷۵۰۴	۲۶	۱۹	۵۰۰۱	۵۰۹۶	۲	۲	۴	۳
معادن و صنایع معدنی		۴۳۳۲۲	۷۵۰۲	۳	۲۳	۳۰۱	۱۶۳۹	۲۱۴۴	۳۸۱۱	۳۵	۱۵
کشاورزی و صنایع غذایی		۸۸۳۸	۶۱۷۳	۸	۵	۹۷۳	۴۰۳	۱۷۶۳	۷۷۷	۲	۹
فروش و صنایع دستی		۲۵۰	۱۳۱۰	۱	ناچیز	۰۰۱	۰۰۱	۰۰۲	۰۰۲	۳۴	۳۵
سایر		۱۶۰	۱۵۱۰			۰۰۱	۰۰۱	۰۰۱	۰۰۱	۰۰۱	۰۰۱
مجموع*		۱۱۳۶۷۴	۳۴۹۹۸	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

مأخذ: وزارت صنعت، معدن و تجارت، آمار صادرات به تفکیک بخش‌ها بر اساس گروه‌بندی معاونت توسعه صادرات کالا و خدمات سازمان توسعه تجارت، طی سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۴۰۰.

۲-۷-۲. ساختار صادرات غیرنفتی بر حسب اقلام عمده صادراتی

ساختار صادرات غیرنفتی بر حسب ۱۰ قلم عمده کالایی در دو سال ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ در جدول (۷) درج است. مطابق آن آمارها، در سال ۱۳۹۹، ۳۰ درصد از کل ارزش صادرات کالایی ایران مربوط به فصل ۲۷ و نزدیک ۷۰ درصد بقیه (۲۴،۵ میلیارد دلار) مربوط به سایر اقلام بوده است. در میان اقلام صادرات غیرنفتی ایران (بدون احتساب فصل ۲۷)، ارزش صادرات ارزش صادرات «پلی‌اتیلن گرید فیلم با چگالی کمتر از ۹۴٪» ۱،۵ میلیارد دلار و سهم ۶ درصد از ارزش صادرات ایران را دارد. متوسط قیمت صادراتی این محصول ۹۶۵ دلار به ازای هر تن بوده است. متانول و پسته به ارزش ۱،۲ و ۱،۱ میلیارد دلار و با سهم ۴،۸ و ۴،۶ درصد در مراتب دوم و سوم قرار دارند. متوسط قیمت آن دو ۱۵۳ و ۶۲۲۶ دلار به ازای هر تن بوده است. همچنین در این دو سال ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ تمرکز ۱۰ قلم کالاهاى صادراتی از ۲۰ درصد به ۳۴،۲ درصد، با ۱۴،۲ واحد درصد شدیداً روبه افزایش گذاشته است. در دو سال ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ اقلام عمده صادراتی کشور عمدتاً وابسته به منابع نفت و گاز هستند. در این میان میعانات گازی و محصولات نیمه‌ساخته ابتدای زنجیره ارزش بخش مهمی از صادرات غیرنفتی را تشکیل می‌دهند.

ماهیت اقلامو ساختار تجاری با تمرکز بالا، قدرت چانه‌زنی پایین و آسیب‌پذیری بالای تجارت غیرنفتی ایران را نشان می‌دهد. «فقدان تنوع در اقلام صادراتی با ارزش بالا» و «ضعف عمومی در توانمندی بنگاه‌های صادراتی» از عمده علل توسعه‌نیافتگی در بازارهای هدف صادراتی است. سید صادراتی دنیا ۸ هزار قلم کالا و سید صادراتی ایران کمی بیش از نیمی از آن، ۴۳۷۶ قلم کالا است. جدا از این موارد، تعاملات تجاری با کشورهای، تنش‌زدایی با دنیا، برقراری روابط کارگزاری بانکی با کشورهای هدف، ثبات اقتصادی به‌ویژه در سیاست ارزی، بهبود زیرساخت تجاری و نظایر آن سایر دلایل مهم تأثیرگذار بر ترکیب صادرات و رقابت‌پذیری کشور هستند.

جدول (۷). اقلام عمده صادرات غیرنفتی کالایی کشور ۱۳۹۸-۹۹، (میلیون دلار، هزارتن، درصد، دلار به ازای یک تن)

عنوان کالاها/سال	کد تعرفه	ارزش		وزن		سهم ارزشی		تغییرات ارزشی		تغییرات وزنی		قیمت ۱۳۹۹
		۱۳۹۹	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۳۹۸	
۱. پلی‌اتیلن گرید فیلم با چگالی کمتر از ۹۴درصد	۳۹۰۱۱۳۰	۱۰۷۵	۱۴۶۰	۱۲۶۲	۱۵۱۳	۲۶	۶۰	-۱۵	+۳۵۸	+۷	۱۹,۹	۱۵۱۳
۲. متانول	۲۹۰۵۱۱۰۰	۱۱۰۲	۱۱۷۶	۵۹۹۳	۷۶۸۸	۲,۷	۴,۸	-۱۸	+۶,۷	+۳۹	+۲۸,۳	۷۶۸۸
۳. پسته با پوست تازه یا خشک	۰۸۰۲۵۱۰۰	۷۱۵	۱۱۳۹	۹۱	۱۸۱	۱,۷	۴,۶	+۱۲۰	+۵۷,۹	+۱۱۷	+۹۸,۹	۶۲۳۶
۴. شمش از آن و فولاد غیرمزوج	۷۳۰۶۱۰۰۰	۸۵۳	۹۴۰	۲۲۸۴	۲۳۴۰	۲,۱	۳,۸	+۶۳	+۱,۰	+۶۵	+۲,۵	۴۰۲
۵. پلی‌اتیلن گرید فیلم با چگالی ۹۴درصد یا بیشتر	۳۹۰۱۳۰۲۰	۷۷۵	۸۸۰	۹۱۷	۱۰۶۸	۱,۹	۳,۶	-۱۹	+۱۳,۵	+۱۰	+۱۶,۵	۸۲۴
۶. سایر محصولات نیمه‌تمام از آهن یا فولادهای غیرمزوج	۷۳۰۷۱۱۹۰	۸۰۸	۷۴۷	۲۱۲۷	۱۸۷۴	۲,۰	۳,۱	+۹۹	-۷,۵	+۱۱۹	-۱۱,۹	۳۹۹
۷. کاند و قطعات کاتود از مس تصفیه شده	۷۴۰۳۱۱۰۰	۸۰۷	۷۱۹	۱۲۳	۱۱۱	۲,۰	۲,۹	+۱۴۱	-۱۰,۹	+۷۸	-۹,۸	۶۴۸۵
۸. اوره حتی به صورت محلول در آب	۳۱۰۲۱۰۰۰	۷۶۲	۷۰۵	۴۱۲۲	۳۸۶۹	۱,۸	۲,۹	-۹	-۷,۵	+۱۷	-۶,۱	۱۸۲
۹. محصولات نیمه‌تمام از آهن/ فولاد غیرمزوج	۷۳۰۷۱۲۹۰	۷۰۵	۶۷۹	۱۸۵۹	۱۵۹۸	۱,۷	۲,۸	-۲۰	-۳,۷	-۱۱	-۱۴,۰	۴۲۵
۱۰. میله‌های آهنی یا فولادی، گرم نوردشده دارای دندانه	۷۳۱۴۲۰۰۰	۵۸۳	۶۴۴	۱۴۵۰	۱۴۴۶	۱,۴	۲,۶	+۵۳	+۱۰,۵	+۸۹	-۰,۲	۴۴۶
جمع ۱۰ قلم عمده		۸۱۸۵	۹۰۷۹	۲۰۲۲۹	۲۱۶۸۸	۲۰	۳۴,۲	+۱۳	+۱۰,۹	+۳۳	+۷,۲	

مأخذ: سازمان توسعه تجارت ایران بر مبنای داده‌های گمرک ج.ا. ایران، طی سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۰.

۳-۲-۷. تحلیل الگو و ساختار صادرات غیرنفتی برحسب مهم‌ترین شرکای صادراتی

در سال ۱۳۹۹، ۵ کشور چین، عراق، امارات متحده عربی، ترکیه و افغانستان عمده مقاصد صادرات کالایی (بدون احتساب نفت) ایران بوده‌اند به گونه‌ای که این ۵ کشور، نزدیک ۷۴,۱ درصد از کل ارزش صادرات غیرنفتی را از آن خود دارند. چین با سهم ۲۶ درصدی بالاترین ارزش صادرات ایران در سال ۱۳۹۹ داشته و عراق با سهم ۲۱,۳ درصد و امارات با ۱۳,۱ درصد، در مراتب دوم تا سوم قرار دارند. در سال ۱۳۹۹ صادرات به ۴ کشور از ۵ کشور نخست نسبت به سال ۱۳۹۸ با کاهش همراه بوده و بیشترین کاهش نیز در صادرات به ترکیه با ۵۰ درصد رخ داده است. تنوع پایین در بازارهای هدف صادراتی از ویژگی‌های فعلی صادرات غیرنفتی است که با وضع مجدد تحریم‌ها از اردیبهشت سال ۱۳۹۷ متمرکزتر نیز شده است. عمده‌ترین شرکای صادراتی سال ۱۳۹۹ پنج کشور چین، عراق، امارات، ترکیه و افغانستان سهمی ۷۴ درصد از صادرات غیرنفتی دارند که در مقایسه با سال قبل، ۶,۳ واحد درصد متمرکزتر شده است. نزدیک سه چهارم از صادرات غیرنفتی منحصراً روانه این پنج بازار می‌شود که وابستگی بالای صادرات غیرنفتی کشور به بازار این پنج کشور را نشان می‌دهد. تمرکز بیش از حد مناطق

هدف صادراتی ایران، آسیب‌پذیری صادرات کشور را افزایش می‌دهد و بدیهی است که در این حالت قدرت چانه‌زنی فعالان و تجار را در بازار این کشورها به مراتب کاهش می‌دهد.

در حوزه صادرات غیرنفتی از بعد کشوری، تعداد پایین کشورهای مؤثر در جذب اقلام ایرانی، حذف بازارهای اروپایی از سبد صادرات، تمرکز بالا در مناطق راهبردی و حذف برخی بازارهای سنتی در منطقه آسیای شرقی از جمله واقعیت‌های اصلی این حوزه‌اند. ویژگی صادرات ایران، وابستگی بالای آن به منطقه و پیرامون است. در سال ۱۳۹۹ نسبت های تمرکز ۴، ۱۰ و ۲۰ کشوری از صادرات غیرنفتی به ترتیب ۶۷،۷ و ۸۵،۷ و ۹۳،۲ درصد بوده است که نسبت به سال ۱۳۹۸ بازارهای عمده صادراتی ایران متمرکزتر شده است. در میان ۲۰ کشور نخست صادراتی ایران در سال ۱۳۹۹ کشورهای ترکیه، هند، اندونزی، تایلند، قطر، ازبکستان و عراق با کاهش رشد نسبت به سال ۱۳۹۸ مواجه شدند، و تنها کشورهای عمان، آذربایجان، ارمنستان و روسیه توانسته‌اند جایگاهشان را در صادرات با ایران ارتقا داده‌اند. در سال ۱۳۹۹ از بین ۲۰ کشور نخست هدف صادراتی، تنها آلمان با رتبه‌های ۱۵ از اتحادیه اروپا حضور دارند. باید توجه داشت، اگرچه یکی از تحولات اساسی که تجارت جهانی را در این سال تحت تأثیر قرار داد جنگ تجاری بین آمریکا و چین بود و ایران فرصت‌هایی را در جهت بهبود تجارت خود داشت با این حال، تحریم‌ها تا حدودی فرصت کنش‌های مقتضی را جهت توسعه صادرات و حضور در بازارهای جدید را محدودتر کرد. مضافاً در ماههای نخست ۱۳۹۹ با شیوع فراگیر کووید-۱۹ و محدودیت در فرایند ترخیص گمرکی، صادرات غیرنفتی با رکود جدی مواجه شد.

جدول (۸). ساختار و تمرکز صادرات کالاهای غیرنفتی ایران با شرکای تجاری دوره ۹۹-۱۳۹۶ (میلیون دلار، درصد)

	۱۳۹۹			۱۳۹۸			۱۳۹۷			۱۳۹۶		
	کشور	صادرات	سهم	کشور	صادرات	سهم	کشور	صادرات	سهم	کشور	صادرات	سهم
۱	چین	۹۰۶۵	۱۹،۳	چین	۹۵۲۰	۲۳،۰	چین	۹۲۱۸	۲۰،۸	چین	۹۰۶۵	۱۹،۳
۲	امارات	۶۷۶۴	۱۴،۴	عراق	۸۹۹۲	۲۱،۷	عراق	۸۹۶۱	۲۰،۲	عراق	۶۷۶۴	۱۴،۴
۳	عراق	۶۴۲۵	۱۳،۷	امارات	۵۰۴۶	۱۲،۲	ترکیه	۵۹۵۵	۱۳،۴	امارات	۶۴۲۵	۱۳،۷
۴	کره جنوبی	۴۳۸۰	۹،۳	ترکیه	۴۵۰۱	۱۰،۹	امارات	۲۹۲۷	۶،۶	افغانستان	۴۳۸۰	۹،۳
۵	ترکیه	۳۹۹۱	۸،۵	افغانستان	۳۳۶۱	۵،۷	افغانستان	۲۵۶۸	۵،۸	کره جنوبی	۳۹۹۱	۸،۵
۶	افغانستان	۲۷۹۲	۵،۹	هند	۱۵۷۹	۳،۸	هند	۲۳۶۹	۵،۳	ترکیه	۲۷۹۲	۵،۹
۷	هند	۲۷۳۵	۵،۸	پاکستان	۱۱۰۸	۲،۷	پاکستان	۲۰۴۳	۴،۶	هند	۲۷۳۵	۵،۸
۸	پاکستان	۹۳۱	۲	اندونزی	۹۱۴	۲،۲	اندونزی	۱۲۴۷	۲،۸	پاکستان	۹۳۱	۲
۹	تایلند	۷۳۱	۱،۶	تایلند	۶۳۴	۱،۵	تایلند	۷۸۷	۱،۸	اندونزی	۷۳۱	۱،۶
۱۰	اندونزی	۶۴۵	۱،۴	روسیه	۵۲۷	۱،۳	عمان	۷۲۹	۱،۶	عمان	۶۴۵	۱،۴
۱۱	تایوان	۵۷۳	۱،۲	تایلند	۴۵۸	۱،۱	روسیه	۷۱۰	۱،۶	تایلند	۵۷۳	۱،۲
۱۲	عمان	۵۲۱	۱،۱	عمان	۴۳۰	۱،۰	آذربایجان	۴۱۱	۰،۹	آذربایجان	۵۲۱	۱،۱
۱۳	ژاپن	۴۲۵	۰،۹	ارمنستان	۳۷۶	۰،۹	ارمنستان	۴۰۰	۰،۹	ترکمنستان	۴۲۵	۰،۹
۱۴	ایتالیا	۴۲۳	۰،۹	ترکمنستان	۲۹۰	۰،۷	ترکمنستان	۲۸۱	۰،۶	روسیه	۴۲۳	۰،۹
۱۵	ترکمنستان	۴۱۸	۰،۹	آلمان	۲۸۷	۰،۷	ج. کره	۲۷۹	۰،۶	تایوان	۴۱۸	۰،۹
۱۶	هنگ کنگ	۳۷۹	۰،۸	قطر	۲۳۴	۰،۶	قطر	۲۷۶	۰،۶	ایتالیا	۳۷۹	۰،۸
۱۷	ویتنام	۳۶۴	۰،۸	ازبکستان	۲۳۲	۰،۶	ازبکستان	۲۵۴	۰،۶	آلمان	۳۶۴	۰،۸
۱۸	آلمان	۳۶۰	۰،۸	آلمان	۲۰۰	۰،۵	آلمان	۲۵۳	۰،۶	کویت	۳۶۰	۰،۸
۱۹	سوریه	۳۲۶	۰،۷	ازبکستان	۱۸۹	۰،۵	مالزی	۲۴۷	۰،۶	مالزی	۳۲۶	۰،۷
۲۰	آذربایجان	۳۲۴	۰،۷	میانمار	۱۸۶	۰،۵	کویت	۲۴۱	۰،۵	ژاپن	۳۲۴	۰،۷

جمع ۴ کشور	۲۶۶۳۴	۵۶,۶۹	۴ کشور	۲۷۰۶۱	۶۱,۰۷	۴ کشور	۲۸۰۵۹	۶۷,۸۲	+۶,۷۵	۴ کشور	۲۳۶۰۲,۹۶	۶۷,۷۱	-۰,۱۱
جمع ۱۰ کشور	۳۸۴۵۹	۸۱,۹	۱۰ کشور	۳۶۸۰۴	۸۲,۹	۱۰ کشور	۳۲۳۵۴	۸۵,۰	-۱۲,۱	۱۰ کشور	۲۹۸۸۳,۳۷	۸۵,۷۲	+۰,۷۲
جمع ۲۰ کشور	۴۳۵۷۲	۹۰,۷	۲۰ کشور	۴۰۱۵۶	۹۰,۶	۲۰ کشور	۳۸۰۶۳	۹۲,۰	-۰,۰	۲۰ کشور	۳۲۴۷۸,۳۳	۹۳,۱۷	+۱,۱۷
جمع کل	۴۶۹۸۲		جمع کل	۴۴۳۱۰		جمع کل	۴۱۳۷۰		-۶,۶۴	جمع کل	۳۴۸۶۰,۸۴		-۱۵,۷۳

مأخذ: محاسبات بر مبنای داده های آماری گمرک ج.ا. ایران، طی سال های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰.

نظر به این که هم اینک کالاهای صادراتی با قیمت و ارزش واحد نازل جایگاه مسلط در صادرات غیرنفتی ایران دارند، به نظر می رسد حداقل بخش مهمی از مسیر توسعه از تحولات و اصلاحات ساختاری صادرات ایران می گذرد. طی دوره صادرات ایران به اتحادیه اروپا از لحاظ ارزش واحد صادراتی حداقل دو برابر سایر مناطق و بلوک ها بوده است. این ارزش واحد بالای صادراتی به اتحادیه اروپا ریشه در ماهیت و ساختار صادرات دارد. مضافاً از دیدگاهی می توان عنوان داشت که ارتباط تجاری با اتحادیه اروپا نظر به بازاری کاملاً متمایز، همیشه می تواند به نفع ایران باشد. در واقع تجارت با اتحادیه اروپا آثار سرریز و ابعاد جانبی مثبت بالاتری دارد.

۳-۷. واردات ایران

۱-۳-۷. ساختار واردات بر حسب نوع مصرف

جدول (۹) ساختار ارزش واردات به تفکیک نوع مصرف طی سال های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹ نشان می دهد. همان طوری که طی دوره کل واردات از ۶۲ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۰ به ۳۸,۱ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۹، با ۳۸,۵- درصد شدیداً روبه کاهش گذاشته است، ارزش و ساختار واردات به تفکیک نوع مصرف نیز تاثیر پذیرفته است، به طوری که ارزش واردات کالاهای واسطه ای از ۴۴,۰ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۰ به ۲۷,۱ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۹ با ۳۸,۴- درصد، ارزش واردات کالاهای سرمایه ای از ۱۰ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۰ به ۵,۶ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۹، با ۴۴- درصد و ارزش واردات کالاهای مصرفی از ۸,۰ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۰ به ۵,۱ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۹، با ۳۶,۳- درصد بشدت روبه کاهش گذاشته است. سهم واردات کالاهای واسطه ای در کل واردات همواره بیشترین سهم از واردات بوده است، به طوری که طی دوره میانگین سهم سالانه آن ۶۹ درصد بوده است و حد پایین و بالای آن ۶۵ درصد در سال ۱۳۹۵ و ۷۴ درصد در سال ۱۳۹۱ بوده است. واردات کالاهای واسطه ای می تواند با تامین مواد اولیه مورد نیاز بخش تولید، برخی صنایع در داخل رقابتی تر کند، البته افزایش فزاینده سهم آن، میزان وابستگی صنایع داخلی به تامین مواد اولیه از خارج را نشان می دهد. این امر فرایند تولید برخی کالاهای واسطه ای مانند قطعه سازان را با مشکل مواجه می کند.

طی دوره، میانگین سهم سالانه واردات کالاهای مصرفی از کل واردات ۱۳,۵ درصد بوده است که حد پایین و بالای آن ۱۱,۰ درصد در سال ۱۳۹۱ و ۱۸,۵ درصد در سال ۱۳۹۶ بوده است. بررسی ترکیب واردات کالاهای مصرفی مبین سهم بالای کالاهای اساسی بوده و مبین امنیت غذایی پایین به دلیل وابستگی به تامین کالاهای اساسی کشاورزی به واردات است. در تایید این ادعا، ۱۰ قلم عمده کالاهای وارداتی مصرفی از آن ذرت دامی، برنج، کنجاله، سویا، گندم، دانه های روغنی، جو، شکر خام و نظایر آن است که طی دوره سهم متغیری دارند.

بعلاوه، طی دوره، میانگین سهم سالانه واردات کالاهای سرمایه‌ای از کل واردات ۱۶,۰ درصد بوده است که حد پایین و بالای آن طی دوره ۱۴,۳ درصد در سال ۱۳۹۸ و ۲۰,۰۲ درصد در سال ۱۳۹۵ بوده است.

با بررسی ساختار واردات به تفکیک نوع مصرف کالاها، مشخص است طی دوره سهم واردات کالاهای سرمایه‌ای (۱۶,۰ درصد) همواره بیش از سهم واردات کالاهای مصرفی (۱۳,۵ درصد) است، به استثناء سال ۱۳۹۶. بعلاوه واردات کالاهای واسطه‌ای همواره سهم بیشتری نسبت به واردات کالاهای مصرفی و سرمایه‌ای است. در مجموع طی دوره، سالانه ۸۵ درصد واردات از آن واسطه‌ای و سرمایه‌ای است.

روند کاهشی واردات کالاهای سرمایه‌ای توأم با روند افزایشی نسبی واردات کالاهای مصرفی طی دوره، زنگ خطری برای کاهش تمایل به سرمایه‌گذاری در بخش تولید داخلی و تضعیف بنیان‌های اقتصادی کشور است که از دلایل آن از جمله تثبیت نرخ ارز اسمی طی آن سال‌ها می‌باشد. البته از تشدید فشار تحریم‌ها و متعاقباً سیاست‌های مخمل تولید نمی‌توان غافل شد؛ چراکه طی دوره سرمایه‌گذاری خارجی از رقم ۴,۳ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۰ به ۱,۰ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۹ روبه کاهش گذاشت.

ترکیب واردات برحسب نوع مصارف نشان می‌دهد که ساختار مصرفی واردات متأثر از تحریم‌های اخیر، دستخوش تغییراتی اساسی شده است. از بهار سال ۱۳۹۷ با وضع تحریم‌ها در واردات هر سه نوع کالا ابتدا کاهش قابل توجهی ایجاد گردید؛ به نحوی که کالاهای واسطه‌ای ۱۵,۸ درصد، کالاهای مصرفی ۳۰,۴ درصد و کالاهای سرمایه‌ای ۱۹,۲ درصد با کاهش مواجه شدند اما در سال ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ واردات واسطه‌ای و مصرفی افزایش، و واردات سرمایه‌ای روبه کاهش گذاشته است. همچنین در گروه «سایر»، بخش قابل توجهی از اقلام ممنوعه و لوکس بود که با کاهش قابل توجه در واردات در هر دو سال روبرو شده است. بنابراین کاهش واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای یکی از کانال‌های اثرگذاری بر کاهش تولید و رشد صنعتی است، که تا حدی در سال ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ جبران شد. بعلاوه، با توجه به محدودیت‌های ارزی در تأمین مالی واردات و سیاست تجاری در این حوزه مبنی بر رصد و پایش کالاهای وارداتی، واردات اقلام مصرفی با وجود کاهش بیش از ۳۰ درصد در سال ۱۳۹۷ و تداوم کاهش آن در دو سال ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ تهدیدکننده است.

جدول (۹). ساختار واردات ایران به تفکیک نوع مصرف کالاها طی دوره ۱۳۹۰-۱۳۹۹ (میلیارد دلار، درصد)

شرح	واسطه‌ای			سرمایه‌ای			مصرفی			طبقه‌بندی نشده		کل واردات	
	ارزش	سهم	رشد	ارزش	سهم	رشد	ارزش	سهم	رشد	ارزش	سهم	رشد	ارزش
۱۳۹۰	۴۴,۰	۷۱,۰	-	۱۰,۰	۱۶,۱	-	۸,۰	۱۲,۹	-	۶۲,۰	-
۱۳۹۱	۴۰,۰	۷۴,۱	-۹,۱	۸,۰	۱۴,۸	-۲۰,۰	۶,۰	۱۱,۰	-۲۵,۰	۵۴,۰	-۱۲,۹
۱۳۹۲	۳۶,۰	۷۳,۴	-۱۰,۰	۷,۰	۱۴,۳	-۱۲,۵	۶,۰	۱۲,۲	۰,۰	۴۹,۰	-۹,۳
۱۳۹۳	۳۵,۰	۶۸,۶	-۲,۸	۹,۰	۱۷,۷	+۲۸,۶	۷,۰	۱۳,۷	+۱۶,۷	۵۱,۰	+۴,۱
۱۳۹۴	۲۷,۰	۶۹,۲	-۲۲,۹	۷,۰	۱۸,۰	-۲۲,۲	۵,۰	۱۲,۸	-۲۸,۶	۳۹,۰	-۲۳,۵
۱۳۹۵	۲۶,۰	۶۵,۰	-۳,۷	۸,۰	۲۰,۰	+۱۴,۳	۶,۰	۱۵,۰	+۲۰,۰	۴۰,۰	+۲,۶
۱۳۹۶	۳۲,۰	۵۹,۳	+۲۳,۱	۸,۰	۱۴,۸	۰,۰	۱۰,۰	۱۸,۵	+۶۶,۶	۷,۴	۴,۰	۵۴,۰	+۳۵,۰
۱۳۹۷	۲۷,۰	۶۲,۸	-۱۵,۶	۷,۰	۱۶,۳	-۱۲,۵	۷,۰	۱۶,۳	-۳۰,۰	۴,۷	۲,۰	۴۳,۰	-۲۰,۴

۱۳۹۸	۳۱,۰	۷۳,۶	+۱۴,۸	۶,۰	۱۴,۳	-۱۴,۳	۵,۰	۱۱,۹	-۲۸,۶	۰,۱	۰,۲	۴۲,۱	-۲,۱
۱۳۹۹	۲۷,۱	۷۱,۴	-۱۲,۶	۵,۶	۱۴,۶	+۲,۱	۵,۱	۱۳,۳	+۲,۰	۰,۳	۰,۷	۳۸,۱	-۹,۵
میانگین دوره	۳۲,۵	۶۸,۷	-۳۸,۴	۷,۶	۱۶,۰	-۴۴,۰	۶,۵	۱۳,۵	-۳۶,۳	۴۷,۲	-۳۸,۵

ماخذ: بانک اطلاعاتی سری زمانی بانک مرکزی (<https://tsd.cbi.ir/display/content.aspx>)

در حوزه واردات افزایش تمرکز درمبادی وارداتی و حرکت از واردات مستقیم به سمت واردات غیرمستقیم با واسطه، پیش افتادن منطقه آسیای شرقی با هزینه حمل بالا و کاهش واردات از منطقه با مزیت آسیای مرکزی، و جنوب غربی، از مهمترین تغییرات بوده است. چنانچه نگاهی به ساختار وارداتی کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه انداخته شود، مشاهده می شود که بخش عمده ای از واردات از کشورهای توسعه یافته را عموماً اقلام واسطه ای تشکیل می دهد که صرف تولید کالاهای مصرف داخلی و نیز صرف صادرات می شود. بنابراین سهم عمده ای از واردات را اقلام واسطه ای تشکیل داده اند. باید توجه داشت که کاهش واردات واسطه ای و سرمایه ای نشانی از رکود بخش صنعت دارد. در نتیجه تحریم ها و ضرورت جانشین سازی برخی اقلام فاقد امکان واردات، واردات واسطه ای از منطقه آسیای جنوب غربی به سمت منطقه آسیای شرقی جابه جا شده است

۲-۳-۷. تحلیل الگو و ساختار واردات برحسب اقلام عمده وارداتی

ساختار واردات کالایی از شرایط تحریم ها و تنگنای ارزی ناشی از آن متاثر بوده است. با دقت در آن نتیجه می شود ارزش واردات اقلام کالاهای مربوط به امنیت غذایی از جمله غلات، چربی ها و روغن ها افزایش یافته است. در مرحله بعد مواد اولیه و قطعات صنایع کارخانه ای از جمله ماشین آلات، کاغذ و مقوا و محصولات دارویی روبه افزایش بوده است. در واقع مدیریت واردات به سمت سویی حرکت کرده که در گام نخست نیازهای وارداتی ضروری حداقل معیشت را فراهم آورده، در مرحله دوم، ارزش واردات حوزه نیازهای سلامت و بهداشت با محوریت محصولات دارویی بوده و در مرحله بعد مبتنی بر مواد اولیه صنعت است.

در سال ۱۳۹۹ ارزش واردات ذرت دامی با ۲,۵ میلیارد دلار و سهم ۶,۵ درصد رتبه نخست از آن خود دارد. گوسی تلفن همراه و برنج نیمه سفید شده با سهم ۶,۳ و ۲,۴ درصد در مراتب دوم و سوم قرار دارند. ترکیب واردات برحسب اقلام کالاهای مهم وارداتی در سال ۱۳۹۹ نشان می دهد که ۱۰ قلم کالای مهم وارداتی سهم ۲۵,۴ درصدی از کل واردات دارد که نسبت به سال ۱۳۹۸، ۲,۵ واحد درصد بهبود یافته است. بخش قابل توجهی از اقلام مورد اشاره اقلام کالاهای حساس و ضروری و مواد اولیه کشاورزی مرتبط با امنیت غذایی و معیشت جامعه، قطعات منفصله صنایع تولید خودرو و وسایل نقلیه و اقلام گلوگاهی در زنجیره تولید محصولات پایه فلزی است. بنابراین، تحریم ها سبب شده است تا اقلام حیاتی و ضروری در صدر واردات کشور قرار گیرند.

جدول (۱۰). ساختار واردات برحسب اقلام عمده وارداتی در سال ۱۳۹۷ و ۱۳۹۹ (میلیون دلار-درصد)

ردیف	کد تعرفه	شرح	ارزش			% سهم
			۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	
۱	۱۰۰۵۹۰۱۰	انواع ذرت (۱۰۰۵)	۲۰۹۹	۲۲۰۳	۲۵۰۶	۶,۵
۲	۸۵۱۷۱۲۱۰	دستگاه های تلفن (۸۵۱۷)	۷۵۶	۱۸۳۸	۲۴۳۶	۶,۳

۲,۴	۳,۸	۳,۷	۹۲۵	۱۶۷۰	۱۵۸۱	برنج (۱۰۰۶)	۱۰۰۶۳۰۰۰	۳
۲,۰	۲,۲	۱,۵	۷۹۴	۹۴۳	۶۲۸	کنتاله سویا (۲۳۰۴)	۲۳۰۴۰۰۰۰	۴
۱,۸	۱,۹	۲,۷	۷۱۰	۸۳۹	۱۱۵۶	دانه لوبیای سویا تراریخته (۱۲۰۱)	۱۲۰۱۹۰۱۰	۵
۱,۶			۶۲۰			سایر مخلوط‌های گندم غیرمذکور در جای دیگر	۱۰۰۱۹۹۰۰	۶
۱,۴			۵۳۵			روغن دانه آفتابگردان، روغن گلرنگ یازعفران کاذب	۱۵۱۲۱۱۰۰	۷
۱,۲	۳,۲	۱,۵	۴۶۷	۱۳۹۲	۶۳۸	الکترودهای زغالی برای کوره‌ها	۸۵۴۵۱۱۰۰	۸
۱,۲	۲,۳		۴۶۵	۱۰۰۷	۵۹۶	جو به جز بذر (۱۰۰۳)	۱۰۰۳۹۰۰۰	۹
۱,۰			۳۷۱			شکر تصفیه نشده	۱۷۰۱۱۳۰۰	۱۰
۰,۸			۳۰۱			محصولات از آهن و فولاد غیرمزوج	۷۲۰۸۵۱۱۰	۱۱
۰,۸			۲۹۵			پالم اوایل در ظروف ۲۰۰ لیتری و بیشتر	۱۵۱۱۹۰۱۰	۱۲
	۱,۹	۲,۶		۸۳۷	۱۰۹۷	داروها (۳۰۰۴)		
	۱,۷	۶,۲		۷۳۷	۲۶۳۴	قطعات منفصله خودروهای سواری (۹۸۸۷)		
	۱,۶			۷۱۱	۳۱۵	لاستیک رویی خودرو (۴۰۱۱)		
	۲۷,۹	۲۸,۲		۱۲۱۷۷	۱۱۹۸۰	جمع ده قلم		

مأخذ: محاسبات نگارنده بر مبنای داده‌های آماری سازمان توسعه تجارت ایران، طی سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۰.

۳-۳-۷. تحلیل الگو و ساختار واردات برحسب مهم‌ترین مبادی وارداتی

در سال ۱۳۹۹ پنج کشور چین، امارات، ترکیه، هندو آلمان عمده مبادی وارداتی ایران بودند. چین با سهم ۲۵ درصدی بالاترین ارزش واردات ایران را داشته و امارات و ترکیه با سهم ۲۵,۰ و ۱۱,۳ درصد در مراتب دوم و سوم قرار دارند. در این بین، به جز واردات ایران از امارات که ۹,۵ درصد نسبت به سال ۱۳۹۸ افزایش یافته، واردات از بقیه کشورها در سال ۱۳۹۹ با کاهش همراه بوده است. بدین ترتیب عمده مبادی وارداتی ایران در سال ۱۳۹۹ به ترتیب چین، امارات و ترکیه (جایگزین کره جنوبی)، هند و آلمان، که ۷۲ درصد از کل واردات سهم دارند که نسبت به سال ۱۳۹۸ (۶۵,۸ درصد)، ۶,۲ واحد درصد متمرکزتر شده است (جدول ۱۱). تشدید تحریم‌ها بر روند تجارت با شرکای تجاری آثاری ملموس و متفاوتی را به همراه داشته است. واردات از عمده کشورها در این سال‌ها با کاهش روبرو شد. باین‌حال، واردات از ترکیه، هندو چین روبه‌افزایش گذاشت.

جدول (۱۱). ساختار و تمرکز وارداتی ایران بامهم‌ترین مبادی وارداتی طی دوره ۹۹-۱۳۹۶ (میلیون دلار-درصد)

ردیف	۱۳۹۹			۱۳۹۸			۱۳۹۷			۱۳۹۶		
	کشور	واردات	سهم	کشور	واردات	سهم	کشور	واردات	سهم	کشور	واردات	سهم
۱	چین	۱۳۲۳۶	۲۴,۳	چین	۱۱۲۱۱	۲۵,۶	چین	۱۰۳۱۵	۲۴,۲	چین	۱۳۲۳۶	۲۴,۳
۲	امارات	۱۰۰۵۹	۱۸,۵	امارات	۸۹۱۳	۲۰,۴	امارات	۶۵۶۷	۱۵,۴	امارات	۱۰۰۵۹	۱۸,۵
۳	کره ج	۳۷۱۹	۶,۸	ترکیه	۴۹۹۶	۱۱,۴	ترکیه	۲۶۱۷	۶,۱	ترکیه	۳۷۱۹	۶,۸
۴	ترکیه	۳۲۲۲	۵,۹	هند	۳۶۷۶	۸,۴	هند	۲۵۹۵	۶,۱	هند	۳۲۲۲	۵,۹
۵	آلمان	۳۰۹۴	۵,۷	آلمان	۲۱۰۳	۴,۸	آلمان	۲۴۷۲	۵,۸	آلمان	۳۰۹۴	۵,۷
۶	هند	۲۲۵۸	۴,۱	روسیه	۱۱۷۱	۲,۷	روسیه	۲۱۰۵	۴,۹	سوئیس	۲۲۵۸	۴,۱
۷	سوئیس	۲۱۶۰	۴,۰	سوئیس	۱۱۲۵	۲,۶	سوئیس	۲۰۵۰	۴,۸	کره ج	۲۱۶۰	۴,۰
۸	فرانسه	۱۷۷۱	۳,۳	سوئیس	۹۳۳,۹۳	۲,۴۰	انگلیس	۱۳۴۳	۳,۲	روسیه	۱۷۷۱	۳,۳
۹	هلند	۱۴۴۰	۲,۶	هلند	۸۸۹,۵۹	۲,۲۹	ایتالیا	۱۱۵۹	۲,۷	هلند	۱۴۴۰	۲,۶
۱۰	ایتالیا	۱۴۳۷	۲,۶	ایتالیا	۶۸۷,۲۸	۱,۷۷	هلند	۱۱۴۵	۲,۷	ایتالیا	۱۴۳۷	۲,۶
۱۱	بریتانیا	۱۱۰۵	۲,۰	سنگاپور	۵۹۰,۸۹	۱,۵۲	کره ج	۱۰۴۶	۲,۵	فرانسه	۱۱۰۵	۲,۰
۱۲	سنگاپور	۹۵۱	۱,۷	کره ج	۵۸۶,۱۷	۱,۵۱	برزیل	۱۰۳۱	۲,۴	بریتانیا	۹۵۱	۱,۷

۱۳	روسیه	۷۲۸	۱,۳	ستگاپور	۹۱۱	۲,۱	-۴	سنکاپور	۵۳۱	۱,۲	-۴۱,۷	عمان	۴۳۳,۹۷	۱,۱۲	...
۱۴	بلژیک	۶۸۸	۱,۳	اتریش	۵۵۴	۱,۳	۶۴	فرانسه	۴۳۵	۱,۰	-۵۸,۴	برزیل	۳۳۳,۷۱	۰,۸۶	۳۹,۹۸
۱۵	برزیل	۶۷۵	۱,۲	برزیل	۴۸۹	۱,۱	-۲۷	پاکستان	۴۱۰	۰,۹	...	اتریش	۳۲۶,۰۰	۰,۸۴	-۱۶,۴۱
۱۶	ژاپن	۶۶۸	۱,۲	عمان	۴۳۳	۱,۰	۱۰۰	اتریش	۳۹۰	۰,۹	-۲۹,۴	مالزی	۲۸۸,۰۳	۰,۷۴	-۵,۵۶
۱۷	مالزی	۴۹۰	۰,۹	ژاپن	۴۳۳	۱,۰	-۳۵	مالزی	۳۰۵	۰,۷	-۲۳,۰	فرانسه	۲۸۴,۱۱	۰,۷۳	...
۱۸	اسپانیا	۴۴۶	۰,۸	اسپانیا	۴۱۶	۱,۰	-۷	اسپانیا	۲۷۶	۰,۶	-۳۳,۷	اسپانیا	۲۴۵,۰۲	۰,۶۳	-۱۱,۲۲
۱۹	اتریش	۳۳۷	۰,۶	مالزی	۳۹۶	۰,۹	-۱۹	بلژیک	۲۶۵	۰,۶	-۳۲,۷	ارژانتین	۱۵۹,۱۳	۰,۴۱	...
۲۰	عمان	۲۱۷	۰,۴	بلژیک	۳۹۴	۰,۹	-۴۳	تایلند	۲۳۲	۰,۵	...	عراق	۱۳۴,۵۱	۰,۳۵	...
	جمع ۴ کشور	۳۰۲۳۶	۵۵,۵۲	۴ کشور	۲۲۰۹۴	۵۱,۸۵	+۳,۶۷	۴ کشور	۲۸۷۹۶	۶۵,۸۴	+۱۳,۹۹	۴ کشور	۲۶۱۳۸,۸۹	۶۷,۲۱	+۱,۳۷
	جمع ۱۰ کشور	۴۲۳۹۶	۷۷,۸	۱۰ کشور	۳۲۳۶۸	۷۵,۹	-۱,۹	۱۰ کشور	۳۶۲۵۶	۸۲,۹	+۷,۰	۱۰ کشور	۳۲۶۰۴,۱۳	۸۳,۸۴	+۰,۹۴
	جمع ۲۰ کشور	۴۸۷۰۱	۸۹,۲	جمع ۲۰	۳۸۴۶۰	۹۰,۱	+۰,۹	جمع ۲۰	۴۰۴۱۸	۹۲,۰	+۱,۹	۲۰ کشور	۳۵۹۸۵,۶۷	۹۲,۵۳	+۰,۵۳
	جمع کل واردات	۵۴۴۵۹		جمع	۴۲۶۱۲		-۲۱,۷۵	جمع	۴۲۷۲۵		+۲,۶۴	جمع	۳۸۸۹۰,۲۸		-۱۱,۰۸

مأخذ: محاسبات بر مبنای داده های آماری گمرک ج. ا. ایران، طی سال های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰.

سهام کشورهای عضو اتحادیه اروپا در بین شرکای عمده وارداتی ایران با وضع مجدد تحریم های ایالات متحده آمریکا در سال ۱۳۹۷، در دو سال ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ روبه کاهش گذاشت؛ به طوری که علی رغم این که ۷ کشور از ۲۰ کشور نخست شرکای وارداتی ایران از اتحادیه اروپا هستند، اما ارزش، رشد ارزش، سهم و رتبه کشورهای مطرح اروپایی از جمله آلمان، فرانسه، هلند، سوئیس، انگلیس، ایتالیا، اتریش و اسپانیا روبه کاهش گذاشته است. نسبت های تمرکز ۴، ۱۰ و ۲۰ کشوری از واردات کالایی ایران از جهان به ترتیب ۶۷,۲، ۸۸,۳ و ۹۲,۵ درصد بوده است که گویای متمرکزتر شدن شرکای وارداتی ایران دارد. در مجموع ۶۷,۲، ۸۳,۸ و ۹۲,۵ درصد نیازهای وارداتی ایران در سال ۱۳۹۹ از ۴، ۱۰ و ۲۰ کشور تامین می شود که آسیب پذیری بالای تجارت کشور را آشکار می کند. همچنین، وابستگی بالای تولیدات در داخل به واردات انواع مواد اولیه، واسطه ای و سرمایه ای از مجاری است که با اعمال تحریم ها اقتصاد ایران را در معرض تهدیدات بالقوه ای قرار می دهد. سهم بیش از ۸۰ درصدی این کالاها از کل واردات گواهی بر این مدعا است. ضمن آنکه لازم است تبعات غیرمستقیم تحریم در تأمین نهاده های اولیه و واسطه ای از مبادی که از کیفیت پایینی برخوردار بودند را نیز مورد توجه قرار داد. در حالی که تأمین نهاده های تولید از کشورهای پیشرفته به دلیل اثرات سرریز آن سبب انتقال بهره وری در کیفیت محصول نهایی تولید شده در کشور می شوند، تأمین نهاده های تولید از سایر مبادی، سبب کاهش کیفیت محصول نهایی و آسیب پذیری تولید داخل می شود. برای نمونه کاهش کیفیت تولید دارو و خودرو از مصادیق آن هستند. بنابراین ممکن است ترکیب واردات تغییر چندانی نداشته باشد اما تغییر مبادی، کیفیت کالاهای وارداتی و محصول نهایی را نیز متأثر می سازد.

۴-۳-۷. تحلیل تمرکز بالای شرکای تجاری خاص در مبادلات تجاری (صادرات و واردات)

تمرکز بالا بر شرکای تجاری خاص در صادرات و واردات از چالش های فراروی تجارت کشور است. در مقابل این، متنوع سازی شرکای تجاری می تواند فرصتی برای توسعه تجارت کشور تلقی شود. مطابق نظریه های تجارت نوین از جمله نظریه های رشد درونزا، عواملی همچون گوناگونی تولید و یا صادرات را که نشأت گرفته از علایق مصرف کنندگان در سراسر

جهان است، می‌توان عاملی برای رشد اقتصادی و بهبود در بهره‌وری دانست.^۱ مطالعات انجام شده در این خصوص نشان می‌دهد که، تنوع مبادلات تجاری در دوره پس از انقلاب دارای نوسان بوده که بیشترین کاهش آن در سال‌های جنگ رخ داده است و از سال‌های برنامه اول توسعه به بعد تقریباً در اطراف سال پایه نوسان ملایمی داشته است. اما تنوع در صادرات در مقایسه با تنوع مبادلات تجاری نوسان بیشتری داشته است. رابطه میان تنوع صادرات و تنوع مبادلات تجاری با رشد اقتصادی، حاکی از آثار مثبت و معنی‌دار تنوع مبادلات تجاری بر رشد اقتصادی بود. هرچند تنوع صادرات دارای آثار مثبت معنی‌داری است. ولی، ضریب برآوردی آن در مقایسه با ضریب برآوردی تنوع مبادلات به مراتب کوچکتر است که نشان از اهمیت بیشتر تنوع مبادلات در مقایسه با تنوع صادرات بر رشد اقتصادی است. با عنایت به یافته‌ها، پیشنهادهای زیر جهت سیاست‌گذاری، ارائه می‌گردد:

- (۱) بمنظور کاهش بی‌ثباتی عملکرد اقتصاد، سیاست‌گذاریها باید به گونه‌ای باشد که نوسانات زیاد در تنوع تولید و صادرات را کاهش داده و حتی المقدور در آنها هماهنگی و نظم نسبی فراهم نماید.
- (۲) جهت‌گیری به سیاست‌های تنوع تولید به همراه عواملی همچون سرمایه فیزیکی و انسانی می‌تواند آثار مهم و چشمگیری را بر رشد اقتصادی و بهره‌وری کل عوامل تولید داشته باشد. پس در برنامه‌ریزی‌های بلندمدت، علاوه بر اهمیت دادن به سرمایه فیزیکی به عوامل دیگر سرمایه‌ی انسانی، تنوع تولید و یا تغییرات فناوری توجه شود.
- (۳) تنوع در مبادلات تجاری بر بهره‌وری کل عوامل تولید آثار مثبت معنی‌داری دارد، بنابراین لازم است که در مبادلات به تنوع در ترکیب کالاهای وارداتی و صادراتی و نیز در ترکیب شرکای تجاری مورد توجه قرار گیرد.

۴-۷) تحلیل الگو و ساختار تجارت غیررسمی (قاچاق)

قاچاق کالا و ارز، فعل یا ترک فعلی است که موجب نقض تشریفات مربوط به ورود و خروج قانونی کالا و ارز به کشور می‌شود و به دلیل عدم پرداخت حقوق ورودی و مالیات‌های مصوب دولت و ترک تشریفات ورود قانونی، به تولید و تجارت رسمی کشور، سلامت جامعه، بخش رسمی اقتصاد و سیاست تجاری آسیب می‌رساند. نظر به وظیفه ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز و امارات کشفیات مشاهده می‌شود که حجم قاچاق کالا و ارز طی سال‌های مختلف نسبت به تجارت رسمی کشور قابل توجه است. جدول (۱۲)، روند تجارت غیررسمی (قاچاق) ورودی و خروجی در مقایسه با تجارت رسمی از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹ و تغییرات آن را نشان می‌دهد. اطلاعات آماری مندرج در جدول نشان می‌دهد نسبت ارزش کل قاچاق به تجارت رسمی کشور از ۳۱ درصد در سال ۱۳۹۲ به ۱۶ درصد در ۱۳۹۹، به طور متوسط سالانه ۹ درصد کاهش یافته است. این نسبت بیانگر این واقعیت است که به دلیل افزایش نرخ ارز طی دوره و افزایش بهای عمومی کالاهای وارداتی میزان قاچاق کالاهای ورودی به واردات

^۱ نظریات متعددی وجود دارد که گوناگونی در تولید و مصرف را عامل پویایی و رشد می‌دانند ولی این مدل‌ها ادعان دارند که تأثیر مثبت تنوع بر رشد اقتصادی بایستی همراه با عواملی همچون فناوری، سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی باشد. از دیدگاه این تئوری‌ها، عامل اساسی و موثر که قادر است تأثیرات مثبتی بر رشد و بهره‌وری داشته باشد، تحقیق و توسعه و نوآوری است که بازارها را به شرایط رقابت انحصاری ارتقاء می‌دهد و تنوع بیشتری از محصولات را فراهم می‌کند. مدل کاربردی این پژوهش براساس نظریات رومر، گروسمن و هلپمن و جونز است که با کمی تغییر آن را برای بررسی اثرات متنوع‌سازی بر رشد اقتصادی به کار می‌برند. روش محاسبه شاخص تنوع مبادلات تجاری به عنوان جانشینی برای تنوع تولیدات، از روش به‌کار برده شده توسط فنسترا است.

کالاها از ۳۵ درصد در سال ۱۳۹۲ به ۳۲ درصد در ۱۳۹۹ کاهش، و طی دوره تجارت غیررسمی از تجارت ۱۸,۳ درصد بوده است. با توجه به سهم قابل توجه قاچاق از تجارت و نظر به گستردگی ورود کالاهای مختلف از این کانال، که بر اساس آمار کشفیات قابل بررسی است، ضرورت دارد در این مورد آسیب شناسی انجام شود. در واقع اقلام کالاهای متعدد از این کانال بیانگر این مهم است که نخست محیط تجارت رسمی تسهیل، و از تغییر مکرر قوانین و در خواست مجوزهای متعدد برای ورود کالا از مسیر قانونی جلوگیری شود و دوم، تلاطمات بازار و نوسان‌های نرخ ارز کنترل شود.

جدول (۱۲): روندهای تجارت غیررسمی (قاچاق ورودی و خروجی کالا) از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹ (ارقام به میلیارد دلار و درصد)

شرح	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	شاخص (نرخ رشد)
قاچاق ورودی	۱۷,۲	۱۵,۷	۱۴,۵	۱۲,۱	۱۲,۰	۱۲,۱	۱۲,۵	۱۱,۹	۶۹,۲ (-۵,۱)
قاچاق خروجی	۷,۸	۴,۱	۱,۰	۰,۵	۰,۹	۲,۹	۴,۶	۴,۲	۵۳,۸ (-۸,۵)
کل قاچاق	۲۵,۰	۱۹,۸	۱۵,۵	۱۲,۶	۱۲,۹	۱۵,۰	۱۷,۱	۱۶,۱	۶۴,۴ (-۶,۱)
واردات	۴۹,۰	۵۳,۰	۴۱,۰	۴۳,۰	۵۴,۰	۴۳,۰	۴۳,۰	۳۷,۴	۷۶,۳ (-۳,۸)
صادرات	۳۱,۰	۳۶,۰	۳۵,۰	۳۶,۰	۳۹,۰	۳۹,۰	۴۲,۱	۳۶,۵	۱۱۷,۷ (+۲,۴)
کل تجارت	۸۰,۰	۸۹,۰	۷۶,۰	۷۹,۰	۹۳,۰	۸۲,۰	۸۵,۱	۷۳,۹	۹۲,۴ (-۱,۱)
نسبت قاچاق ورودی به واردات	۳۵,۰	۲۹,۰	۳۵,۰	۲۸,۰	۲۲,۰	۲۸,۰	۲۹,۰	۳۱,۸	۹۰,۹ (-۱,۴)
نسبت کل قاچاق به تجارت رسمی	۳۱,۰	۲۲,۰	۲۰,۰	۱۶,۰	۱۴,۰	۱۸,۰	۱۴,۷	۱۶,۰	۵۱,۶ (-۹,۰)

ماخذ: برگرفته از گزارش براساس داده‌های سری زمانی بانک مرکزی ج.ا.ایران به آدرس www.cbi.ir، ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز، سایت بانک جهانی برای سال ۱۳۹۹ آمار قاچاق ورودی و خروجی و همچنین کل قاچاق، براساس میانگین رشد سالانه قاچاق ورودی (۰,۵- درصد) و قاچاق خروجی (۸,۰- درصد) برآورد صورت گرفته است.

در حوزه تجارت غیررسمی مشخصه‌های محیط اقتصاد کلان در حوزه نوسان‌های نرخ ارز، سیاست تجاری بویژه انواع محدودیت تجاری غیرتعرفه‌ای خلق‌الساعه، افزایش اختلاف قیمت داخلی و خارجی، افزایش هزینه تولید و هزینه مبادله در تجارت چالش‌های مهم پیش‌رو شناخته می‌شوند. با این وجود در سال ۱۳۹۹ مانند افزایش تعرفه برخی کالاهای وارداتی با هدف حمایت از تولیدات داخلی و وضع ممنوعیت‌ها و محدودیت‌ها برای ثبت سفارش و ورود کالا و برخی نوسان‌های ارزی به افزایش قاچاق منجر شد و ضرورت دارد سیاست‌هایی برای تسهیل و بهبود رویه در ابزار سیاست تجاری و روش حمایت از تولید داخلی مدنظر قرار گیرد.

۷-۵) تحلیل الگو ساختار صادرات (تنوع کالایی و ترکیب بنگاه‌های صادراتی: خصوصی و دولتی)

سبد صادراتی ایران در سال ۱۳۹۷ مجموعاً شامل ۴۳۷۶ تعرفه را شامل می‌شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد که تنها تعداد ۰/۲ درصد از کل اقلام صادراتی (۹ ردیف تعرفه) ارزشی معادل ۱۲,۷ میلیارد دلار (با سهم ۲۹ درصدی در صادرات) را در اختیار دارند که این میزان تنها توسط سه شرکت دولتی صادر می‌شوند. در عین حال، هیچ شرکت خصوصی بیش از یک میلیارد دلار صادرات نداشته است. «فقدان تنوع در اقلام صادراتی با ارزش بالا» و «ضعف عمومی در توانمندی بنگاه‌های صادراتی» از عمده علل توسعه نیافتگی بازارهای صادراتی ایران است. آمارها نشان می‌دهد سبد صادراتی دنیا ۸ هزار قلم کالا و سبد صادراتی ایران ۴۳۷۶ قلم از این کالاها است. جدا از این موارد،

تعاملات تجاری با منطقه و کشورهای دوست، تنش‌زدایی با دنیا، برقراری روابط کارگزاری بانکی با کشورهای هدف، ثبات اقتصادی به‌ویژه در سیاست ارزی، بهبود زیرساخت نرم و سخت تجاری و نظایر آن سایر دلایل مهم تأثیرگذار بر ساختار و الگوی صادرات و رقابت‌پذیری تجارت کشور است.

جدول (۱۳). ساختار صادرات از دو بعد تنوع کالایی و ترکیب شرکت‌ها (خصوصی و دولتی) در سال ۱۳۹۷

شرکت‌ها		ارزش صادرات		اقلام کالاها (HS ۸ رقمی)		ظرفیت صادرات سالانه
میلیارد دلار سهام (درصد)	تعداد	سهام (درصد)	میلیارد دلار	سهام (درصد)	ردیف تعرفه	
۱۰ (۲۲,۸)	۳ (دولتی)	۲۹	۱۲,۷	۰,۲	۹	بالای ۱ میلیارد دلار
۲۵,۲ (۵۸)	۵۲	۷۳	۳۲	۱,۶	۷۲	بالای ۱۰۰ میلیون دلار
۲۸,۳ (۶۴,۴)	۹۶	۸۱	۳۵,۶	۲,۷	۱۱۷	بالای ۵۰ میلیون دلار
۳۵,۶ (۸۱)	۴۴۸	۹۴	۴۱,۳	۶,۸	۳۷۶	بالای ۱۰ میلیون دلار
۱۰۰		۱۰۰	۴۲,۹۵	۱۰۰	۴۳۷۶	جمع کل

مأخذ: سازمان توسعه تجارت ایران (۱۳۹۸).

۸) تحلیل آثار سرمایه مستقیم خارجی بر ساختار تجارت خارجی

آنچه در سرفصل ۷ به تفصیل مرتبط با ساختار تجارت خارجی ایران ارایه گردید، گویای آن است که الگو و ساختار تجارت ایران به خصوص در دهه ۱۳۹۰ عملکرد و کارنامه مناسب و قابل دفاعی نداشته است. از عوامل کلیدی در عقب ماندگی تجارت ایران، عدم تعامل توسعه ایران با جهان و فقدان جذب سرمایه گذاری مولد و کارآمد بوده است. دولتهای بسیاری از کشورهای در حال توسعه به طور فزاینده‌ای در جستجوی بهترین سیاستها برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی هستند و این امر به دلیل آثار مثبت مرتبط با آن است. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در عین این که می‌تواند آثار مثبتی نظیر دسترسی به بازار، دستیابی به فن‌آوری مدرن، تامین مالی و غیره داشته باشد، اما می‌تواند اثرات منفی نیز به همراه داشته باشد. بعلاوه، آثار مثبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به‌طور خودکار برای کشور میزبان تسری نمی‌یابد و بستگی به سیاستهای اتخاذ شده توسط کشورها در زمان و مکان مناسب، و دیگر عوامل دارد. در واقع، حجم بالایی از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به خودی خود برای برآوردن اهداف ایجاد رشد اقتصادی و کاهش فقر (که هر دو از مهمترین دغدغه‌های کشورهای در حال توسعه هستند) کافی نمی‌باشد. این که هر کشور باید چه سیاستی را اتخاذ نماید بستگی به ویژگیهای خاص آن کشور، اهداف کشور از جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و استراتژی اتخاذ شده دارد. البته عوامل مشترکی نیز برای تمامی کشورها موجود است. سیاستهای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ترکیبی از سیاستها است که باید متناسب با استراتژی توسعه کشور اتخاذ شود تا حصول اهداف معینی امکان‌پذیر باشد. در ارزیابی کلی، سیاستهای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را در دو گروه سیاستگذاری (۱) سیاست صنعتی خاص و (۲) سیاست اقتصادکلان تفکیک کردو برحسب آن که آیا آنها برای (۱) جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، (۲) ارتقاء سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی یا (۳) گسترش ارتباطات و آثار انتشاری (سرریزی) بر روی بنگاههای داخلی به‌کارمی‌روند تفکیک نمود.

در ادامه درجدول (۱۴)، مجموعه شاخص‌های کلیدی اقتصادکلان بین‌الملل از جمله تجارت و FDI کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و ایران ارایه می‌شود. با دقت دراطلاعات آماری جدول نتیجه می‌شود:

(۱) اندازه اقتصاد کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس (به اختصار شورا) ۱۶۸۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۱ بود. عربستان با اندازه اقتصاد ۸۳۰ میلیارد دلار، نزدیک نیمی (۴۹ درصد) از کل اندازه اقتصاد شورا سهم دارد. اندازه اقتصاد امارات با ۴۱۸ میلیارد دلار، ۲۵ درصد از اندازه اقتصاد شورا در رتبه دوم قرار دارد. این ۲ کشور جمعا ۱۲۴۹ میلیارد دلار، ۷۴ درصد از اندازه اقتصاد شورا را از آن خود دارند. اندازه اقتصاد شورا در سلطه اقتصاد عربستان و امارات واقع است. در سال ۲۰۲۱، بالاترین و پایین‌ترین درآمد سرانه با ۶۹۰۶۶ دلار از آن قطر و ۱۶۳۲۸ دلار از آن عمان است. از لحاظ درآمد سرانه امارات، کویت، بحرین و عربستان در مراتب ۲ تا ۵ قرار دارند. در این سال، بالاترین رشد اقتصادی با ۴٫۳۶ درصد از آن امارات بود. درآمد سرانه ایران بمراتب پایین‌تر است به طوری که ۱۳ درصد درآمد سرانه قطر و حتی نسبت به پایین‌ترین درآمد سرانه عضو شورا (عمان)، پایین‌تر است. بعلاوه این که رشد اقتصادی ایران ۵٫۹- درصد بوده که گویای تعمیق شکاف در درآمد سرانه ایران با اعضای شورا است.

(۲) صادرات و واردات کالایی اعضای شورا در سال ۲۰۲۱ به ترتیب ۹۱۸٫۶ و ۶۰۵٫۵۷ میلیارد دلار بوده، که ۴٫۱۱ و ۲٫۶۸ درصد از صادرات و واردات کالایی جهان سهم داشته است. تراز تجارت کالایی شورا به رقم چشمگیر ۳۱۳٫۲ میلیارد دلار مثبت بوده که از تراز تجاری مثبت دو کشور عربستان و امارات به ترتیب با ۱۲۳٫۳ و ۷۷٫۶ میلیارد دلار نتیجه می‌شود.

دو کشور امارات و عربستان به ترتیب با ۴۲۵,۲ و ۲۷۶,۲ میلیارد دلار صادرات و جمعا ۷۰۱,۴ میلیارد دلار، ۷۶,۴ درصد از صادرات شورا سهم داشته است. همچنین بین اعضا، این دو کشور به ترتیب با ۳۴۷,۵ و ۱۵۲,۹ میلیارد دلار واردات و جمعا ۵۰۰,۴ میلیارد دلار، ۸۲,۶ درصد از واردات شورا سهم داشته است. رابطه مبادله (به سال پایه ۲۰۱۵=۱۰۰) تجارت کالایی اعضای شورا در سال ۲۰۲۱ بالاتر از ۱۰۰ بوده و در این بین بالاترین رابطه مبادله ۱۵۶ از آن قطر و پایین ترین ۹۷ از آن عمان است. رابطه مبادله تجارت بقیه اعضا با بیش از ۱۱۲، در مراتب بعدی قرار دارند.

۳) در سال ۲۰۲۱، جریان ورودی سرمایه گذاری مستقیم خارجی اعضای شورا ۴۵,۶ میلیارد دلار بوده که ۱,۴ درصد از جریان ورودی سرمایه گذاری خارجی جهان سهم داشته است. دو کشور امارات و عربستان با به پای هم به ترتیب با ۲۰,۷ و ۱۹,۳ میلیارد دلار جریان ورودی سرمایه گذاری خارجی، جمعا ۴۱ میلیارد دلار؛ ۹۰ درصد جریان ورودی سرمایه گذاری خارجی شورا سهم دارند. این در حالی است جریان ورودی سرمایه گذاری مستقیم خارجی ایران به ارزش ۱,۴ میلیارد دلار، ۳ درصد کل جریان ورودی کشورهای عضو شورا، بسیار پایین بوده است. همچنین در شرایطی که تمامی کشورهای عضو شورا تورم تک رقمی و حتی منفی را تجربه می کنند، ایران با تورم ۴۰,۱ درصد جزء بالاترین نرخ تورم در منطقه و جهان بوده است.

۴) از ارزیابی شاخص های کلیدی اقتصادی اعضای شورا نتیجه می شود دو بازیگر نخست، عربستان و امارات است. در واقع از جنبه اندازه اقتصاد، تجارت و سرمایه گذاری این دو کشور نقش ممتاز و بازیگر کلیدی شورا است. در حالی که جمعیت ایران با ۸۷,۹ میلیون نفر، ۱,۱ درصد از جمعیت جهان را در خود دارد. سهم ایران از سه متغیر کلیدی توسعه شامل اندازه اقتصاد، صادرات و جریان ورودی سرمایه گذاری خارجی به ترتیب ۰,۸۳، ۰,۳۲ و ۰,۰۹ درصد است. این در شرایطی است که جمعیت شورا ۵۸,۲ میلیون نفر، ۰,۷۴ درصد از جمعیت جهان است. سهم شورا از سه متغیر کلیدی توسعه شامل اندازه اقتصاد، صادرات و جریان ورودی سرمایه گذاری خارجی جهان به ترتیب ۱,۷۵، ۴,۱۱ و ۲,۸۸ درصد بوده است. با وجود جمعیت بالای ایران (۸۷,۹ میلیون نفر) به جمعیت شورا (۵۸,۲ میلیون نفر)، از سه جنبه توسعه اقتصاد کلان ایران با شورا گویای تعمیق شکاف است (اندازه اقتصاد ایران ۴۷ درصد شورا، صادرات ایران ۷,۸ درصد شورا و جریان ورودی سرمایه گذاری خارجی ایران ۳ درصد شورا). از این سه متغیر اقتصاد کلان بالاترین شکاف در جریان ورودی سرمایه گذاری خارجی و جریان تجارت بوده است که دورنمای رشد و توسعه ایران را با نگرانی مواجه می سازد.

۵) نکته مهم تر این که در چارچوب یکپارچگی منطقه ای ایران و اعضای شورا، اوضاع اقتصاد کلان، تجارت و سرمایه گذاری خارجی ایران از بالقوه تا بالفعل بسیار فاصله است و به ویژه اوضاع و احوال ثبات محیط اقتصاد کلان ایران از جمله ثبات محیط اقتصاد کلان، رشد اقتصادی، نرخ تورم ایران نامناسب ارزیابی می شود.

جدول (۱۴): شاخص های کلیدی اقتصاد کلان بین الملل و تجارت کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و ایران،

۲۰۲۱

شرح	تجارت کالایی			تجارت خدمات		تراز حساب جاری		اندازه اقتصاد			جریان FDI		تورم	جمعیت
	صادرات	واردات	رابطه مبادله	صادرات	واردات	M\$	B\$	GDP	GDP سرانه	رشد	خروجی	ورودی		
بحرین	۲۲,۳۷	۱۴,۱۹	۱۱۲	۱۳,۲۳	۱۰,۲۹	+۲,۶	۳۸,۲۳	۲۶۱۸۳	۳,۲	+۳,۲	۰,۰۶	۱,۷۷	-۰,۶	۱,۴۶
کویت	۶۳,۱۳	۳۱,۸۹	۱۲۵	۱۰,۸۴	۲۰,۶۸	+۲۱,۷۳	۱۳۸,۸۲	۳۲۶۶۴	۳,۲	+۳,۲	۰,۲۰	۳,۶۳	۳,۴	۴,۲۵
عمان	۴۴,۵۹	۳۱,۰۰	۹۷	-۲,۴۴	۷۳,۸۰	۱۶۳۳۸	۲,۳	+۲,۳	۰,۵۸	۳,۶۲	۱,۵	۴,۵۲
قطر	۸۷,۲۰	۲۷,۹۹	۱۵۶	۱۸,۳۵	۳۴,۳۴	+۲۶,۲۹	۱۸۵,۷۹	۶۹۰۶۶	۳,۵	+۳,۵	۰,۱۶	-۱,۰۹	۲,۳	۲,۶۹
عربستان	۲۷۶,۱۸	۱۵۲,۸۵	۱۴۰	۷۳,۲۸	۱۰,۳۰	+۴۴,۳۲	۸۳۰,۳۰	۲۳۰۹۶	۳,۳	+۳,۳	۲۳,۸۶	۱۹,۲۹	۳,۱	۳۵,۹۵

جدول (۱۴): شاخص های کلیدی اقتصاد کلان بین الملل و تجارت کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و ایران، ۲۰۲۱

شرح	تجارت کالایی		تجارت خدمات		تراز حساب		اندازه اقتصاد			تورم	جمعیت
	صادرات	واردات	رابطه مبادله	صادرات	واردات	جاری	GDP	GDP سرانه	رشد		
	B\$	B\$	۱۰۰=۲۰۱۵	B\$	B\$	M\$	B\$	دلار	درصد	M\$	M\$
امارات متحده	۴۲۵,۱۶	۳۴۷,۵۳	-	۱۰۱,۸۴	۷۶,۱۱	+۴۷,۹۵	۴۱۸,۴۹	۴۴۶۶۳	+۴,۳	۲۲,۵۵	۲۰,۶۷
شورا	۹۱۸,۶۳	۶۰۵,۴۵	-	۲۱۴,۷۰	۱۵۴,۵۶	+۱۴۰,۴۵	۱۶۸۵,۴۳	۲۸۹۳۹		۵۰,۸۴	۴۵,۵۵
سهم شورا	۴,۱۱	۲,۶۸	-	۳,۸۲	۲,۵۵	-	۱,۷۵	-		۲,۹۸	۲,۸۸
ایران	۷۱,۶	۴۹,۰	۱۳۸	۵,۸	۱۱,۱	-	۷۹۵,۳	۹۰۴۸	-۵,۹	۰,۰۸	۱,۴
جهان	۲۲۳۲۸	۲۲۵۸۷	۱۰۳	۶۰۷۲	۵۶۲۳	۷۱۰	۹۶۲۵۶,۲	۱۲۱۷۰	+۵,۷	۱۷۰۸	۱۵۸۲

ماخذ: نتایج یافته‌ها بر مبنای داده‌های خام آماری. UNCTAD, HANDBOOK OF STATISTICS, 2021, 86-97.

نتایج مطالعات سرمایه‌گذاری خارجی با تاکید بر ایران نتیجه می‌شود کشورهایی که در توسعه تجارت موفق بوده‌اند، در جذب سرمایه‌گذاری خارجی نیز موفق عمل کرده‌اند. در واقع کشورهای نوظهور تازه صنعتی شده موفق، به تناسب سهم از تجارت جهانی، سهم از جریان FDI جهانی دارند و بالعکس. در این بین، ایران در بین کشورهای منتخب و در افق زمانی بلندمدت منتهی به ۲۰۲۱ کارنامه و عملکرد ناموفقی در جریان تجارت و FDI داشته است. نظر به اینکه رویکرد اصلی این بخش از گزارش که مبتنی بر گریزناپذیری الحاق ایران به فرآیند جهانی شدن و بهره‌گیری از مزایا و حداقل رساندن هزینه ناشی از آن است، رهنمودهای کلی در چارچوب و قالب "جهانی بیندیشیم" به گونه‌ای سازگار با آن در داخل عمل نماییم" تجلی می‌یابد. در این راستا پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

- وضع قوانین و مقررات را به گونه‌ای سازگار با فعالیت در عرصه جهانی
- فراهم ساختن زمینه برای جلب سرمایه و انتقال تکنولوژی خارجی
- تقویت سیاست تنش زدایی و زمینه‌های همگرایی
- حضور فعال در پیمان‌های منطقه‌ای و جندجانبه جهانی و همکاری با مجامع بین‌المللی و منطقه‌ای
- تسهیل و تسریع در خصوصی سازی، لغو انحصارات و اصلاح قوانین و مقررات
- حمایت از آسیب‌دیدگان از مشارکت در فرآیند جهانی شدن
- همکاری با کشورهای در حال توسعه در سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی
- جلوگیری از بروز شوک‌های اقتصادی
- بهره‌گیری از فرصت‌های زودگذر با ساختار اجرایی، مدیریتی و سیاست‌گذاری کارآمد و منعطف

^۱ اگرچه این موارد به طور عام مطرح شده، اما بسته به شرایط خاص کشور، تعدیل پذیرند. برای نمونه، باید تعیین شود که آیا سرمایه‌گذاری خارجی با استراتژی توسعه سازگار است یا خیر، و اگر چنین است چه نوع سرمایه‌گذاری باید انتخاب شود؟ آیا سرمایه‌گذاری خارجی ابزار مؤثر و کارآمدی برای حصول به اهداف فعلی و آینده است؟ مثلاً کشوری که سطح دستمزدهای بالا و منابع فراوان داخلی است، نیازی به جذب سرمایه‌گذاری خارجی در صنعت پوشاک ندارد، بلکه ترجیحاً به سرمایه‌گذاری با فن‌آوری بالا روی می‌آورد. برعکس کشوری فقیر در مرحله نخست و برای شروع کار نیازی به سرمایه‌گذاری در حیطه فن‌آوری بالا ندارد.

- کشورها باید اقدام به ظرفیت‌سازی (تحقیق و توسعه، آموزش، و غیره) و ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی نمایند. ظرفیت داخلی برای منتفع شدن از سرمایه‌گذاری خارجی نیز ضروری است. شواهدی وجود دارد مبنی بر این که در بسیاری از کشورهای با درآمدپائین اولویت ایجاد ظرفیت داخلی به فراموشی سپرده می‌شود، و لذا سبب پائین آمدن جریان سرمایه‌گذاری و کاهش ظرفیت‌جذب برای دستیابی به آثار انتشاری (سرریز) می‌شوند. پیشنهادها ارایه می‌شود:
- باید سیاست اقتصاد کلان رقابتی و شفافی برقرار باشد. شواهد و ادبیات موضوع نشان می‌دهد که فساد دولتی موجب کاهش جریان‌های رو به داخل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌شود.
- تشویق گسترش نهادهای چندملیتی، و تشویق سیاست‌های رقابتی
- جهت جذب سرمایه خارجی بیشتر، به زیرساخت‌های قانونی، تشویق سرمایه‌گذاری خصوصی داخلی، کارایی و بهره‌وری سرمایه‌گذاری‌ها در زیرساخت‌ها و تحقیق و توسعه، بهره‌وری و سطح مهارت نیروی کار توجه کافی بشود.
- نهایتاً، مجموعه این اقدامات توأم با افزایش ثبات سیاسی به جذب سرمایه خارجی و ارتقای آن منجر می‌شود.

۹) خلاصه ساختار رقابت در توسعه تجارت ایران و ارتباط سیاست تجاری با سیاست‌های مرتبط با سرمایه‌گذاری خارجی کشور از منظر رقابت

جدول شماره (۱۵): جمع‌بندی ساختار رقابت تجارت خارجی ایران از منظر "چالشها، تهدیدها و فرصتها" و اهم راهکارها و توصیه‌های سیاستی			
ردیف	چالش‌ها و تهدیدها	فرصت‌ها	راهکارها و توصیه‌های سیاستی
۱	رقابت‌پذیری پائین اقتصاد ملی در شرایط جهانی شدن	...	بسته سیاستی جامع جهت ارتقای توان رقابت ملی با محوریت اصلاح مقررات تجاری، بانکی، سرمایه‌گذاری، ارزی، مالیاتی، مدیریت قوی، علمی و آینده‌نگر و تعامل توسعه‌مند
۲	ناهماهنگی سیاستهای اقتصادی مناسب و همسو نبودن آنها	هماهنگی سیاستهای اقتصادی با سیاست تجاری مناسب	اعمال سیاستهای اقتصادی مناسب و هماهنگی میان آن سیاست‌ها از جمله سیاست تجاری مناسب، ثبات نرخ ارز و کاهش نرخ تورم
۳	اقتصاد تک‌محصولی، تکانه‌های نفتی، بیماری هلندی: بی‌ثباتی و رکود صادرات غیرنفتی	جهش صادراتی	بسته سیاستی جامع جهت جهش صادراتی در سه حوزه: ظرفیت‌سازی، مقررات و نهادسازی، و سیاست‌های مناسب و هماهنگ
۴	عدم عضویت ایران در سازمان جهانی تجارت	تمهیدات لازم الحاق به سازمان جهانی تجارت	بسته سیاستی بهره‌مندی از فرصت‌ها و کاهش تبعات منفی چالش‌ها در بخش‌ها با محوریت ظرفیت‌سازی، تسهیل تجارت، اصلاح قوانین، تعامل توسعه‌مند با جهان، و رفع موانع سیاسی
۵	تشدید و تعمیق کسری تراز تجاری بدون نفت و سهم ناچیز صادرات صنعتی بالاخص با فن‌آوری بالا	تجربه نیم قرن صنعتی شدن	جهش صادراتی با محوریت ظرفیت‌سازی، اصلاح مقررات و سیاست‌های مناسب و هماهنگ، ایجاد فضای کسب و کار رقابتی، بسترسازی برای جذب FDI، ارتقای دانش و مهارت، توجه به R&D
۶	بی‌ثباتی و وخامت رابطه مبادله تجاری ایران	وجود توان بالقوه بنیان‌های صنعتی	کاهش تنش‌ها، اتخاذ سیاست‌های اقتصادی مناسب، هماهنگ و با ثبات، متنوع‌سازی و تمرکز زدایی و ارتقای صادرات صنعتی
۷	تمرکز بالا بر شرکای تجاری خاص در مبادلات تجاری	متنوع‌سازی شرکای تجاری	کاهش بی‌ثباتی عملکرد اقتصادی، سیاست‌های تنوع تولید و ارتقای بهره‌وری کل عوامل (TFP) از طریق سرمایه انسانی و تغییرات فن‌آوری
۸	سستی بودن شیوه و روش‌های تجاری	به کارگیری شیوه و روش‌های نوین تجاری	استفاده از تیم مدیریتی قوی و حمایت همه‌جانبه از آن، هماهنگی دیگر سیاستها با سیاست تسهیل تجاری، به کارگیری سیستم‌های پشتیبانی‌کننده تجارت
۹	ضعف در نهادهای پشتیبانی‌کننده تجارت: تشکل‌های صادراتی و کوچک بودن واحدهای صادراتی	تجربه دیرینه نهاد سنتی آن	اتخاذ راهبرد بلندمدت تجاری، ابزارهای تشویقی و توسعه‌ای دولت از این تشکل‌ها، ایجاد اطلاعات تجاری جامع و به‌هنگام

جدول شماره (۱۵): جمع‌بندی ساختار رقابت تجارت خارجی ایران از منظر "چالشها، تهدیدها و فرصتها" و اهم راهکارها و توصیه‌های سیاستی			
ردیف	چالش‌ها و تهدیدها	فرصت‌ها	راهکارها و توصیه‌های سیاستی
۱۰	کیفیت پائین نیروی انسانی	وجود نیروی انسانی متخصص و استفاده از آن	اتخاذ راهبرد بلندمدت صادرات، توجه کافی به R&D و ارتقای بهره‌وری نیروی انسانی
۱۱	ضعف در جذب سرمایه خارجی	وجود زمینه‌های مناسب برای جذب FDI	اتخاذ سیاست اقتصاد کلان رقابتی و شفاف، الزامات مناسب زیرساختی و قانونی
۱۲	عدم عضویت موثر در ترتیبات اقتصادی منطقه‌ای	عضویت فعال در RTA، FTA، PTA	برقراری RTA، FTA، PTA و دوجانبه و منطقه‌ای با جمع‌بندی برابری آثار و ملاحظات همه‌جانبه
۱۳	مناطق آزاد تجاری	زیرساختها و موقعیت مناسب مناطق	کارآمدی سیستم مدیریت مناطق و هماهنگی دیگر ارگانها با آن، ثبات قوانین مرتبط و شفاف آن
۱۴	عدم تحقق جایگاه ممتاز ترانزیتی ایران در منابع هیدروکربن منطقه	جایگاه ممتاز ترانزیتی ایران در انتقال منابع هیدروکربن منطقه	رفع موانع سیاسی و تعامل توسعه‌مند با جهان
۱۵	عدم تحقق جایگاه ممتاز جهانگردی / توسعه توریسم (گردشگری)	وجود امکانات گردشگری فراوان و منحصر بفرد	بسته سیاستی جامع جهت ارتقای جایگاه گردشگری با محوریت زیرساختی، آموزشی، بازاریابی و اطلاع‌رسانی
۱۶	پدیده قاچاق	...	هدفمندی یارانه‌ها، مدنظر قراردادن قیمت‌های نسبی در قیمت‌گذاری، تسهیل تجارت، اصلاح سیاست تجاری
۱۷	وجود قیمت‌شکنی (دامپینگ) در کالاهای وارداتی ایران	...	تدوین مقررات ضد قیمت‌شکنی، حضور جدی تشکلهای و اصناف در طرح دعاوی، تهیه اطلاعات تجاری جامع و به‌هنگام
۱۸	تنگناهای موجود در دیپلماسی تجاری	دیپلماسی فعال و توسعه‌مند تجاری	توجه خاص و اهمیت بالا به ملاحظات اقتصادی در تصمیم‌سازی‌های سیاسی
۱۹	تحریم اقتصادی - تجاری	...	داشتن برنامه اضطراری، متنوع‌سازی شرکا، امکان‌سنجی جایگزینی واردات از داخل و سایر شرکاء

جدول شماره (۱۵): جمع‌بندی ساختار رقابت تجارت خارجی ایران از منظر "چالشها، تهدیدها و فرصتها" و اهم راهکارها و توصیه‌های سیاستی			
ردیف	چالش‌ها و تهدیدها	فرصت‌ها	راهکارها و توصیه‌های سیاستی
۲۰	سیاسی شدن بیش از حد روابط اقتصادی و عدم بهره‌گیری از فرصت‌های تجاری	...	ایجاد وحدت رویه در موضع‌گیری مقامات در امور بین‌الملل و توجه خاص و اهمیت بالا به ملاحظات اقتصادی در تصمیم‌گیری/سازي‌های سیاسی
۲۱	بهره‌وری پائین بخش بازرگانی	...	بهینه‌سازی سیستم توزیع و ایجاد فضای رقابتی در مکانیسم بازار از طریق سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، توجه به قیمت‌های نسبی و اتخاذ سیاست‌های اقتصادی مناسب: نرخ پائین تورم و ثبات نرخ ارز
۲۲	انحصارات در بازار داخلی و تنظیم بازار داخلی کالاهای ضروری اساسی	...	اصلاح قوانین مرتبط، حذف انحصارات، هماهنگی سیاست‌های تنظیم بازار (برقرای قیمت‌های نسبی توام با نرخ پائین تورم)، تسهیلات برای سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و استفاده از شیوه‌های نوین مبادله
۲۳	زیرساخت‌های نرم و سخت (بنادر، پایانه‌ها، راه‌ها، حمل و نقل و انبارداری)	...	افزایش تسهیلات/ سرمایه‌گذاری‌های لازم در زیر ساخت‌ها، حذف انحصارات و ارتقا و نوسازی سیستم پشتیبانی‌کننده توزیع
۲۴	حجم هنگفت یارانه‌ها در اقتصاد ایران و هدفمند نبودن آن	هدفمند کردن یارانه‌ها و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر	هدفمند نمودن یارانه‌ها، تصمیم‌سازی واحد، منطقی کردن مصرف کالاهای یارانه‌ای و برقرای نظام جامع تامین اجتماعی

ماخذ: برگرفته و مستخرجه از مروری بر ادبیات موضوع ساختار رقابت تجارت ایران "چالش‌ها و فرصت‌های بازرگانی ایران" توسط نگارندگان.

منابع و ماخذ

- ۱) اتاق بازرگانی، صنایع، معدن و کشاورزی تهران (۱۴۰۰). تجارت کالایی بدون نفت خام ایران طی سال ۱۳۹۹، واحد گردآوری و تحلیل آمارهای اقتصادی: معاونت بررسی های اقتصادی، فروردین، ۱۴ ص.
- ۲) حسینی، میرعبداله (۱۳۷۵). تعیین قدرت انحصاری بازار جهانی خشکبارو جایگاه خشکبار ایران در آن، فصلنامه اقتصادکشاورزی و توسعه: نشریه ش. ۲، مقالات برگزیده سمینار کشاورزی ایران و بازارهای جهانی، مرکز مطالعات برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی، تابستان (۱۷ و ۱۸ شهریور)، جلد اول، صص ۹۷-۱۲۲.
- ۳) حسینی، میرعبداله و همکاران (۱۳۸۹). رقابت پذیری اقتصاد ایران و راهکارهای بهبود آن در جهان، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۵۱۴ ص.
- ۴) حسینی، میرعبداله و همکاران (۱۳۸۴). گزارش تجارت و تراز بازرگانی خارجی ج. ا. ایران، موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی خارجی.
- ۵) علمی، محمد (۱۳۸۹). عوامل موثر در رقابت پذیری اقتصادوبازرگانی و شاخص ها، سازمان توسعه تجارت ایران.
- ۶) سازمان توسعه تجارت ایران (۱۴۰۰). دفتر خدمات اطلاعات تجاری معاونت توسعه صادرات کالا و خدمات.
- ۷) گمرک ج. ا. ایران (۱۴۰۰). سالنامه آمار تجارت خارجی کشور در سال ۱۳۹۹، دفتر آمار و پردازش اطلاعات گمرکی.
- ۸) مرکز پژوهشها مجلس شورای اسلامی (۱۴۰۰). تحلیلی بر عملکرد بخش خارجی اقتصاد. معاونت مطالعات اقتصادی، تهیه، تدوین و ناظر (گروهی جمعی)، ۲۰ مهر، کد موضوعی ۲۲۰، ش. مسلسل ۱۷۷۹۵، ۴۸ ص.
- ۹) وزارت صمت (۱۴۰۰). صنعت، معدن و تجارت به روایت آمار و اطلاعات (عملکرد مقدماتی ۱۳۹۹)، دفتر مدیریت داده، آمار و فناوری اطلاعات: معاونت طرح و برنامه، گزارش ش. ۷۷، اردیبهشت، صص ۱۰۸-۱۰.
- ۱۰) پاسخ اتاق ایران به گزارش مرکز پژوهش های مجلس، منتشره در اقتصادآنلاین به تاریخ ۱۳۹۹/۸/۲۹.
- ۱۱) ریحانه عامری، سمیرا اصغری، فرزانه مجدآبادی و حسین علی پور (۱۳۹۸). چالشهای استفاده از کارت بازرگانی اشخاص دیگر در نظام حقوق مالیاتی ایران (بانگرتشی به سیاستهای تقنینی و اجرایی)، پژوهشنامه مالیات، ش. ۴۳، پاییز.
- ۱۲) سایت اطلاعات روز تجارت خارجی: <http://eplonline.ir/>
- ۱۳) ضیاء بیگدلی، صادق (۱۳۹۷). گزارش بررسی مطالعات موجود راجع به کارت بازرگانی، طرح تدوین سند سیاست تجاری ایران، گزارش پشتیبان شماره ۸، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، مهرماه.
- ۱۴) مرکز پژوهشهای مجلس، آسیب شناسی وضعیت صدور کارت بازرگانی و ارائه راهکارهای اصلاحی، تیر ۱۳۹۹.
- ۱۵) معاونت حقوقی ریاست جمهوری: qavanin.ir.
- ۱۶) Bruce Scott. (1989) US Competitiveness in the World Economy. Harvard Business School Press. Chaps 1 & 2.
- ۱۷) World Economic Forum (2008-2020) The Global Competitiveness Report 2010-2019. Geneva: World Economic Forum
- ۱۸) UNCTAD, HANDBOOK OF STATISTICS, 2021, 86-97.
- ۱۹) https://irica.ir/web_directory/74078-99.html
- ۲۰) https://www.trademap.org/Country_SelProduct_TS.aspx
- ۲۱) <https://tsd.cbi.ir/display/content.aspx>.
- ۲۲) <https://www.ilna.news/%>
- ۲۳) https://rc.majlis.ir/fa/law/print_version/115224